فضائل الشیعة

علی علیه السلام

تألیف : شیخ صدوق

ترجمه و تصحیح : دکتر امیر توحیدی

انتشارات زراره

فضائل الشیعة



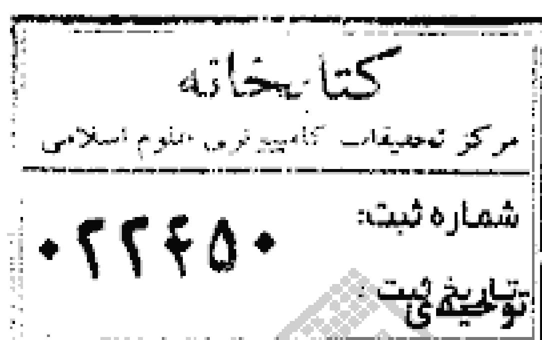
تألیف : شیخ صدوق

ترجمه و تصحیح : دکتر امیر توحیدی

انتشارات زُراره

ابن بابویه ، محمدبن علی ، ۳۱۱-۳۸۱ ق .
[فضائل‌الشیعة . فارسی - عربی]
فضائل‌الشیعة علی علیه‌السلام / تألیف شیخ صدوق ، ترجمه و تصحیح دکتر امیر توحیدی .- تهران : زُراره ، ۱۳۷۹ .
ک ، چهار ، ۱۱۲ ص .
۵۵۰۰ ریال : ISBN 964-91643-8-3
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا .
کتابنامه به صورت زیرنویس .
۱. احادیث اخلاقی . ۲ . اخلاق اسلامی . ۳ . احادیث شیعه - قرن ۴ ق .
الف .توحیدی،امیر، مترجم و مصحح . ب . عنوان . ج : . عنوان : فضائل الشیعة .
۶۰۴۱ ف۲ الف/ BP۲۴۸ ۲۹۷/۲۱۲
۱۳۷۹
کتابخانهٔ ملی ایران ۳۲۹۸-۷۹م





نام کتاب : فضائل الشیعة
مؤلف : شیخ صدوق
ترجمه و تصحیح : دکتر امیر توحیدی
طرح جلد : سیدعلی مدنی
ناشر : انتشارات زُراره
تعداد : ۳۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : سوم
چاپ : مهارت
لیتوگرافی : صدف
حروف نگار : محمدرضا نصیری
تاریخ انتشار : ۱۳۸۰
قیمت : ۵۵۰۰ ریال
آدرس : تهران-خیابان نجات الهی ، جنب سازمان محیط زیست ، شماره ۱۸۹ ، طبقهٔ اوّل . تلفن : ۸۸۹۳۱۳۴

شابک ۳-۸-۹۱۶۴۳-۹۶۴ ISBN 964-91643-8-3

تقریظ استاد ارجمند و محقّق فاضل
جناب آقای علیّ‌اکبر غفّاریّ

بسمه تعالی

اینجانب متن و ترجمهٔ این اثر شریف را با کمال دقّت مطالعه کردم، متن آن را از نظر تصحیح و اعراب‌گذاری، دقیق و ترجمه را از جهت صحّت رعایت قواعد ادبی و روانی الفاظ، کاملاً درست و با دقّت یافتم.

خداوند به عامل آن، آقای امیر توحیدی ـ ابقاه الله تعالی ـ جزای خیر دهد و او را برای احیای آثار مذهبی توفیق عنایت فرماید.

علیّ اکبر غفّاریّ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلواته على محمد وآله الطاهرين

قال أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي

رضي الله عنه حدثني أبي رضي الله عنه قال حدثنا عبد الله بن الحسين

المؤدب عن أحمد بن علي الأصفهاني عن محمد بن أسلم الطوسي قال حدثنا

أبو رجاء عن نافع عن ابن عمر أنه قال سألت النبي صلى الله عليه وآله عن علي بن

أبي طالب فغضب ثم قال ما بال أقوام يذكرون من له منزلة من

الله كمنزلتي ألا ومن أحب عليا فقد أحبني ومن أحبني فقد رضي الله عنه

ومن رضي عنه كافاه الجنة ألا ومن أحب عليا لا يخرج من الدنيا حتى

يشرب من الكوثر ويأكل من طوبى ويرى مكانه في الجنة ألا

ومن أحب عليا قبل صلاته وصيامه وقيامه واستجاب دعاءه ألا

ومن أحب عليا استغفرت له الملائكة وفتحت له أبواب الجنة الثمانية

يدخلها من أي باب شاء بغير حساب ألا ومن أحب عليا أعطاه الله

كتابه بيمينه وحاسبه حساب الأنبياء ألا ومن أحب عليا هون الله

عليه سكرات الموت وجعل قبره روضة من رياض الجنة ألا ومن أحب

عليا أعطاه الله بكل عرق في بدنه حوراء وشفع في ثمانين من أهل

بيته وله بكل شعرة في بدنه حوراء ومدينة في الجنة ألا ومن أحب عليا

بعث الله إليه ملك الموت كما يبعث إلى الأنبياء ودفع الله عنه هول

الصفحة الاولى من نسخة مكتبة مجلس الشورى الاسلامي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلواته على محمد وآله الطاهرين قال ابو
جعفر محمد بن علي بن الحسين ابن موسى ابن بابويه القمي الفقيه رضي
الله عنه حدثني ابي رضي الله عنه قال حدثنا عبد الله بن الحسين المؤدب
عن احمد بن علي الاصفهاني عن محمد بن اسلم الطوسي قال حدثنا ابو رجا
عن نافع عن ابن عمر انه قال سألنا النبي صلى الله عليه وآله عن علي بن ابي
طالب عليه السلم فغضب صلى الله عليه وآله ثم قال ما بال اقوام يذ
كرون من منزلته من الله كمنزلتي الا ومن احب عليا فقد احبني
ومن احبني فقد رضي الله عنه ومن رضي عنه كافاه الجنة الا ومن
احب عليا لا يخرج من الدنيا حتى يشرب من الكوثر ويأكل من طوبى
ويرى مكانه في الجنة الا ومن احب عليا قبل صلاته وصيامه و
قيامه واستجاب له دعاءه الا ومن احب عليا استغفرت له الملائكة و
فتحت له ابواب الجنة الثمانية يدخلها من اي باب شاء بغير حساب
الا ومن احب عليا اعطاه الله كتابه بيمينه وحاسبه حساب الانبياء
ومن احب عليا هون الله عليه سكرات الموت وجعل قبره روضة
من رياض الجنة الا ومن احب عليا اعطاه الله بكل عرق في بدنه
حوراء وشفع في ثمانين من اهل بيته وله بكل شعرة في بدنه حوراء

الصفحة الاولى من نسخة مكتبة جامعة طهران

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلواته على محمد وآله الطاهرين قال ابو جعفر
محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي الفقيه رضي الله عنه
حدثني ابي رضي الله عنه قال حدثنا عبد الله بن الحسين المؤدب عن
احمد بن علي الاصفهاني عن محمد بن اسلم الطوسي قال حدثنا ابو رجا عن
نافع عن ابن عمر قال سئل النبي صلى الله عليه وآله عن علي بن
ابي طالب عليه السلام فغضب صلى الله عليه وآله ثم قال ما بال اقوام
يذكرون من منزلته من الله كمنزلتي الا ومن احب عليا فقد احبني
ومن احبني فقد رضي الله عنه ومن رضي عنه كافاه الجنة الا ومن
احب عليا لا يخرج من الدنيا حتى يشرب من الكوثر ويأكل من طوبى
ويرى مكانه في الجنة الا ومن احب عليا قبل الله صلاته وصيامه وقيامه
واستجاب له دعاءه الا ومن احب عليا استغفرت له الملائكة وفتحت
له ابواب الجنة الثمانية يدخلها من اي باب شاء بغير حساب الا ومن
احب عليا اعطاه الله كتابه بيمينه وحاسبه حساب الانبياء الا ومن
احب عليا هون الله عليه سكرات الموت وجعل قبره روضة من رياض
الجنة الا ومن احب عليا اعطاه الله بكل عرق في بدنه حوراء وشفع
في ثمانين من اهل بيته وله بكل شعرة في بدنه حوراء ومدينة في
الجنة الا ومن احب عليا بعث الله اليه ملك الموت كما يبعث الى الانبياء
ودفع الله عنه هول منكر ونكير وبيض وجهه وكان مع حمزة سيد

الصفحة الاولى من نسخة مكتبة السيّد المرعشي النجفي

بسم الله الرحمن الرحیم

وَصَلَّی اللهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ وَلَعنَةُ اللهِ عَلیٰ أَعدائِهِم أَجمَعینَ

خداوند سبحان و ذوات مقدّسهٔ محمّد و آل محمّد ﷺ را بی حدّ و حصر شاکر و سپاسگزارم که این حقیرعاصی را بار دیگر مورد لطف و مرحمت خویش قرار دادند تا اثر دیگری از آثار ماندگار و گرانقدر عالمی فقیه و محدّثی جلیل‌القدر از تبار بزرگان شیعه، یعنی «شیخ صدوق» رحمه‌الله را تصحیح و ترجمه نمایم و به ایتام آل محمّد تقدیم دارم.

به یقین، اگر عنایات، الطاف و مراحم خاصّهٔ حضرت بقیة الله الاعظم «رُوحي وَأَرواحُ العالَمینَ لِتُرابِ مَقدَمِهِ الفِداءُ» نبود، هرگز چنین توفیقی نصیب این کمترین نمی‌شد؛ ولی از آنجا که آن سرور انام و امام همام «کَریمٌ مِنَ أَوْلادِ الکِرامِ» و مَظهَر و مُظهِر اتمّ و اکمل «یا مَنْ بابُهُ مَفتُوحٌ لِلطّالِبینَ»[1] است، این‌بار نیز فتحِ بابِ رحمت فرمود و بارِ عام داد تا این عبد عارم[2] به مصداق ﴿وَکَلْبُهُمْ باسِطٌ ذِراعَیهِ بِالْوَصیدِ﴾[3] (کهف ـ ۱۸) بتواند سرِ ارادت بر آستان

۱- بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۹۴

۲- بد اخلاق

۳- و سگ اصحاب کهف، دستهایش را بر دهانه غار گشوده بود.

مَلَک پاسبانش بساید و با «بِضاعَة مُزْجاة» به ساحت مقدّسش عرض ارادتی بنماید و رانِ ملخی نزد سلیمان ببرد.

به راستی در این زمانهٔ آکنده از محنت و بلا که هر کس رو به سویی نهاده و دل به بت عربده‌جویی سپرده است و بازار تحریف حقایق اصیل دین رونق و رواج روزافزونی دارد و علمای واقعی دین، مَکْتُوم[1] و مَکْعُوم[2] و مُلْجَم[3] هستند و جاهلان عالِم‌نما، مُکَرَّم. معروف، منکر می‌نماید و منکر، معروف و در نزد مردمش به تعبیر امیر مؤمنان علی عليه السلام:

«لَيْسَ عِنْدَ اَهْلِ ذٰلِكَ الزَّمٰانِ سِلْعَةٌ اَبْوَرَ مِنَ الْكِتٰابِ اِذٰا تُلِیَ حَقَّ تِلاٰوَتِهِ، وَلاٰ اَنْفَقَ مِنْهُ اِذٰا حُرِّفَ عَنْ مَوٰاضِعِهِ»[4]

در نزد مردم آن زمان، کالایی کسادتر از قرآن نخواهد بود اگر آن را آن‌گونه که حقّ آن است تلاوت نمایند، و اگر معنی کلماتش را تغییر داده و تحریف نمایند، کالایی پر رونق‌تر از آن [نزد آنها] وجود نخواهد داشت.

جز اعانت، لطف، کرم، بنده‌نوازی و... اربابِ کرم (محمّد و آل محمّد عليهم السلام) چه چیز دیگری حرکت در سبیل و صراط آل رسول صلى الله عليه وآله را مقدور و میسور می‌سازد و آدمی را از شرّ شیاطین جنّی و اِنسی، در حِصن حَصین ولایت علوی، از خطرات مصون و محفوظ می‌دارد؟ این سخن در واقع بشارتی است از جانب وجود نازنین حضرت بقیةالله الاَعظم،

---

۱ و ۲ و ۳- پنهان، دهان بسته، دم فرو بسته.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

حجّة ابن الحسن العسکریّ «عجّل الله تعالی فرجه الشریف» که در توقیع شریفش خطاب به شیخ مفید فرمود:

«اِنّا غَیْرُ مُهْمِلینَ لِمُراعاتِکُمْ وَلا ناسینَ لِذِکْرِکُمْ، وَلَوْلا ذٰلِکَ لَنَزَلَ بِکُمُ اللَّأْواءُ وَاصْطَلَمَکُمُ الْاَعْداءُ»[1]

همانا، ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم؛ چه، در غیر این صورت، سختیها و گرفتاریها بر شما فرو می‌آید و دشمنان شما را ریشه‌کن کرده و از بین می‌برند.

بارالها، تو را با تمام وجود و از صمیم قلب، حامد و شاکرم که پذیرش فرمایشات دُرَر بارِ این امرای کلام را بر قلب ما سهل و آسان فرمودی و ما را آن گونه قراردادی که کوله‌بار رجاء خویش را بر آستان این «شُمُوس طالعة» و «بُدُور منیرة» دراندازیم و رحل اقامت جانهای خسته خویش را بر فِناء[2] این «اَنجُم ظاهرة» و «شُهُب ثاقبة» بیفکنیم و با تمام وجود مصدِّقِ سخن باقر علوم انبیا و کاشف سرّ اوصیاء ﷺ باشیم که به «سَلَمَة بن کُهَیل و حَکَم بن عُتَیبَة» فرمود:

«شَرِّقا وَغَرِّبا لَنْ تَجِدا عِلْمًا صَحیحًا اِلّا شَیْئًا یَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنا اَهْلِ الْبَیْتِ»[3]

[اگر] به شرق و غرب عالم [هم] بروید، هرگز به علم صحیح و درستی [در دین] دست نمی‌یابید، مگر آن علمی که از نزد ما آل محمّد بیرون می‌آید.

۱- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۸

۲- درگاه

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۲، ح ۲۰

و همچنین کلام نورانی آن حضرت را بپذیریم که فرمود:

«كُلُّ شَيْءٍ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هٰذَا الْبَيْتِ فَهُوَ بَاطِلٌ»[۱]

هر چیزی (علمی) که از این خانه (بیت محمّد و آل محمّد) بیرون نیامده، باطل است.

آری این امور، از جمله عواملی بود که باعث شد جویای اثری باشیم که مصداق «كَلَامُكُمْ نُورٌ» و «فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» باشد و بتواند مخاطبین واقعی خویش را حیاتی دوباره بخشد و یاد «كَلَامُكَ تُحْيِي قُلُوبَنَا» را در اذهان و افکار دوستداران اهل بیت ﷺ زنده بدارد. لذا کتاب «فضائل الشیعه» را در ادامهٔ کتاب «صفات الشیعة» برگزیدیم تا با تصحیح، اعراب و ترجمهٔ آن، گامی هر چند کوتاه، در این مسیر برداریم. ولی در عین حال، مشغله‌های فراوان مانع از این توفیق بود تا اینکه سرانجام، صدیق ارجمند، جناب آقای «سیّد علی مدنی» که به حقّ یکی از ارادتمندان واقعی به مکتب اهل بیت ﷺ است، به اینجانب پیشنهاد فرمود تا به این مهم بپردازم.

از پیشنهاد ایشان به گرمی استقبال نمودم و برای نیل به این مقصود، مصمّم شدم نسخه‌های خطی این کتاب را تهیه کرده تا در چاپ جدید، اغلاط فراوانی را که در سند، متن و ترجمهٔ دو کتاب مذکور[۲] وجود داشت، در حدّ توان خویش برطرف نمایم. لذا سه نسخهٔ خطیِ آن را از

۱- بصائر الدرجات، ص ۵۱۱، ح ۲۱

۲- منظور کتاب «فضائل الشیعة» و «صفات الشیعة» است که ظاهراً برای نخستین‌بار توسط فاضل ارجمند، جناب آقای حسین فشاهی با مقدمهٔ بسیار خوبی از ایشان در سال ۱۳۴۲ به فارسی ترجمه شده و در ایران به زیور طبع درآمده است.

کتابخانهٔ مجلس[۱]، کتابخانهٔ دانشگاه تهران[۲] و کتابخانهٔ آقای مرعشی[۳] تهیه کرده و با استفاده از نسخهٔ چاپی آن، به این امر مبادرت ورزیدم و در این مسیر، تمام روایاتی را که مرحوم علاّمهٔ مجلسی در کتاب «بحار الانوار» از کتاب «صفات الشیعة» و «فضائل الشیعة» شیخ صدوق رحمه الله آورده بود، با نسخه‌های مذکور مطابقت نمودم تا بدین طریق، هم از نسخ متعدّدی که در اختیار علاّمه مجلسی بوده بهره‌مند شویم، و هم از نظرات و بیانات این مرد فرزانه و کم نظیر در ذیل این احادیث توشه‌ای برگیریم.

بعد از اتمام کار، کتاب را به استاد ارجمند و محقّق فاضل، جناب آقای علی اکبر غفّاری، که به حقّ یکی از احیاگران آثار اهل بیت علیهم السلام در زمان ما هستند، تقدیم داشتم تا اگر هنوز اشتباهاتی در آن به جا مانده است، اصلاح فرمایند. جناب استاد نیز قبول زحمت فرموده و اصلاحات و نظراتشان را مرقوم داشتند که عیناً منعکس گردید.

در خاتمه، از تمام اخوان مؤمنینی که به نوعی در تسهیل و تیسیر این صَعْب، با کمال صفا و صمیمیّت، بنده را اعانت فرمودند، تشکّر و قدردانی می‌کنم و اجر و پاداش همگان را از ولی نعمتمان، حضرت ولیّ عصر عجّل الله فرجه عاجزانه مسئلت می‌نمایم و به محضر مبارکش عرضه می‌دارم:

۱- نسخهٔ خطی کتابخانه مجلس، در این کتاب با رمز (ن- م) مشخص شده است.
۲- نسخهٔ خطی کتابخانه دانشگاه تهران، در این کتاب با رمز (ن- د) مشخص شده است.
۳- نسخهٔ خطّی کتابخانهٔ آقای مرعشی، در این کتاب با رمز (ن- مر) مشخص شده است.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾ (یوسف - ۸۸)

«ای عزیز، ما با همه اهل بیت خود، به فقر و قحطی و بیچارگی گرفتار شده‌ایم و با متاعی ناچیز و بی‌قدر، به حضور تو آمده‌ایم؛ پس پیمانه‌های ما را پُر کن و به ما تصدّق کن، به راستی که خداوند، به صدقه دهندگان، پاداش نیک عطا می‌کند.»

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تهران - ۱۳۷۹/۵/۴
امیر توحیدی

مقدمه:

محمّد بن علی بن حسین بن بابویه قمّی، مشهور به «شیخ صدوق» در سال ۳۰۶ یا ۳۰۷ (ه.ق) در خاندان علم و تقوی در شهر مذهبی قم، دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش، علیّ بن حسین بن بابویه قمی، از برجسته‌ترین علما و فقهای زمان خود بود. او در بازار، دکّه‌ای کوچک داشت و از طریق کسب و تجارت، در نهایت زهد و عفاف، امرار معاش می‌کرد. همچنین، ساعاتی از روز را در منزل، به تدریس و تبلیغ معالم دین و نقل روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌پرداخت.

جلالتِ شأن و منزلت این فقیه بزرگوار (علیّ بن حسین) بدان پایه رسید که امام حسن عسکری علیه‌السلام، طی نامه‌ای او را با القابی چون «شیخی»، «معتمدی» و «فقیهی» مورد خطاب قرار داد.

چون این نامه دارای مضامین بسیار بلندی است و در طی آن، نکات دقیقی بیان شده که آگاهی بر آن، برای سالکین سبیل ولایت کبرویهٔ مرتضویه، ضروری است؛ لذا متن آن را عیناً در اینجا نقل می‌نماییم:

نامهٔ امام حسن عسکری علیه السلام به علی بن بابویه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالْجَنَّةُ لِلْمُوَحِّدِينَ وَالنّارُ لِلْمُلْحِدِينَ وَلا عُدْوانَ إِلّا عَلَى الظّالِمِينَ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ وَالصَّلٰوةُ عَلىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطّاهِرِينَ.

أَمّا بَعْدُ أُوصِيكَ يا شَيْخِي وَمُعْتَمَدِي وَفَقِيهِي أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ بابَوَيْهِ الْقُمِّيَّ - وَفَّقَكَ اللهُ لِمَرْضاتِهِ وَجَعَلَ مِنْ صُلْبِكَ أَوْلاداً صالِحِينَ بِرَحْمَتِهِ - بِتَقْوَى اللهِ وَإِقامِ الصَّلاةِ وَإِيتاءِ الزَّكٰوةِ فَإِنَّهُ لا تُقْبَلُ الصَّلاةُ مِنْ مانِعِ الزَّكٰوةِ وَأُوصِيكَ بِمَغْفِرَةِ الذَّنْبِ وَكَظْمِ الْغَيْظِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ وَمُواساةِ الْإِخْوانِ وَالسَّعْيِ في حَوائِجِهِمْ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ وَالْحِلْمِ وَالتَّفَقُّهِ فِي الدِّينِ وَالتَّثَبُّتِ فِي الْأَمْرِ وَالتَّعاهُدِ لِلْقُرْآنِ وَحُسْنِ الْخُلْقِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ قالَ: ﴿لا خَيْرَ في كَثِيرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَيْنَ النّاسِ﴾ وَاجْتِنابِ الْفَواحِشِ كُلِّها وَعَلَيْكَ بِصَلاةِ اللَّيْلِ فَإِنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله أَوْصىٰ عَلِيّاً علیه السلام فَقالَ: يا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِصَلاةِ اللَّيْلِ عَلَيْكَ بِصَلاةِ اللَّيْلِ عَلَيْكَ بِصَلاةِ اللَّيْلِ وَمَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلاةِ اللَّيْلِ فَلَيْسَ مِنّا، فَاعْمَلْ بِوَصِيَّتِي وَأْمُرْ شِيعَتِي حَتّىٰ يَعْمَلُوا عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانْتِظارِ الْفَرَجِ فَإِنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قالَ: أَفْضَلُ أَعْمالِ أُمَّتِي انْتِظارُ الْفَرَجِ، وَلا تَزالُ شِيعَتُنا في حُزْنٍ حَتّىٰ يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً. فَاصْبِرْ يا شَيْخِي يا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيُّ وَأْمُرْ جَمِيعَ شِيعَتِي بِالصَّبْرِ ﴿فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلّٰهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ وَ

السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَميعِ شيعَتِنا وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ»[1].

امام حسن عسکری ﷺ در این نامه، پس از حمد خدا و درود بر پیامبر و عترت طاهرینش می‌فرماید:

ای فقیه مورد اعتماد من، علی بن الحسین بن بابویه القمی، خداوند تو را به کارهای مورد رضایتش توفیق دهد و از نسل تو، اولاد صالح بیافریند. تو را وصیّت می‌کنم به رعایت تقوی و برپا داشتن نماز و ادای زکات؛ زیرا کسی که زکات نپردازد، نمازش قبول نخواهد شد و نیز تو را سفارش می‌کنم به بخشایش گناه دیگران و خویشتن‌داری به هنگام خشم و غضب، ارتباط با خویشاوندان، تعاون و همکاری با برادران دینی و کوشش در رفع نیازهای آنها در تنگدستی و گشاده دستی، بردباری و کسب آگاهی و معرفت در دین. در کارها ثابت قدم و با قرآن هم پیمان باش، اخلاق خود را نیکو گردان و دیگران را به کارهای شایسته امر کن و از پلیدی‌ها باز دار؛ زیرا خداوند فرموده است: «در بسیاری از سخنانِ آهسته و درگوشی آنها، هیچ خیری نیست مگر اینکه ضمن آن، به صدقه یا کار نیک و یا اصلاح بین مردم امر نمایند» [و بطور کلّی] تو را سفارش می‌کنم به خودداری از تمام معاصی و گناهان.

نماز شب را ترک مکن؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ در وصیّت خود به

۱- «معادن الحکمة في مکاتیب الائمة»، تألیف علم الهدی محمد بن المحسن بن مرتضی الکاشانی، ج ۲، ص ۲۶۵، چاپ جامعه مدرّسین حوزهٔ علمیهٔ قم.

علیّ ؈، سه مرتبه فرمود: «بر نماز شب مواظبت نما. هر کس نسبت به نماز شب بی اعتنا باشد، از ما نیست» پس ای علی بن الحسین، تو خود به سفارشات من عمل کن و شیعیان مرا نیز دستور ده تا عمل کنند و نیز تو را به صبر و پایداری و انتظار فرج توصیه می‌کنم؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بهترین کارهای امت من، انتظار فرج است» شیعیان ما همواره در غم و اندوه خواهند بود تا فرزندم ظهور کند؛ همان کسی که پیامبر ﷺ بشارت آمدنش را داده است، زمین را از عدل و داد پُر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پُر شده است. پس بار دیگر ای علی بن بابویه، تو را به صبر و استقامت توصیه می‌کنم و تو نیز همهٔ شیعیان و پیروان مرا به صبر و استقامت فرمان بده. «به راستی زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد و عاقبت از آنِ پرهیزگاران است».

سلام و رحمت و برکت حقّ بر تو و بر همهٔ شیعیان ما، درود خداوند بر محمّد ﷺ و آل او باد.[1]

---

۱ - این نامه را اکثر محقّقین و صاحبان تراجم نقل نموده‌اند که از جملهٔ آنها، می‌توان از علامهٔ بحرانی در «لؤلؤة البحرین»، ص ۳۸۴، محقّق خوانساری در «روضات الجنّات»، ج ۴، ص ۲۷۳، علامه مجلسی در «بحار الأنوار»، ج ۵۰، ص ۳۱۷ و ۳۱۸، محدّث نوری در «مستدرک الوسائل»، ج ۳، ص ۵۲۷، قاضی نور الله شوشتری در «مجالس المؤمنین»، ج ۱، ص ۴۵۳، محدّث قمی در «فوائد الرضویة»، ص ۲۸۱، و علامه شیخ محمّد تقی تستری در «قاموس الرّجال»، ج ۶، ص ۴۷۴، نام برد.

چگونگی ولادت

عمر با برکت علیّ بن حسین بن بابویه از پنجاه می‌گذشت و هنوز صاحب فرزندی نشده بود؛ لذا نامه‌ای به محضر مبارک حضرت ولیّ عصر ﷺ نوشت و از آن حضرت درخواست کرد برایش دعا کند تا خداوند به او فرزندی صالح و فقیه مرحمت فرماید. ابو جعفر بن علیّ الاسود می‌گوید: من نامهٔ ابن بابویه را به حسین بن روح، سومین نایب خاصّ حضرت حجّت رساندم. پس از سه روز به من خبر داد که حضرت برای علی بن حسین بن بابویه دعا فرموده و «اَنَّهُ سَیُولَدُ لَهُ وَلَدٌ مُبارَکٌ یَنْفَعُ اللهُ بِهِ وَبَعْدَهُ اَوْلادٌ»

به زودی خداوند به او فرزند مبارکی عطا می‌فرماید و به سبب او [به مردم] خیر می‌رساند و بعد از او (شیخ صدوق) نیز فرزندان دیگری به او (ابن بابویه) مرحمت می‌فرماید.

شیخ صدوق در یکی از کتابهایش به نام «کمال الدین»، ضمن نقل موضوع فوق، اضافه می‌کند که هرگاه ابو جعفر بن علیّ الاسود مرا می‌دید که برای طلب علم و دانش به محضر استاد می‌رفتم، به من می‌فرمود:

این علاقه و اشتیاق تو به علم، تعجّبی ندارد؛ زیرا تو به دعای امام زمان ﷺ متولّد شده‌ای. مرحوم علّامه مجلسی نیز در کتاب ارزشمند «بحار الانوار»، این قضیه را از معجزات حضرت ولیّ عصر ﷺ دانسته است.[1]

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۵ و ۳۳۶

دیدگاه دانشمندان اسلامی در مورد شیخ صدوق

همهٔ علما و فقهای بزرگ اسلام، با دیدهٔ احترام و تعظیم به شیخ صدوق نگریسته‌اند و عدالت او را توثیق نموده و مقام شامخ علمی او را با عباراتی بلند تصدیق نموده‌اند. ما در اینجا اظهار نظر برخی از علمای بزرگ اسلام را یادآور می‌شویم:

۱ـ فقیه نامدار، شیخ طوسی در معرّفی شیخ صدوق می‌گوید:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ بابَوَيْهِ القُمِّيُّ جَلِيلُ القَدْرِ يُكَنّى أبا جَعْفَرٍ كانَ جَلِيلاً، حافِظاً لِلأحادِيثِ، بَصِيراً بِالرِّجالِ ناقِداً لِلأخْبارِ لَمْ يُرَ فِي القُمِّيِّينَ مِثْلُهُ في حِفْظِهِ وَ كَثْرَةِ عِلْمِهِ، لَهُ نَحْوٌ مِنْ ثَلاثِ مِأةِ مُصَنَّفٍ».

او دانشمندی جلیل القدر و حافظ احادیث بود. از احوال رجال کاملاً آگاه، و در سلسلهٔ احادیث، نقّادی عالی‌مقام به شمار می‌آمد و در میان علمای قم، از نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات، مانند نداشت و در حدود سیصد اثر تألیفی از خود به یادگار گذاشت.

۲ـ رجالی کبیر نجاشی چنین می‌نویسد:

ابو جعفر (شیخ صدوق) ساکن ری، بزرگ ما و فقیه ما و چهرهٔ برجستهٔ شیعه در خراسان است. به بغداد نیز وارد شد و با اینکه در سنّ جوانی بود، همهٔ بزرگان شیعه (شیوخ الطائفة) از او استماع حدیث می‌کردند.

۳ـ سیّد بن طاووس می‌فرماید:

شیخ صدوق کسی است که همه بر علم و عدالت او اتفاق دارند.

۴ـ علّامه مجلسی در توصیف او چنین می‌گوید:

«مِنْ عُلَماءِ الْقُدَماءِ التّابِعینَ لِآثارِ الْأَئِمَّةِ النُّجَباءِ الَّذینَ لا یَتَّبِعُونَ الْآراءَ وَ الْأَهْواءَ وَلِذا یُنَزِّلُ أَکْثَرُ أَصْحابِنا کَلامَهُ وَکَلامَ أَبیهِ (رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُما) مَنْزِلَةَ النَّصِّ الْمَنْقُولِ وَ الْخَبَرِ الْمَأْثُورِ»

شیخ صدوق از بزرگترین علمای گذشته است و از جمله کسانی است که از احادیث امامان بزرگوار علیهم السلام تبعیت می‌کنند؛ نه از پندارها و خواهشهای نفسانی. به همین دلیل است که اکثر علمای شیعه، کلام وی و پدرش را به منزلهٔ حدیث و روایات اهل بیت علیهم السلام می‌دانند.

۵ـ علّامه سیّد هاشم بحرانی بعد از اشاره به عظمت شیخ می‌گوید:

جمعی از اصحاب ما، از جمله علامه در «مختلف»، شهید در «شرح الارشاد» و سیّد محقّق داماد، روایات مرسلهٔ صدوق را صحیح می‌دانند و به آنها عمل می‌کنند؛ زیرا همان گونه که روایات مرسلهٔ ابن ابی عمیر پذیرفته شده، روایات مرسلهٔ صدوق هم مورد قبول واقع شده است.

۶ـ سیّد محمّد باقر خوانساری، صاحب روضات الجنّات نیز این چنین آورده است:

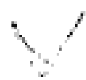
«شَیْخُ الْحَفَظَةِ الْأَمینُ، عِمادُ الْمِلَّةِ وَ الدّینِ، رَئیسُ الْمُحَدِّثینَ، أَبُو جَعْفَرٍ الثّانی... الْمُشْتَهَرُ بِالشَّیْخِ الصَّدُوقِ، أَمْرُهُ فِی الْعِلْمِ وَ الْعَدالَةِ وَ الْفَهْمِ وَ النَّبالَةِ وَ الْفِقْهِ وَ الْجَلالَةِ وَ الثِّقَةِ وَ حُسْنِ الْحالَةِ وَ کَثْرَةِ التَّصْنیفِ وَ جَوْدَةِ التَّأْلیفِ وَ غَیْرِ ذٰلِکَ مِنْ صِفاتِ الْبارِعینَ وَ سِماتِ الْجامِعینَ أَوْضَحُ مِنْ أَنْ یَحْتاجَ إِلیٰ بَیانٍ أَوْ یَفْتَقِرَ إِلیٰ تَقْریرِ الْقَلَمِ فی مِثْلِ هٰذَا الْمَکانِ».

شخصیت نامدار و مورد اعتماد، پایه و ستون دین، رئیس محدّثین، ابو جعفر دوم...، مشهور به شیخ صدوق، در علم و عدالت و فهم مطالب و برجستگی شخصیت و فقاهت و جلالت قدر و وثوق و درست کرداری و تصانیف بسیار و حُسن سلیقه‌ای که در تنظیم و تألیف آنها بکار برده و در آراستگی به همهٔ صفاتی که زیبندهٔ شخصیتهای نامی و صاحبان فضل و کمال است، بالاتر از آن است که نیازمند به بیان و گفتار یا محتاج به تقریر قلم و نوشتار باشد.

۷ـ و از همه محکمتر، کلام بلند و رسای علّامهٔ بحر العلوم طباطبائی است که به شیواترین تعبیرات، حقّ مطلب را ادا کرده است. متن کلام سیّد بحر العلوم در تعریف شیخ صدوق، چنین است:

«شَیخٌ مَشایِخِ الشّیعَةِ وَرُکْنٌ مِنْ اَرْکانِ الشَّریعَةِ رَئیسُ الْمُحَدِّثینَ وَالصَّدُوقُ فیما یَرْویهِ عَنِ الْاَئِمَّةِ علیهم السلام وُلِدَ بِدُعاءِ صاحِبِ الْاَمْرِ صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِ وَنالَ بِذٰلِکَ عَظیمَ الْفَضْلِ وَالْفَخْرِ وَصَفَهُ الْاِمامُ علیه السلام فِی التَّوْقیعِ الْخارِجِ مِنْ ناحِیَةِ الْمُقَدَّسَةِ بِاَنَّهُ فَقیهٌ، خَیِّرٌ مُبارَکٌ، یَنْفَعُ اللهُ بِهِ، فَعَمَّتْ بَرَکَتُهُ الْاَنامَ، وَانْتَفَعَ بِهِ الْخاصُّ وَالْعامُّ وَ بَقِیَتْ آثارُهُ وَمُصَنَّفاتُهُ مُدَی الْاَیّامِ وَعَمَّ الْاِنْتِفاعُ بِفِقْهِهِ وَحَدیثِهِ فُقَهاءَ الْاَصْحابِ وَ مَنْ لایَحْضُرُهُ الْفَقیهُ مِنَ الْعَوامِّ...»

شیخ صدوق، بزرگ بزرگان و استاد راویان شیعه و ستونی از ستونهای شریعت اسلام و پیشوای محدّثین است و در آنچه از امامان شیعه علیهم السلام نقل می‌کند، راست گفتار. او به دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام به دنیا آمد و همین فضیلت و افتخار بزرگ او را بس که امام عصر علیه السلام در نامهٔ مبارکش، او را با کلماتی همچون «فقیه» (دانشمند)، «خیّر» (نیکوکار)، «مبارک» (با برکت)، «ینفع الله به» (از جانب خداوند سودبخش) توصیف کرده است. از این



رو، خیر و برکت او، شامل حال مردم گردید و خواصّ و عوام، از او نفع بردند و کتابهای و تألیفاتش تا همیشهٔ روزگار باقی است. از فقه و حدیثش، هم دانشمندان استفاده می‌کنند و هم عامّهٔ مردم که دسترسی به فقها ندارند بهره می‌جویند.

تألیفات شیخ صدوق

شیخ صدوق، علاوه بر آثار متعدّدی که در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی از خود به جای گذاشت، با بیان معارف و معالم دین، فرهنگ غنی شیعه را نیز هر چه بیشتر به جامعه معرفی نمود و در این راه، زحمات طاقت‌فرسایی را متحمّل گردید. او به راستی یکی از احیاگران علوم اهل بیت ﷺ در تاریخ شیعه است.

شیخ طوسی فرموده: او (شیخ صدوق) سیصد کتاب تألیف کرده است و نجاشی حدود دویست کتاب از کتابهای صدوق را نام می‌برد؛ ولی چون ذکر همهٔ آنها خارج از حوصلهٔ این کتاب است، لذا در اینجا تنها نام تعدادی از آثار مشهور شیخ صدوق را یادآور می‌شویم:

ـ «كِتابُ مَنْ لا يَحْضُرُهُ الْـفَقيهُ»، این کتاب، یکی از کتب اربعهٔ فقه شیعه به شمار می‌رود.

ـ «مَدينَةُ الْعِلْمِ»، این کتاب که به گفتهٔ شیخ طوسی بزرگتر از «كِتابُ مَنْ لا يَحْضُرُهُ الْـفَقيهُ» است، حدود ۴۰۰ سال پیش ناپدید گشته است.

ـ «عیون اخبار الرضا»، «کتاب التوحید»، «الخصال»، «الامالی»، «معانی الاخبار»، «علل الشرایع»، «کمال الدین و تمام النعمة» و...

وفات شیخ صدوق

سرانجام این عالم بزرگوار، پس از گذشت هفتاد و چند سال از عمر شریف و پر برکتش در سال ۳۸۱ هـ.ق دعوت حق را لبیک گفت و در شهر ری دیده از جهان فرو بست.

پیکر پاکش در میان غم و اندوه شیعیان در نزدیکی مرقد مطهّر حضرت عبدالعظیم الحسنی مدفون گردید. آرامگاهش در این ایام به نام ابن‌بابویه در شهر ری مشهور و قبر منوّرش، زیارتگاه دوستداران آل رسول ﷺ و محلّ استجابت دعای مؤمنان است.

ناگفته نماند اکثر تذکره نویسان، قضیه‌ای راجع به سالم ماندن پیکر شریف صدوق، پس از گذشت نهصد سال از وفات وی نقل کرده‌اند که ما نیز خلاصهٔ آن را در اینجا ذکر می‌کنیم. علّامهٔ خوانساری متوفای ۱۳۱۳ هـ.ق در کتاب ارزشمند «روضات الجنّات» می‌نویسد:

«از کرامات صدوق که در این اواخر به وقوع پیوسته و عدّهٔ کثیری از اهالی شهر آن را مشاهده کرده‌اند، آن است که در عهد فتحعلی شاه قاجار، در حدود ۱۲۳۸ هـ.ق، مرقد شریف صدوق که در اراضی ری قرار دارد، از کثرت باران خراب شد و رخنه‌ای در آن پدید آمد. به جهت تعمیر و اصلاح آن، اطرافش را می‌کندند؛ پس به سردابه‌ای که مدفنش بود برخوردند. هنگامی که وارد سرداب شدند، دیدند که جثّهٔ او همچنان تر و تازه با بدن عریان و مستور العورة و در انگشتانش اثر خضابّ و در کنارش تارهای پوسیدهٔ

کفن به شکل فتیله‌ها بر روی خاک قرار گرفته است.

این خبر به سرعت در تهران منتشر شد و به گوش سلطان وقت رسید. وی با جمعی از بزرگان و امنای دولت، به جهت مشاهدهٔ حضوری به محلّ آمدند. جمعی از علما و اعیان داخل سرداب شدند و صدق قضیه را به رأی العین مشاهده کردند. پس از آن وی دستور تعمیر و تجدید بنا و تزئینات آن بقعه را صادر کرد.»[۱]

صاحب روضات که در آن زمان ۱۲ ساله بوده می‌نویسد:

«من خود بعضی از افرادی را که در آن واقعه حضور داشتند ملاقات نموده‌ام.»

صاحب «تنقیحُ المقال» نیز همین قضیه را نقل نموده و اضافه می‌کند:

«چهل سال پیش به سند صحیح از سید ابراهیم لواسانی ـ یکی از علمای بزرگ تهران ـ نقل شده که وی خود از کسانی بوده است که به چشم خود جسد مطهّر را به همان حال که ذکر شد مشاهده کرده است.[۲] خدای او را رحمت کند و با پیامبر اکرم ﷺ و ائمه طاهرین ﷺ محشورش گرداند.[۳]

۱- روضات الجنّات، ج ۶، ص ۱۴۰، ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۴۳۷

۲- ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۴۳۸، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۸۶، به نقل از تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۵۵

۳- ما این مقدّمه را از کتاب «شیخ صدوق»، تألیف حجت الاسلام محمّد علی خسروی تلخیص و اقتباس نموده‌ایم.

بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ الْفَقِيهُ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ.

(اَلْحَدِيثُ الْأَوَّلُ)

حَدَّثَنِي أَبِي رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللّٰهِ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُؤَدِّبُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصْفَهَانِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ الطُّوسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو رَجَاءٍ... عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّهُ قَالَ:

سَأَلْنَا النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَغَضِبَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ: مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَذْكُرُونَ مَنْ مَنْزِلَتُهُ مِنَ اللّٰهِ كَمَنْزِلَتِي؟ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ، وَمَنْ رَضِيَ اللّٰهُ[1] عَنْهُ كَافَأَهُ الْجَنَّةَ. أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنَ الْكَوْثَرِ وَيَأْكُلَ مِنْ طُوبَى وَيَرَى مَكَانَهُ فِي الْجَنَّةِ. أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً قُبِلَ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَقِيَامُهُ وَاسْتُجِيبَ لَهُ دُعَاؤُهُ. أَلَا وَمَنْ

۱- در «ن - د» ، «ن - م» و «ن - مر» لفظ جلالهٔ «الله» نیامده‌است.

بسم الله الرحمن الرحیم

حدیث اوّل

عبدالله‌بن عمر گفت: از رسول خدا ﷺ در مورد علی‌بن ابی‌طالب ؑ [بطور توهین‌آمیزی] سؤال کردیم. آن حضرت خشمگین شد و فرمود:

چرا عدّه‌ای به بدی یاد می‌کنند از کسی که مقام و منزلتش نزد خدا، همچون مقام و منزلت من است؟!

آگاه باشید هر کس علی را دوست بدارد، مرا دوست می‌دارد و هر کس مرا دوست بدارد، خداوند از او راضی است و هرکس خدا از او راضی باشد، پاداشش را بهشت قرار می‌دهد. بدانید، هرکس علی را دوست بدارد، از دنیا نمی‌رود مگر اینکه از حوض کوثر بنوشد و از درخت طوبی بخورد و جایگاه خود را در بهشت ببیند. آگاه باشید، هرکس علی را دوست بدارد، نماز، روزه و شب‌زنده‌داری‌اش پذیرفته می‌شود و دعایش مستجاب می‌گردد.

اَحَبَّ عَلِيًّا استغفرت لهُ الْمَلائكةُ وفُتِحَتْ لَهُ اَبوابُ الْجنّةِ الثّمانيةِ يَدْخُلُها مِنْ اَيِّ بابٍ شاءَ بِغيرِ حِسابٍ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيًّا اَعْطاهُ اللهُ كِتابَهُ بِيَمِينِهِ وَحاسَبَهُ حِسابَ الْاَنْبِياءِ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيًّا هَوَّنَ اللهُ عَلَيْهِ سَكَراتِ الْمَوْتِ وَجَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِياضِ الْجَنَّةِ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيًّا اَعْطاهُ اللهُ بِكُلِّ عِرْقٍ فِي بَدَنِهِ حَوْراءَ وَ شَفَعَ فِي ثَمانِينَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ وَلَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي بَدَنِهِ حَوْراءُ وَمَدِينَةٌ فِي الْجَنَّةِ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيًّا بَعَثَ اللهُ اِلَيْهِ مَلَكَ الْمَوْتِ كَما يُبْعَثُ اِلَى الْاَنْبِياءِ، وَدَفَعَ اللهُ عَنْهُ هَوْلَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَبَيَّضَ وَجْهَهُ وَكانَ مَعَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَداءِ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيًّا اَثْبَتَ اللهُ فِي قَلْبِهِ الْحِكْمَةَ وَاَجْرَى عَلَى لِسانِهِ الصَّوابَ وَفَتَحَ اللهُ عَلَيْهِ اَبْوابَ الرَّحْمَةِ اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيًّا سُمِّيَ فِي السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ اَسِيرَ اللهِ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيًّا ناداهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: "عَبْدَ اللهِ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّها. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيًّا جاءَ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيًّا وُضِعَ عَلَى رَأْسِهِ تاجُ

بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، فرشتگان برای او طلب آمرزش می‌کنند و درهای هشتگانهٔ بهشت بر او گشوده می‌شود تا از هر دری که بخواهد، بدون حساب وارد شود. آگاه باشید، هرکس علی را دوست بدارد، خداوند نامهٔ عملش را به دست راستش می‌دهد و به حساب او همچون حساب انبیا رسیدگی می‌کند. بدانید هر کس علی را دوست بدارد، خداوند شدّت و سختی جان دادن را بر او آسان می‌کند و قبرش را باغی از باغهای بهشت قرار می‌دهد. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، خداوند به تعداد رگهای بدنش از حوری‌های بهشت به او می‌بخشد و در مورد هشتاد نفر از اقوام و خویشانش، شفاعت می‌کند و به تعداد موهای بدنش، از حوریان بهشتی و از شهرهای بهشت برخوردار می‌شود. بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، خداوند، ملک الموت (عزرائیل) را برای [قبض روح] او، آن‌گونه می‌فرستد که برای پیامبران فرستاده می‌شود و ترس از نکیر و منکر را از او برمی‌دارد و رویش را سفید می‌کند، و او با حضرت حمزهٔ سیدالشهدا همنشین خواهد بود. آگاه باشید، هرکس علی را دوست بدارد، خداوند، حکمت را در قلبش ثابت می‌کند و سخن درست را بر زبانش جاری می‌سازد و درهای رحمت را به رویش می‌گشاید.

بدانید، هرکس علی را دوست بدارد، در آسمانها و زمین، اسیر خدا نامیده می‌شود. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، فرشته‌ای از زیر عرش او را صدا می‌زند: ای بندهٔ خدا، عمل [به فرامین الهی] را از نو آغاز کن؛ زیرا خداوند تمام گناهانت را آمرزیده است. بدانید، هرکس علی را دوست بدارد، روز قیامت در حالی [به صحرای محشر] می‌آید که صورتش همچون ماه شب چهارده می‌درخشد. آگاه باشید، هرکس علی را دوست بدارد، بر سرش تاج پادشاهی گذاشته می‌شود،

اَلْمُلْكِ وَاُلْبِسَ حُلَّةَ اَلْكَرامَةِ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيّاً جازَ عَلَى اَلصِّراطِ كَالْبَرْقِ اَلْخاطِفِ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيّاً كُتِبَ لَهُ بَراءَةٌ مِنَ اَلنّارِ وَجَوازٌ عَلَى اَلصِّراطِ وَاَمانٌ مِنَ اَلْعَذابِ وَلَمْ يُنْشَرْ لَهُ ديوانٌ وَلَمْ يُنْصَبْ لَهُ ميزانٌ وَقيلَ لَهُ اُدْخُلِ اَلْجَنَّةَ بِلاحِسابٍ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ عَلِيّاً صافَحَتْهُ اَلْمَلائِكَةُ وَزارَتْهُ اَلاَنْبِياءُ وَقَضَى اللّٰهُ[1] لَهُ كُلَّ حاجَةٍ. اَلا وَمَنْ اَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ أَمِنَ مِنَ اَلْحِسابِ وَاَلْميزانِ وَاَلصِّراطِ اَلا وَمَنْ ماتَ عَلى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَاَنَا كَفيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ اَلاَنْبِياءِ. اَلا وَمَنْ ماتَ عَلى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشُمَّ رائِحَةَ اَلْجَنَّةِ.

قالَ اَبُورَجاءٍ: كانَ حَمّادُ بْنُ زَيْدٍ يَفْتَخِرُ بِهٰذا وَيَقُولُ هُوَ اَلاَصْلُ.[2]

(اَلْحَديثُ اَلثّاني)

حَدَّثَنا اَلْحَسَنُ بْنُ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سَعْدٍ[3]..... عَنْ جابِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ اَلْحَسَنِ عَنْ اَبي جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ اَلْحُسَيْنِ عَنْ اَبيهِ (عَلَيْهِمُ السَّلامُ) قالَ:

۱- «ن - م» لفظ جلالة «الله» را ندارد.

۲- مرحوم علامهٔ مجلسی این حدیث را در بحارالانوار، ج۲۷، ص۱۱۴، ح ۸۹ از مناقب ابن شاذان و در ج ۶۵، ص۱۲۴، ح ۵۳ از «بشارة المصطفى» نقل کرده و در آخر آن چنین فرموده است:
أقولُ: رَواهُ الصَّدُوقُ رَحِمَهُ اللّهُ في فَضائِلِ الشّيعَةِ عَنْ أبيهِ عَنِ المُؤَدِّبِ عَنْ أحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الاصْبَهانِيِّ رَفَعَهُ إلى نافِعٍ مِثْلَهُ مَعَ أدْنى تَفاوُتٍ.

۳- در «ن - م»، «ن - د» و «ن - مر»، «سعيد» آمده است.

و لباس کرامت و بزرگواری بر او پوشانده می‌شود. بدانید، هرکس علی را دوست بدارد، از پل صراط همچون برق جهنده می گذرد. آگاه باشید، هرکس علی را دوست بدارد، برای او، دوری از آتش جهنم و جواز عبور از صراط و امان از عذاب دوزخ نوشته می‌شود، نامهٔ عملش گشوده نخواهد شد و کردارش سنجیده نمی‌شود و به او گفته می‌شود: بدون حساب به بهشت وارد شو. بدانید، هرکس علی را دوست بدارد، ملائکه با او دست می‌دهند و انبیا او را زیارت می کنند و خداوند، تمام حاجتهایش را برمی‌آورد. آگاه باشید، هرکس آل محمّد ﷺ را دوست بدارد، از حسابرسی و سنجش کردار و عبور از صراط، در امان است. بدانید، هر کس بر دوستیِ آل محمّد ﷺ بمیرد، من (رسول خدا) همنشنی او را با انبیا در بهشت ضمانت می‌کنم. آگاه باشید، هر کس بر بغض و کینه آل محمّد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

ابو رجاء گفت: حمّاد بن زید به این حدیث افتخار می‌کرد و می‌گفت: این حدیث، اصل [مهمی در دین] است.

قَالَ رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ):

حُبّي وَحُبُّ اَهْلِ بَيْتي نافِعٌ في سَبْعَةِ مَواطِنَ اَهْوالُهُنَّ عَظيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفاةِ، وَفِي الْقَبْرِ، وَعِنْدَ النُّشُورِ، وَعِنْدَ الْكِتابِ، وَعِنْدَ الْحِسابِ، وَعِنْدَ الْميزانِ، وَعِنْدَ الصِّراطِ.[1]

(اَلْحَديثُ الثّالِثُ)

حَدَّثَنا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغيرَةِ... عَنْ اِسْماعيلَ بْنِ مُسْلِمٍ السَّكُونيِّ عَنِ الصّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ اَبيهِ (عَلَيْهِمُ السَّلامُ) قالَ:

قالَ رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ):

اَثْبَتُكُمْ قَدَماً عَلَى الصِّراطِ اَشَدُّكُمْ حُبّاً لِاَهْلِ بَيْتي.[2]

(اَلْحَديثُ الرّابِعُ)

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ اِبْراهيمَ رَحِمَهُ اللهُ... عَنْ هِشامٍ عَنْ اَبي حَمْزَةَ الثُّمالِيِّ، عَنْ اَبي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلامُ) قالَ:

قالَ رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)[3] لِعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلامُ):

---

۱ - بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۴۸، ح ۲، به نقل از «فضائل الشيعة».

۲ - بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۹، ح ۱۶، به نقل از «فضائل الشيعة».

۳ - در بحار الانوار «النّبيّ» آمده است.

حدیث دوم

علی بن حسن از امام باقر ﷺ از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا ﷺ فرمود:

دوستی من و دوستی اهل بیتم در هفت جای هول انگیز سودمند است: وقت مردن، در قبر، هنگام برانگیخته شدن از قبر، وقت [گرفتن یا گشودن] نامهٔ عمل، زمانِ رسیدگی به حساب، هنگام سنجش کردار و وقت عبور از صراط.



حدیث سوم

اسماعیل بن مسلم از امام صادق ﷺ از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا ﷺ فرمود:

ثابت قدم‌ترین شما در صراط، کسی است که اهل بیت مرا بیشتر دوست می‌دارد.

حدیث چهارم

ابو حمزهٔ ثمالی از امام باقر و آن حضرت از پدرانش نقل کرد که رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود:

ما ثَبَتَ حُبُّكَ في قَلْبِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ فَزَلَّتْ بِهِ قَدَمُهُ[1] عَلَى الصِّراطِ إلّا ثَبَتَ[2] لَهُ قَدَمٌ حَتّى أدْخَلَهُ[3] اللهُ بِحُبِّكَ الْجَنَّةَ.»[4]

(اَلْحَديثُ الْخامِسُ)

حَدَّثَنا عَلِيُّ بْنُ أحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ[5] الْقَزْوينِيُّ أبُو الْحَسَنِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مقبر... عَنْ زَيْدِ بْنِ ثابِتٍ قالَ:

قالَ رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ):

مَنْ أحَبَّ عَلِيّاً في حَياتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ كَتَبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ الْأمْنَ[6] وَالْإيمانَ ما طَلَعَتْ[7] شَمْسٌ أوْ غَرَبَتْ[8]، وَمَنْ أبْغَضَهُ في حَياتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ ماتَ ميتَةً جاهِلِيَّةً وَحُوسِبَ بِما عَمِلَ.[9]

(اَلْحَديثُ السّادِسُ)

حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ أحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأسَدِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ جَرادَةَ الْبَرْدَعِيُّ، قالَ حَدَّثَتْنا رُقَيَّةُ بِنْتُ إسْحاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلامُ)

---

۱ و ۲ و ۳ - در بحارالانوار « قَدَمٌ » ، « تَثْبُتُ » ، و « يُدْخِلُهُ » آمده‌است .

۴ - بحارالانوار ، ج ۸ ، ص ۶۹ ، ح ۱۷ و ج ۳۹ ، ص ۳۰۵ ، ح ۱۲۵ به نقل از « فضائل الشيعة » .

۵ - در بحارالانوار « مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ » آمده‌است .

۶ و ۷ - در « ن - د » ، « ن - م » و « ن - مر » ، « مِنَ الْأمْنِ » و « طَلَعَتْ عَلَيْهِ » آمده‌است .

۸ - در « ن - م » و « ن - د » ، « وَ غَرَبَتْ » آمده‌است .

۹ - بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۷۷، ح ۷، به نقل از «علل الشرايع» و «امالی» صدوق و در ج ۳۹، ص ۲۸۵ به نقل از « بشارة المصطفی » .

[هرگاه] محبّت و دوستی تو در دل مؤمنی قرار گیرد باعث می‌شود اگر یک قدمش بر صراط بلغزد، قدم دیگرش ثابت بماند تا اینکه خداوند او را به سبب محبّت تو، به بهشت وارد کند.

حدیث پنجم



زید بن ثابت گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس علی را در زمان حیات آن حضرت و بعد از وفاتش دوست بدارد، خداوند عزّوجلّ، تا زمانی که خورشید طلوع و غروب می‌کند، برای او ایمنی [از عذاب] و [ثبات] ایمان می‌نویسد و هر کس در زمان حیات علی علیه‌السلام و یا بعد از وفاتش نسبت به آن حضرت بغض و کینه ورزد، به مرگ جاهلیت خواهد مرد و همهٔ کردار و رفتارش، حسابرسی می‌شود.

قالَتْ: حَدَّثَني أَبي إِسْحاقُ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قالَ: حَدَّثَني أَبي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبيهِ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ (عليهم السلام) قالَ:

قالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

لا يَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيامَةِ حَتّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ شَبابِهِ فيما أَبْلاهُ، وَعَنْ عُمْرِهِ فيما أَفْناهُ، وَعَنْ مالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفيما أَنْفَقَهُ، وَعَنْ حُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ.[1]

(اَلْحَديثُ السّابِعُ)

حَدَّثَنا عَبْدُ اللهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ ظَبْيانَ ... عَنْ أَبي سَعيدٍ الْخُدْرِيِّ قالَ:

كُنّا جُلُوساً مَعَ رَسُولِ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقالَ: يا رَسُولَ اللهِ، أَخْبِرْني عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ لِإِبْليسَ: «أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعالينَ»، فَمَنْ هُمْ يا رَسُولَ اللهِ الَّذينَ هُمْ أَعْلى مِنَ الْمَلائِكَةِ؟

فَقالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

---

۱ - این حدیث در بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۵۸، ح ۱ با همین سند و مختصر تفاوتی در متن از « امالی » و « خصال » صدوق آمده‌است.

● حدیث ششم

رقیّه دختر حضرت موسی بن جعفر ﷺ از پدرش از پدران گرامی‌اش نقل کرد که رسول خدا ﷺ فرمود:

هیچ بنده‌ای در روز قیامت، قدم از قدم برنمی‌دارد مگر اینکه در مورد چهار چیز از او سؤال می‌شود: از جوانی‌اش که در چه راهی گذرانده، از عمرش که در چه راهی به سر برده، از مالَش که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده، و از دوستی ما اهل بیت.

● حدیث هفتم

ابو سعید خدری گفت: در خدمت رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که مردی نزد آن حضرت آمد و گفت: ای رسول خدا، در مورد کلام خداوند خطاب به شیطان که فرموده:

«آیا تکبر کردی یا از برترین‌ها بودی؟» برایم توضیح بده تا مشخص شود «عالین» چه کسانی هستند که از ملائکه هم برترند؟

پیامبر فرمود:

اَنَا وَعَلِيٌّ وَفاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ كُنّا فِي سُرادِقِ الْعَرْشِ نُسَبِّحُ اللهَ وَتُسَبِّحُ الْمَلائِكَةُ بِتَسْبِيحِنا قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ بِاَلْفَيْ عامٍ، فَلَمّا خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ، اَمَرَ الْمَلائِكَةَ اَنْ يَسْجُدُوا لَهُ وَلَمْ يَأْمُرْنا بِالسُّجُودِ، فَسَجَدَتِ الْمَلائِكَةُ كُلُّهُمْ اِلّا اِبْلِيسَ فَاِنَّهُ اَبى وَلَمْ يَسْجُدْ[1]، فَقالَ اللهُ تَبارَكَ وَتَعالى: «اَسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْعالِينَ» عَنِّيْ[2] مِنْ هؤُلاءِ الْخَمْسِ الْمَكْتُوبِ[3] اَسْماؤُهُمْ فِي سُرادِقِ الْعَرْشِ، فَنَحْنُ بابُ اللهِ الَّذِي يُؤْتى مِنْهُ، بِنا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ، فَمَنْ اَحَبَّنا اَحَبَّهُ اللهُ وَاَسْكَنَهُ جَنَّتَهُ، وَمَنْ اَبْغَضَنا اَبْغَضَهُ اللهُ وَاَسْكَنَهُ نارَهُ وَلا يُحِبُّنا اِلّا مَنْ طابَ مَوْلِدُهُ.[4]

(اَلْحَدِيثُ الثّامِنُ)

حَدَّثَنا عَبْدُاللهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهّابِ، قالَ حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرانَ عَنْ اَبِيهِ عَنْ

اَبِي عَبْدِ اللهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلامُ) قالَ:

۱ و ۲ - في بَعْضِ النُّسَخِ «أَنْ يَسْجُدَ» و «أَيْ» آمده‌است.

۳ - در بحارالانوار، «ن - مر» و «ن - م»، «الْمَكْتُوم» آمده‌است.

۴ - بحارالانوار، ج۲۵، ص۲، ح۳ و ج۳۹، ص۳۰۶، ح۱۲۲ به نقل از «فضائل الشيعة».

من و علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ، دو هزار سال قبل از آن که خداوند آدم ابوالبشر را بیافریند، در سراپردهٔ عرش، تسبیح خدا را می‌گفتیم و ملائکه به سبب تسبیح ما، تسبیح خدا را می‌گفتند.[۱] هنگامی که خداوند حضرت آدم را آفرید، به فرشتگان فرمان داد او را سجده کنند؛ ولی به ما امر نفرمود که سجده نماییم. پس فرشتگان، همگی سجده کردند به جز ابلیس که سرکشی نمود و سجده نکرد و خداوند به او فرمود: «آیا تکبر کردی یا از عالین (برترین‌ها) هستی؟» و مقصود از «عالین»، همین پنج نفر بودند که اسامی آنها در سراپردهٔ عرش نوشته شده بود. پس ما بابِ [رحمت] خداییم که از طریق آن، [به خلایق نعمت] می‌دهد و به سبب ما هدایت یافتگان هدایت می‌یابند. هر کس ما را دوست بدارد، خدا او را دوست می‌دارد و در بهشت جای می‌دهد و هر کس نسبت به ما بغض و کینه داشته باشد، خداوند او را دشمن می‌دارد و در آتش جهنم جای می‌دهد. و ما را دوست نمی‌دارد، مگر کسی که حلال زاده باشد.

● حدیث هشتم

عمران گفت: امام صادق ﷺ فرمود:

خَرَجْتُ اَنَا وَاَبِي ذاتَ يَوْمٍ اِلَى الْمَسْجِدِ فَاِذا هُوَ بِاُناسٍ مِنْ اَصْحابِهِ بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمِنْبَرِ قالَ فَدَنا مِنْهُمْ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَقالَ: وَاللّٰهِ اِنّي لَاُحِبُّ رِيحَكُمْ وَاَرْواحَكُمْ فَاَعِينُونا عَلىٰ ذٰلِكَ بِوَرَعٍ وَاجْتِهادٍ، وَاعْلَمُوا اَنَّ وِلايَتَنا لاتُنالُ اِلّا بِالْوَرَعِ وَالْاِجْتِهادِ، مَنِ ائْتَمَّ مِنْكُمْ بِقَوْمٍ فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِمْ، اَنْتُمْ شيعَةُ اللّٰهِ، وَاَنْتُمْ اَنْصارُ اللّٰهِ، وَاَنْتُمُ السّابِقُونَ الْاَوَّلُونَ، وَالسّابِقُونَ الْآخِرُونَ، اَلسّابِقُونَ فِي الدُّنْيا اِلىٰ مَحَبَّتِنا، وَالسّابِقُونَ فِي الْآخِرَةِ اِلَى الْجَنَّةِ، ضَمِنْتُ لَكُمُ الْجَنَّةَ بِضَمانِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ وَضَمانِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم)، وَاَنْتُمُ الطَّيِّبُونَ، وَنِساؤُكُمُ الطَّيِّباتُ، كُلُّ مُؤْمِنَةٍ حَوْراءُ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ صِدّيقٌ، كَمْ مِنْ مَرَّةٍ قالَ اَميرُ الْمُؤْمِنينَ (عليه السلام) لِقَنْبَرٍ: اَبْشِرْ وَاَبْشِرْ وَبَشِّرْ وا فَوَاللّٰهِ لَقَدْ ماتَ رَسُولُ اللّٰهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَهُوَ ساخِطٌ عَلىٰ اُمَّتِهِ اِلَّا الشّيعَةَ، اَلا وَاِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عُرْوَةً وَعُرْوَةُ الدّينِ الشّيعَةُ، اَلا وَاِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرَفاً وَشَرَفُ الدّينِ الشّيعَةُ، اَلا وَاِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّداً وَسَيِّدُ الْمَجالِسِ مَجالِسُ الشّيعَةِ، اَلا وَاِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ اِماماً وَاِمامُ الْاَرْضِ اَرْضٌ تَسْكُنُها الشّيعَةُ، اَلا

روزی من و پدرم به مسجد پیامبر رفتیم. در آنجا با گروهی از یاران پدرم، که بین قبر رسول خدا ﷺ و منبر آن حضرت [نشسته] بودند، برخوردیم. پدرم به آنها نزدیک شد و سلام کرد و فرمود: به خدا سوگند، من بوی شما و ارواح شما را دوست دارم. پس با وَرَع و پرهیز از گناه و کوشش در کار خیر، ما (آل محمّد ﷺ) را در این دوستی یاری کنید و بدانید که ولایت ما جز با وَرَع و کوشش در کار خیر به دست نمی‌آید. هر کدام از شما که از جماعتی پیروی می‌کند، باید مانند آنها رفتار کند. شما شیعهٔ (پیرو) خدا و یاوران او هستید. شما سبقت گیرندگان اوّل و آخر هستید. در دنیا به سوی محبت ما پیشی گرفته‌اید و در آخرت به سوی بهشت سبقت می‌گیرید. من به ضمانت خداوند عزّوجلّ و تضمین رسول خدا ﷺ، بهشت را برای شما ضمانت می‌کنم. شما پاک و مطهّر هستید و زنانتان پاک و پاکیزه‌اند. هر زن مؤمنه‌ای، حوریی است و هر مرد مؤمنی، تصدیق کننده [و یا راستگو] است. بارها امیرالمؤمنین ؏ به قنبر فرمود: بشارت باد بر شما و [به سایر دوستانتان] بشارت دهید: به خدا سوگند رسول خدا ﷺ از دنیا رفت در حالی که بر تمام امتش خشمناک بود به جز جماعت شیعه. آگاه باشید برای هر چیز دستاویزی است و دستاویزِ دین، شیعه است.

بدانید، برای هر چیز شرافتی است و شرافت دین، شیعه است. بدانید، برای هر چیز سیّد و سروری است و سیّد مجالس، مجالس شیعه است. آگاه باشید، برای هر چیز امام و پیشوایی است و امام زمین، آن قسمت از زمین است که شیعه در آن سکونت دارد. آگاه باشید،

وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَهْوَةً وَإِنَّ شَهْوَةَ الدُّنْيا سُكْنَى شيعَتِنا فيها. وَاللهِ لَوْ لا ما فِي الْأَرْضِ مِنْكُمْ مَا اسْتَكْمَلَ اَهْلُ خِلافِكُمْ طَيِّباتٍ ما لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصيبٍ، كُلُّ ناصِبٍ وَإِنْ تَعَبَّدَ وَاجْتَهَدَ مَنْسُوبٌ إِلى هٰذِهِ الْآيَةِ: «عامِلَةٌ ناصِبَةٌ، تَصْلىٰ ناراً حامِيَةً»، مَنْ دَعا لَكُمْ مُخالِفاً فَإِجابَةُ دُعائِهِ لَكُمْ، وَمَنْ طَلَبَ مِنْكُمْ إِلَى اللهِ تَبارَكَ وَتَعالَى اسْمُهُ حاجَةً فَلَهُ مِائَةٌ، وَمَنْ دَعا دَعْوَةً فَلَهُ مِائَةٌ، وَمَنْ عَمِلَ حَسَنَةً فَلا يُحْصىٰ تَضاعُفاً، وَمَنْ اَساءَ سَيِّئَةً فَمُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) حُجَّتُهُ[1] عَلىٰ تَبِعَتِها، وَاللهِ إِنَّ صائِمَكُمْ لَيَرْتَعُ فِي رِياضِ الْجَنَّةِ تَدْعُو لَهُ الْمَلائِكَةُ بِالْفَوْزِ حَتّىٰ يُفْطِرَ، وَإِنَّ حاجَّكُمْ وَمُعْتَمِرَكُمْ لَخاصَّةُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِنَّكُمْ جَميعاً لَأَهْلُ دَعْوَةِ اللهِ وَاَهْلُ وِلايَتِهِ لا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلا حُزْنٌ، كُلُّكُمْ فِي الْجَنَّةِ فَتَنافَسُوا الصّالِحاتِ. وَاللهِ ما اَحَدٌ اَقْرَبُ مِنْ عَرْشِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ بَعْدَنا مِنْ شيعَتِنا، ما اَحْسَنَ صُنْعَ اللهِ إِلَيْهِمْ. لَوْ لا اَنْ تَفْشَلُوا[2] وَيُشْمِتَ بِهِ عَدُوُّكُمْ وَيُعْظِمَ النّاسُ ذٰلِكَ لَسَلَّمَتْ عَلَيْكُمُ

۱ - در بحارالانوار «حَجيجُهُ» آمده‌است.

۲ - در بحارالانوار «تُفْتَنُوا» آمده‌است.

برای هر چیزی میل و رغبت شدیدی است و میل و رغبت دنیا به مسکنی است که شیعه در آن جای دارد. به خدا سوگند، اگر شما در زمین نبودید، مخالفین شما نمی‌توانستند از نعمتها بهره‌مند شوند. [البته آنان] در آخرت نصیب و بهره‌ای ندارند. هر ناصبی (دشمن اهل بیت) اگر عبادت و بندگی [خدا را] نماید و در کارهای خوب تلاش و کوشش کُند، باز مشمول این آیه از قرآن است که می‌فرماید: «عمل کنندهٔ رنج کَشنده، از آتش سوزان می‌چشد.» هر کدام از مخالفین شما که [برای خودش] دعا کند، خداوند دعای او را در مورد شما اجابت می‌فرماید و هرکس از شما از خداوند تعالی حاجتی درخواست نماید [خدای بزرگ] صد برابر حاجتش را برآوَرَد. هرکس [از شما] یک دعا کند [خداوند] صد دعای او را اجابت می‌فرماید. هرکس [از شما] عمل نیکی انجام دهد، [پاداش عملش] قابل شمارش نیست و هرکس [از شما گناهی مرتکب شود، رسول خدا ﷺ مانع از پی‌آمدهای [بد] آن می‌شود. به خدا سوگند روزه‌دار شما در باغ‌های بهشت می‌گردد در حالی که فرشتگان برای رستگاری‌اش دعا می‌کنند تا اینکه افطار نماید. حجّ‌گزار و عمره‌گزار شما در شمار بندگان خاصّ خداوند است و به راستی، همهٔ شما، اهل دعوتِ خدا و اهل ولایت او هستید. [در قیامت] نه ترسی بر شما هست و نه اندوهگین خواهید شد. همگی در بهشت هستید؛ پس به انجام کارهای نیک رغبت نمایید. به خدا سوگند، بعد از ما، هیچکس به عرش خدا، نزدیکتر از شیعیان ما نیست. چقدر خداوند با شیعیان به زیبایی عمل کرده است. اگر نگرانی و ترس از این نبود که در [کارهای خیر] سستی کنید و بدین سبب دشمنانتان شما را سرزنش نمایند و مردم این مطلب را بزرگ شمارند، فرشتگان، رو در رو بر شما سلام می‌کردند.

اَلْمَلائِكَةُ قُبُلاً. قالَ اَميرُ الْمُؤْمِنينَ (عليه السلام): يَخْرُجُ اَهْلُ وِلايَتِنا مِنْ قُبُورِهِمْ يَخافُ النّاسُ وَلا يَخافُونَ وَيَحْزَنُ النّاسُ وَلا يَحْزَنُونَ.[1]

وَقَدْ حَدَّثَني بِهذَا الْحَديثِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَليدِ رَحِمَهُ اللّهُ بِاِسْنادِهِ عَنْ اَبي بَصيرٍ عَنْ اَبي عَبْدِ اللّهِ (عليه السلام)

اِلاّ اَنَّ حَديثَهُ لَمْ يَكُنْ بِهذَا الطُّولِ وَ في هذِهِ زِياداتٌ لَيْسَتْ في ذلِكَ وَالْمَعاني مُتَقارِبَةٌ.

(اَلْحَديثُ التّاسِعُ)

عَنْ اَبي ذَرٍّ رَضِيَ اللّهُ عَنْهُ قالَ:

رَاَيْتُ رَسُولَ اللّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَدْ ضَرَبَ كَتِفَ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ (عليه السلام) بِيَدِهِ وَقالَ: يا عَلِيُّ، مَنْ اَحَبَّنا فَهُوَ الْعَرَبِيُّ وَمَنْ اَبْغَضَنا فَهُوَ الْعِلْجُ، فَشيعَتُنا اَهْلُ الْبُيُوتاتِ وَالْمَعادِنِ وَالشَّرَفِ وَمَنْ كانَ مَوْلِدُهُ صَحيحاً، وَما عَلى مِلَّةِ اِبْراهيمَ (عليه السلام) اِلاّ نَحْنُ وَشيعَتُنا وَسائِرُ النّاسِ مِنْها بُراءٌ، وَ اِنَّ لِلّهِ مَلائِكَةً يَهْدِمُونَ سَيِّئاتِ شيعَتِنا كَما يَهْدِمُ الْقَدُومُ الْبُنْيانَ.[2]

(اَلْحَديثُ الْعاشِرُ)

حَدَّثَنا عَبْدُ اللّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهّابِ قالَ: حَدَّثَنا حَمّادُ بْنُ يَزيدَ عَنْ اَيُّوبَ عَنْ عَطاءٍ عَنِ ابْنِ عَبّاسٍ قالَ:

---

۱ - بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۶۵، ح ۱۸ به نقل از «فضائل الشيعة» که اشتباهاً «صفات الشيعة» ضبط شده است.

۲ - بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۲۳، ح ۴۱ به نقل از «امالی» شیخ طوسی.

امیرالمؤمنین ﷺ فرمود:

اهل ولایت ما، در حالی از قبرهایشان بیرون می‌آیند که مردم هراسان و غمگینند؛ ولی آنها نه می‌هراسند و نه اندوهگین می‌شوند.

● حدیث نهم

ابوذر گفت: رسول خدا ﷺ را دیدم که دست بر دوش علی بن ابی‌طالب ﷺ نهاد و فرمود:

ای علی، هر کس ما را دوست بدارد، عرب است و هر کس کینه ما را داشته باشد، جفا کار است. شیعیان ما از خانواده‌های اصیل و از خاندان شرافت و بزرگواری و حلال‌زاده‌اند. جز ما و شیعیان ما کسی بر کیش ابراهیم نیست و سایر مردم از آن بیزارند. همانا خداوند، فرشتگانی دارد که گناهان شیعیان ما را از بین می‌برند؛ آن‌گونه که تیشه، ساختمان را ویران می‌کند.

قَالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ السَّيِّئَاتِ، كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ[1].

(الْحَدِيثُ الْحَادِي عَشَرَ)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُسْتَفَادِ بْنِ يَحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا زَكَرِيَّا بْنُ يَحْيَى بْنِ أَبَانٍ بِالْفُسْطَاطِ قَالَ:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عُقْبَةَ عَنْ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ:

دَخَلَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) الْمَسْجِدَ وَنَحْنُ جُلُوسٌ وَفِينَا أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ (عليه السلام) فِي نَاحِيَةٍ، فَجَاءَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَجَلَسَ إِلَى جَانِبِ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَجَعَلَ يَنْظُرُ يَمِيناً وَشِمَالاً ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ وَعَنْ يَسَارِ الْعَرْشِ لَرِجَالاً عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ تَتَلَأْلَأُ وُجُوهُهُمْ نُوراً، قَالَ فَقَامَ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللهِ، أَنَا مِنْهُمْ؟ قَالَ لَهُ: اِجْلِسْ ثُمَّ قَامَ إِلَيْهِ عُمَرُ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ لَهُ: اِجْلِسْ، فَلَمَّا رَأَى ابْنُ مَسْعُودٍ مَا قَالَ لَهُمَا النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَامَ حَتَّى اسْتَوَى قَائِماً عَلَى قَدَمَيْهِ

---

۱ - بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۳۶، ح ۱۳۵، به نقل از «فضائل الشيعة».

● حدیث دهم

ابن عباس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

دوستی علی بن ابی‌طالب، گناهان را از بین می‌برد؛ آن‌گونه که آتش، هیزم را از بین می‌برد.

● حدیث یازدهم

عامر جهنی گفت:

رسول خدا ﷺ در حالی وارد مسجد شد که ما نشسته بودیم، ابوبکر، عمر و عثمان نیز در بین ما بودند و علی ؑ در کناری نشسته بود. رسول خدا ﷺ آمد و در کنار علی ؑ نشست. سپس به راست و چپ نگاه کرد و فرمود:

در طرف راست و چپ عرش، مردانی بر منبرهایی از نور قرار دارند که چهره‌های نورانی‌شان می‌درخشد. در این هنگام ابوبکر برخاست و گفت: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا، آیا من از آنان هستم؟ حضرت فرمود: بنشین. سپس عمر برخاست و سخن ابوبکر را تکرار کرد و حضرت به او نیز فرمود: بنشین. وقتی ابن مسعود آنچه را پیامبر به ابوبکر و عمر فرمود، مشاهده کرد، تمام قد برخاست

ثُمَّ قالَ: بِأَبي أَنتَ وَأُمّي يا رَسُولَ اللهِ، صِفهُم لَنا نَعرِفهُم بِصِفَتِهِم، قالَ: فَضَرَبَ عَلى مَنكِبِ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ قالَ: هذا وَشيعَتُهُ هُمُ الفائِزُونَ.[1]

(اَلحَديثُ الثّاني عَشَرَ)

حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بنُ موسَى بنِ المُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللهُ عَن هِشامِ بنِ سالِمٍ عَن حَبيبٍ السِّجِستانِيِّ عَن

أَبي جَعفَرٍ (عليه السلام) قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ (صلّى الله عليه وآله وسلّم) قالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ:

لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الإِسلامِ دانَت بِوِلايَةِ إِمامٍ جائِرٍ ظالِمٍ لَيسَ مِنَ اللهِ، وَإِن كانَتِ الرَّعِيَّةُ في أَعمالِها بارَّةً تَقِيَّةً، وَلَأَعفُوَنَّ عَن كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الإِسلامِ دانَت بِوِلايَةِ كُلِّ إِمامٍ عادِلٍ مِنَ اللهِ وَإِن كانَتِ الرَّعِيَّةُ في أَعمالِها ظالِمَةً سَيِّئَةً.[2]

(اَلحَديثُ الثّالِثَ عَشَرَ)

حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ بنِ أَحمَدَ بنِ الوَليدِ رَحِمَهُ اللهُ... قالَ: حَدَّثَنا المُفَضَّلُ عَن أَبي حَمزَةَ قالَ سَمِعتُ

أَبا عَبدِ اللهِ (عَلَيهِ السَّلامُ) يَقُولُ:

---

۱ - بحارالانوار، ج ۶۵، ص۶۶، ح ۱۲۰، به نقل از «فضائل الشيعة» که اشتباهاً «صفات الشيعة» نوشته شده‌است.

۲ - مرحوم علامهٔ مجلسی در بحارالانوار، ج۶۵، ص۱۴۲، ح۸۸ این حدیث را از «اختصاص» شیخ مفید نقل کرده و در ادامه فرموده‌است: رَواهُ الصَّدُوقُ في كِتابِ «فَضائِلِ الشّيعَةِ» بِإِسنادِهِ عَنِ السِّجِستانِيِّ وَ فيهِ «دانَت بِوِلايَةِ كُلِّ إِمامٍ» فِي المَوضِعَينِ.

و گفت: پدر و مادرم به فدایت، ای رسول خدا، آنها را برای ما وصف کن تا با خصوصیاتشان آشنا شویم و آنها را بشناسیم. سپس رسول خدا ﷺ دست بر دوش علی ؑ نهاد و فرمود، این و شیعیانش، همان رستگارانند.

حدیث دوازدهم

حبیب سجستانی از امام باقر ؑ نقل کرد که آن حضرت فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود:

خداوند عزّوجلّ فرمود: بطور قطع و یقین، هر گروه و دسته‌ای در اسلام [بخواهند] به سبب دوستی و ولایتِ امام جائر و ستمگری که از طرف خدا [منصوب] نیست دینداری کنند، عذاب خواهم کرد؛ هرچند در عمل، نیکوکار و پرهیزکار باشند. و حتماً آن عدّه از مسلمانان را که [بخواهند] به سبب دوستی و ولایت هر امام عادلی که از جانب خدا [منصوب] است دینداری کنند می‌بخشم؛ هر چند در عمل ستمگر و گناهکار باشند.

حدیث سیزدهم

ابوحمزه گفت: از امام صادق ؑ شنیدم که [خطاب به شیعیانش] فرمود:

اَنْتُمْ اَهْلُ تَحِيَّةِ اللّٰهِ وَسَلامِهِ، وَاَنْتُمْ اَهْلُ اَثَرَةِ اللّٰهِ بِرَحْمَتِهِ، وَاَهْلُ تَوْفِيقِ اللّٰهِ وَعِصْمَتِهِ، وَاَهْلُ دَعْوَةِ اللّٰهِ بِطاعَتِهِ، لاحِسابُ عَلَيْكُمْ وَلاخَوْفٌ وَلاحُزْنٌ.[1]

(اَلْحَدِيثُ الرّابِعَ عَشَرَ)

قالَ اَبُوحَمْزَةَ: سَمِعْتُ

اَباعَبْدِ اللّٰهِ جَعْفَرَبْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلامُ) يَقُولُ:

رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الشّيعَةِ بِعِصْمَةِ اللّٰهِ وَوِلايَتِهِ.[2]



(اَلْحَدِيثُ الْخامِسَ عَشَرَ)

قالَ اَبُوحَمْزَةَ: سَمِعْتُ

اَباعَبْدِ اللّٰهِ (عَلَيْهِ السَّلامُ) يَقُولُ:

اِنّي لَاَعْلَمُ قَوْماً قَدْ غَفَرَ اللّٰهُ لَهُمْ وَرَضِيَ عَنْهُمْ وَعَصَمَهُمْ وَرَحِمَهُمْ وَحَفِظَهُمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَاَيَّدَهُمْ وَهَداهُمْ اِلى كُلِّ رُشْدٍ وَبَلَغَ بِهِمْ غايَةَ الْاِمْكانِ، قيلَ: مَنْ هُمْ يا اَباعَبْدِ اللّٰهِ؟ قالَ: اُولٰئِكَ شيعَتُنَا الْاَبْرارُ

---

۱ - بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۴۲، ح ۸۹، به نقل از «فضائل الشيعة».

۲ - بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۴۳، بدنبال ح ۸۹ به نقل از «فضائل الشيعة».

شما اهل تحیّت و سلام خدایید. شما به سبب رحمت خداوندی، برگزیدهٔ خدایید. شما اهل توفیق خدا و اهل عصمتید [یعنی خداست که به شما توفیق انجام اعمال خیر را می‌دهد و از آلودگی‌ها نگه می‌دارد] شما در اثر اطاعت از خداوند، اهل دعوت خدایید. نه حسابی بر شماست و نه ترس و اندوهی.

حدیث چهاردهم

ابو حمزه گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:

قلم از شیعه برداشته شده، برای اینکه خداوند آنها را با عصمت و ولایتش [از گناه و معصیت] نگه می‌دارد.

حدیث پانزدهم

ابو حمزه گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی، من گروهی را می‌شناسم که خداوند آنها را آمرزیده و از آنان راضی شده و [از ارتکاب گناه] نگهشان داشته و مورد رحمت خویش قرارشان داده است. [همچنین] آنان را از هر گونه بدی حفظ فرموده و تأییدشان کرده و به هر رشدی هدایتشان فرموده و به بالاترین حدّ ممکن [رشد و کمال] رسانیده است. عرض شد:

یا اباعبدالله، آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنها شیعیان نیکوکار ما

شِيعَةُ عَلِيٍّ (عليه السلام)[1].

(اَلْحَدِيثُ اَلسّادِسَ عَشَرَ)

وَقالَ اَبُوعَبْدِ اللهِ (عَلَيْهِ اَلسَّلامُ):

نَحْنُ اَلشُّهَداءُ عَلى شِيعَتِنا وَشِيعَتُنا شُهَداءُ عَلَى اَلنّاسِ، وَ بِشَهادَةِ شِيعَتِنا يُجْزَوْنَ وَيُعاقَبُونَ[2].

(اَلْحَدِيثُ اَلسّابِعَ عَشَرَ)

اَبِي رَحِمَهُ اللهُ قالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ... عَنْ اَبِي بَصِيرٍ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللهِ (عليه السلام) عَنْ آبائِهِ عَنْ

اَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

يا عَلِيُّ، اِنَّ اللهَ وَهَبَ لَكَ حُبَّ اَلْمَساكِينِ وَاَلْمُسْتَضْعَفِينَ فِي اَلْاَرْضِ فَرَضِيتَ بِهِمْ اِخْواناً وَرَضُوا بِكَ اِماماً، فَطُوبى لِمَنْ اَحَبَّكَ وَصَدَّقَ عَلَيْكَ، وَوَيْلٌ لِمَنْ اَبْغَضَكَ وَكَذَّبَ عَلَيْكَ؛ يا عَلِيُّ، اَنْتَ اَلْعالِمُ[3] بِهذِهِ اَلْاُمَّةِ، مَنْ اَحَبَّكَ فازَ وَمَنْ اَبْغَضَكَ هَلَكَ؛ يا عَلِيُّ، اَنَا اَلْمَدِينَةُ وَاَنْتَ بابُها، وَهَلْ تُؤْتَى اَلْمَدِينَةُ اِلّا مِنْ بابِها؟ يا عَلِيُّ، اَهْلُ مَوَدَّتِكَ كُلُّ اَوّابٍ

---

۱ - بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۴۳، بدنبال حديث ۸۹ به نقل از «فضائل الشيعة».

۲ - بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۴۳، بدنبال حديث ۸۹ به نقل از «فضائل الشيعة».

۳ - در بحارالانوار «اَنْتَ الْعَلَمُ لِهذِهِ الأُمَّةِ» آمده‌است.

[یعنی همان] شیعیان علی ﷺ هستند.

● حدیث شانزدهم

امام صادق ﷺ فرمود:

ما بر [اعمال] شیعیانمان گواهیم و شیعیان ما بر [اعمال] مردم گواهند و [در روز قیامت] مردم به سبب گواهی شیعیان ما به پاداش و یا کیفر می‌رسند.

● حدیث هفدهم

ابو بصیر از امام صادق ﷺ از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود:

ای علی، خداوند، دوستی و محبّت بینوایان و مستضعفان در زمین را به تو بخشیده است. من به برادری با آنها راضی شدم؛ چون آنها به امامت و پیشوایی تو خشنود شدند. پس خوشا به حال کسی که تو را دوست می‌دارد و تصدیقت می‌کند و وای بر کسی که با تو دشمن است و تکذیبت می‌نماید. ای علی، تو عالِم به این امّت هستی.

هر کس تو را دوست بدارد، رستگار می‌شود و هر کس نسبت به تو کینه ورزد، هلاک می‌گردد. ای علی، من شهر [علم] هستم و تو دروازهٔ آن. و آیا جز از طریق دروازه به شهر وارد می‌شوند؟ ای علی، اهل مودّت و دوستی تو، کسی است که بسیار بازگشت کننده [به درگاه الهی]

حفيظٍ، وَكُلُّ ذي طِمرٍ، لَوْ اَقسَمَ عَلَى اللهِ لَبَرَّ قَسَمَهُ؛ يا عَلِيُّ، اِخْوانُكَ كُلُّ طاهِرٍ وَزَكِيٍّ[1] مُجتَهِدٍ، يُحِبُّ فيكَ وَيُبغِضُ فيكَ، مُحتَقَرٌ عِندَ الخَلْقِ عَظيمُ المَنزِلَةِ عِندَ اللهِ؛ يا عَلِيُّ، مُحِبُّوكَ جيرانُ اللهِ في دارِ الفِردَوسِ لا يَتَأَسَّفُونَ[2] عَلى ما خَلَّفُوا[3] مِنَ الدُّنيا؛ يا عَلِيُّ، اَنَا وَلِيٌّ لِمَنْ والَيتَ وَاَنَا عَدُوٌّ لِمَنْ عادَيتَ؛ يا عَلِيُّ، مَنْ اَحَبَّكَ فَقَدْ اَحَبَّني وَمَنْ اَبغَضَكَ فَقَدْ اَبغَضَني؛ يا عَلِيُّ، اِخْوانُكَ الذُّبَّلُ الشِّفاهِ، تُعرَفُ الرَّهبانِيَّةُ في وُجُوهِهِمْ؛ يا عَلِيُّ، اِخْوانُكَ يَفرَحُونَ في ثَلاثِ مَواطِنَ: عِندَ خُرُوجِ اَنفُسِهِمْ وَاَنَا شاهِدُهُمْ وَاَنتَ، وَعِندَ المُساءَلَةِ في قُبُورِهِمْ، وَعِندَ العَرضِ، وَعِندَ الصِّراطِ اِذا سُئِلَ سائِرُ الخَلْقِ عَنْ ايمانِهِمْ فَلَمْ يُجيبُوا؛ يا عَلِيُّ، حَربُكَ حَربي وَسِلمُكَ سِلمي وَحَربي حَربُ اللهِ، مَنْ سالَمَكَ فَقَدْ[4] سالَمَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ؛ يا عَلِيُّ، بَشِّرْ اِخْوانَكَ بِاَنَّ اللهَ قَدْ رَضِيَ عَنْهُمْ اِذْ رَضِيَكَ لَهُمْ قائِداً وَرَضُوا بِكَ وَلِيّاً؛ يا عَلِيُّ، اَنتَ اَميرُ المُؤمِنينَ وَقائِدُ الغُرِّ المُحَجَّلينَ؛ يا عَلِيُّ، شيعَتُكَ المُبهَجُونَ[5] وَلَوْلا اَنتَ وَشيعَتُكَ

---

۱ - در «ن - د» و «ن - م»، «كُلُّ طاهٍرٍ وَ ذاكٍ» آمده‌است.

۲ و ۳ - در بحارالانوار، «لا يَأسِفُونَ عَلى ما فاتَهُمْ» آمده‌است.

۴ و ۵ - در بحارالانوار «سالَمَني وَ مَنْ سالَمَني فَقَدْ سالَمَ اللهَ» و «المُنتَجَبُونَ» آمده‌است.

و به شدّت نگه دارندهٔ [نفْس] است. لباسهای کهنه و مُندَرِس دارد. [در ظاهر فقیر و تهیدست است ولی] اگر خدا را [برای امری] سوگند دهد، خداوند سوگندش را می‌پذیرد [و خواسته‌اش را برآورده می‌کند].

(/)ای علی، برادران تو همگی [از بدیها] پاک و پاکیزه‌اند و اهل تلاش و کوشش، در کار خیرند. در راه تو دوست می‌دارند و در راه تو دشمنی می‌کنند. پیش مردم بی‌مقدارند؛ ولی نزد خداوند، منزلتی بزرگ دارند.

ای علی، دوستان تو، همسایگان خداوند در فردوس برین هستند. بر آنچه از دنیا بجا گذاشته‌اند، افسوس نمی‌خورند. ای علی، من دوست کسی هستم که تو او را دوست داری و دشمن کسی هستم که تو با او دشمنی. هر کس تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس نسبت به تو کینه ورزد، نسبت به من کینه ورزیده. ای علی، برادران تو [در اثر روزه، ذکر و دعا]، لبهایشان خشکیده است و زهد و بی رغبتی نسبت به دنیا در چهره‌هایشان هویداست. ای علی، برادران تو در سه جا شاد می‌شوند. هنگام جدا شدن روح از بدنهایشان و این در حالی است که من و تو، ناظر بر آنانیم، و هنگام سؤال و جواب در قبر و موقع عرضهٔ اعمال و گذشتن از پل صراط [یعنی] وقتی که از سایر مردم در مورد ایمانشان سؤال می‌شود و قادر به جواب دادن نیستند. ای علی، جنگ با تو، جنگ با من و صلح با تو، صلح با من است و جنگ با من، جنگ با خداست. هر کس با تو صلح و سازش نماید، با خدا صلح و سازش کرده. ای علی، به برادرانت بشارت ده به اینکه خداوند از آنها راضی شد؛ زیرا به پیشوایی تو بر آنها رضایت داد و آنها نیز به ولایت تو راضی شدند. ای علی، تو امیر مؤمنان و پیشوای دست و پا و پیشانی سفیدانی [کنایه از مواضعی که در سجده به زمین می‌خورد]

ای علی، شیعیان تو مسرور و شادمانند. اگر تو و شیعیانت نبودید،

ما قامَ لِلّٰهِ دینٌ، وَلَوْلا مَنْ فِی الْاَرْضِ مِنْكُمْ لَما اَنْزَلَتِ السَّماءُ قَطْرَها؛ یا عَلِیُّ، لَكَ كَنْزٌ فِی الْجَنَّةِ وَاَنْتَ ذُو قَرْنَیْها، شیعَتُكَ تُعْرَفُ بِحِزْبِ اللّٰهِ؛ یا عَلِیُّ، اَنْتَ وَ شیعَتُكَ الْقائِمُونَ بِالْقِسْطِ، وَخِیَرَةُ اللّٰهِ مِنْ خَلْقِهِ؛ یا عَلِیُّ، اَنَا اَوَّلُ مَنْ یَنْفُضُ التُّرابَ عَنْ رَأْسِهِ وَاَنْتَ مَعی ثُمَّ سائِرُ الْخَلْقِ؛ یا عَلِیُّ، اَنْتَ وَشیعَتُكَ عَلَى الْحَوْضِ تَسْقُونَ مَنْ اَحْبَبْتُمْ وَ تَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ، وَاَنْتُمُ الْآمِنُونَ یَوْمَ الْفَزَعِ الْاَكْبَرِ فی ظِلِّ الْعَرْشِ، یَفْزَعُ النّاسُ وَلا تَفْزَعُونَ، وَیَحْزَنُ النّاسُ وَلا تَحْزَنُونَ، فیكُمْ نَزَلَتْ هٰذِهِ الْآیَةُ: «اِنَّ الَّذینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنىٰ اُولٰئِكَ عَنْها مُبْعَدُونَ ﴿۱۰۱﴾ لا یَسْمَعُونَ حَسیسَها وَهُمْ فیما اشْتَهَتْ اَنْفُسُهُمْ خالِدُونَ ﴿۱۰۲﴾ لا یَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْاَكْبَرُ وَتَتَلَقّاهُمُ الْمَلائِكَةُ هٰذا یَوْمُكُمُ الَّذی كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۱۰۳﴾»؛ یا عَلِیُّ، اَنْتَ وَشیعَتُكَ تُطْلَبُونَ فِی الْمَوْقِفِ وَاَنْتُمْ فِی الْجِنانِ تَتَنَعَّمُونَ؛ یا عَلِیُّ، اِنَّ الْمَلائِكَةَ وَالْخُزّانَ یَشْتاقُونَ اِلَیْكُمْ، وَاِنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَالْمَلائِكَةَ الْمُقَرَّبینَ لَیَخُصُّونَكُمْ بِالدُّعاءِ وَ یَسْأَلُونَ اللّٰهَ بِمَحَبَّتِكُمْ[1]، وَیَفْرَحُونَ لِمَنْ قَدِمَ عَلَیْهِمْ مِنْهُمْ كَما یَفْرَحُ

۱ - در بحارالانوار «لِمُحِبّیكُمْ» آمده است.

دینی برای خدا برپا نمی‌شد و اگر شیعیان تو در زمین نبودند، آسمان بارانش را فرو نمی‌فرستاد! ای علی، برای تو گنجی در بهشت است و تو ذوالقرنین آن (صاحب سلطنت ظاهری و باطنی آن) هستی. شیعیان تو به حزب الله شناخته می‌شوند. ای علی، تو و شیعیانت، قیام کننده به عدل و داد هستید و برگزیدگان از خلق خدایید. ای علی، من نخستین کسی هستم که از [قبر بیرون می‌آیم] و خاک از سرم پاک می‌کنم؛ در حالی که تو با من هستی، و سپس سایر خلق از قبرهایشان بیرون می‌آیند. ای علی، تو و شیعیانت بر سر حوض کوثر، هر کس را دوست داشته باشید، سیراب می‌کنید و دشمنانتان را باز می‌دارید. شما روز ترسِ بزرگ (قیامت) در سایهٔ عرش در امانید. مردم می‌هراسند و شما نمی‌هراسید. مردم اندوهگین می‌شوند و شما اندوهناک نمی‌شوید. این آیه دربارهٔ شما نازل شده است: «به راستی کسانی که به توفیق ما در نیکی‌ها پیشی گرفتند، از آن (دوزخ) دورند و صدای آن را نمی‌شنوند و در آنچه نَفْسهایشان بخواهد (نعمتهای بهشت) جاودانند.

ترسِ بزرگِ روز قیامت، آنها را اندوهگین نمی‌کند و فرشتگان با آنها ملاقات می‌کنند [و می‌گویند] این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود».

ای علی، در جایگاه رسیدگی به [حساب و کتاب] به دنبال تو و شیعیانت می‌گردند و حال آن که شما در بهشت از نعمتهای الهی بهره‌مندید. ای علی، فرشتگان و خزانه‌داران بهشت، مشتاق [دیدار] شما هستند و بردارندگان عرش و فرشتگان مقرّب، به گونه‌ای ویژه، برای شما دعا می‌کنند و به سبب دوستی و محبّت شما، از خدا [حاجتهای خود را] درخواست می‌کنند و وقتی یکی از شیعیان تو [از دنیا می‌رود] و بر فرشتگان وارد می‌شود، آن‌گونه شاد و خوشحال می‌شوند؛ که

اَلْاَهْلُ بِالْغائِبِ الْقادِمِ بَعْدَ طُولِ الْغَيْبَةِ؛ يا عَلِيُّ، شيعَتُكَ الَّذينَ يَخافُونَ اللهَ فِي السِّرِّ وَيَنْصَحُونَهُ فِي الْعَلانِيَةِ؛ يا عَلِيُّ، شيعَتُكَ الَّذينَ يَتَنافَسُونَ فِي الدَّرَجاتِ لِاَنَّهُمْ يَلْقَوْنَ اللهَ وَما عَلَيْهِمْ مِنْ ذَنْبٍ؛ يا عَلِيُّ، اِنَّ اَعْمالَ شيعَتِكَ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلَّ يَوْمِ جُمُعَةٍ فَاَفْرَحُ بِصالِحِ ما يَبْلُغُني مِنْ اَعْمالِهِمْ وَاَسْتَغْفِرُ لِسَيِّئاتِهِمْ؛ يا عَلِيُّ، ذِكْرُكَ فِي التَّوْراةِ وَذِكْرُ شيعَتِكَ قَبْلَ اَنْ يُخْلَقُوا بِكُلِّ خَيْرٍ وَكَذٰلِكَ فِي الْاِنْجيلِ[۱] لَيَتَعاظَمُونَ اِلْيا وَما يَعْرِفُونَ شيعَتَهُ، وَاِنَّما يَعْرِفُونَهُمْ لِما يَجِدُونَهُمْ في كُتُبِهِمْ؛ يا عَلِيُّ، اِنَّ اَصْحابَكَ ذِكْرُهُمْ فِي السَّماءِ[۲] اَعْظَمُ مِنْ ذِكْرِ اَهْلِ الْاَرْضِ، لَهُمْ بِالْخَيْرِ فَلْيَفْرَحُوا بِذٰلِكَ وَلْيَزْدادُوا اجْتِهاداً؛ يا عَلِيُّ، اَرْواحُ شيعَتِكَ تَصْعَدُ اِلَى السَّماءِ في رُقادِهِمْ فَتَنْظُرُ الْمَلائِكَةُ اِلَيْها كَما يُنْظَرُ اِلَى الْهِلالِ شَوْقاً اِلَيْهِمْ لِما يَرَوْنَ مَنْزِلَتَهُمْ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ؛ يا عَلِيُّ، قُلْ لِاَصْحابِكَ الْعارِفينَ بِكَ يَتَنَزَّهُونَ عَنِ الْاَعْمالِ الَّتي يَقْرِفُها[۳] عَدُوُّهُمْ، فَما مِنْ يَوْمٍ

---

۱ و ۲ - در بحارالانوار این عبارات «فَاسْأَلْ اَهْلَ الْاَنْجيلِ وَاَهْلَ الْكِتابِ يُخْبِرُوكَ عَنْ اِلْيا مَعَ عِلْمِكَ بِالتَّوْراةِ وَالْاَنْجيلِ وَما اَعْطاكَ اللهُ مِنْ عِلْمِ الْكِتابِ وَاِنَّ اَهْلَ الْاَنْجيلِ لَيَتَعاظَمُونَ اِلْيا وَما يَعْرِفُونَهُ وَما...» بعداز «فِي الْاَنْجيلِ» آمده‌است، همچنین بعداز «فِي السَّماءِ»، «اَكْبَرُ وَاَعْظَمُ» ضبط شده‌است.

۳ - در بحارالانوار «يُقارِفُها» آمده‌است.

اهل خانواده با آمدن مسافرشان که مدّتهای مدیدی از بین آنها رفته [و اکنون باز گشته]، شادمان می‌شوند. ای علی، شیعیان تو کسانی هستند که در پنهان از خدا می‌ترسند و در پیدا برای خدا خیرخواهی می‌کنند.

ای علی، شیعیان تو کسانی هستند که در [کسب] درجات بهشت با یکدیگر رقابت دارند؛ زیرا آنها در حالی خدا را ملاقات می‌کنند که هیچ گناهی ندارند. ای علی، در هر روز جمعه، اعمال شیعیانت بر من عرضه می‌شود. خبرِ کردار نیکشان، مرا خوشحال می‌کند و برای گناهانشان آمرزش می‌طلبم. ای علی، [خداوند] تو و شیعیانت را قبل از آن که آفریده شوند، در تورات به تمام خوبیها یاد کرده است تا «الیا» را [که از اسامی مبارک علی علیه السلام است] بزرگ شمارند و حال آن که شیعیانِ او را نمی‌شناسند؛ مگر همان اندازه که در کتابهایشان آمده است.

ای علی، یاد یارانت، [توسط فرشتگان] در آسمان از یاد آنها [در زمین] توسط اهل زمین باشکوهتر است. خیر و خوبی برای شیعیان تو است؛ پس باید به این مژده خوشحال باشند و بر کوشش خویش بیفزایند.

ای علی، هنگامی که شیعیان تو به خواب می‌روند، ارواحشان به آسمان بالا می‌رود و به سبب مقام و منزلتی که در پیشگاه خدا دارند، فرشتگان مشتاقانه به آنها می‌نگرند، همان گونه که مردم به هلال ماه می‌نگرند. ای علی، به یارانت که مقام تو را می‌شناسند، بگو از رفتاری که دشمنانشان انجام می‌دهند پرهیز کنند؛ زیرا

وَلا لَيلَةٍ إلّا وَرَحمَةٌ مِنَ اللهِ تَغشاهُم فَليَجتَنِبُوا الدَّنَسَ، يا عَلِيُّ، اِشتَدَّ غَضَبُ اللهِ عَلى مَن قَلاهُم وَبَرِئَ مِنكَ وَمِنهُم وَاستَبدَلَ بِكَ وَبِهِم وَمالَ إلى عَدُوِّكَ وَتَرَكَكَ وَشيعَتَكَ وَاختارَ الضَّلالَ وَنَصَبَ الحَربَ لَكَ وَلِشيعَتِكَ وَأبغَضَنا أهلَ البَيتِ وَأبغَضَ مَن والاكَ وَنَصَرَكَ وَاختارَكَ وَبَذَلَ مُهجَتَهُ وَمالَهُ فينا، يا عَلِيُّ، إقرَأهُم مِنّي السَّلامَ مَن[1] لَم أرَ وَلَم يَرَني مِنهُم وَأعلِمهُم أنَّهُم إخواني الَّذينَ أشتاقُ إلَيهِم فَليُلقُوا عِلمي إلى[2] مَن يَبلُغُ القُرونَ مِن بَعدي وَليَتَمَسَّكوا بِحَبلِ اللهِ وَليَعتَصِموا بِهِ وَليَجتَهِدوا فِي العَمَلِ فَإنّا لا نُخرِجُهُم مِن هُدًى إلى ضَلالَةٍ وَأخبِرهُم أنَّ اللهَ عَنهُم راضٍ وَأنَّهُ يُباهي بِهِم مَلائِكَتَهُ وَيَنظُرُ إلَيهِم في كُلِّ جُمُعَةٍ بِرَحمَتِهِ وَيَأمُرُ المَلائِكَةَ أن يَستَغفِروا لَهُم، يا عَلِيُّ، لا تَرغَب عَن نُصرَةِ قَومٍ يَبلُغُهُم وَيَسمَعونَ أنّي اُحِبُّكَ فَأحَبّوكَ لِحُبّي إيّاكَ وَدانُوا اللهَ عَزَّ وَجَلَّ بِذلِكَ وَأعطَوكَ صَفوَ المَوَدَّةِ مِن قُلوبِهِم وَاختاروكَ عَلَى الآباءِ وَالإخوَةِ وَالأولادِ وَسَلَكوا طَريقَكَ وَقَد حُمِلوا عَلَى المَكارِهِ فينا فَأبَوا إلّا نَصرَنا

---

۱ و ۲ – در بحارالانوار «مَن رآني مِنهُم وَمَن لَم يَرَني» و «إلى مَن لَم يَبلُغ قُرني مِن أهلِ القُرونِ مِن بَعدي» آمده است.

شبانه روز رحمت خداوند آنها را فرا می‌گیرد، پس باید از پلیدی دوری نمایند. ای علی، خشم و غضب خداوند شدید باد بر کسی که با شیعیان تو دشمنی کند، از تو و شیعیانت بیزاری جوید، به جای تو و پیروانت، دیگران را بَدَل گیرد، به دشمنت بگراید و تو و پیروانت را واگذارد، گمراهی و ضلالت را برگزیند و بر ضد تو و شیعیانت عَلَم جنگ برافرازد، نسبت به ما اهل بیت و نسبت به هر کس که تو را دوست دارد و یاری می‌کند و بر دیگران برمی‌گزیند و جان و مالش را در راه ما (آل محمّد) می‌دهد؛ بغض و کینه ورزد. ای علی، سلام مرا به شیعیانت برسان [همان کسانی که] نه من آنها را دیده‌ام و نه آنها مرا دیده‌اند و به آنها خبر بده که ایشان برادران منند و مشتاق دیدارشان هستم. پس باید علم و دانش مرا به آیندگان برسانند و به ریسمان الهی [ولایت علی ﷺ] تمسّک جویند و به آن چنگ زنند و در انجام کار[های نیک] بکوشند؛ زیرا ما آنها را از راه هدایت به راه گمراهی و ضلالت بیرون نمی‌بریم. همچنین به آنان خبر ده که خداوند از ایشان راضی و خرسند است و به [وجود] آنان بر فرشتگان مباهات می‌کند و در روزهای جمعه، با نظر رحمت به آنها می‌نگرد و به فرشتگان فرمان می‌دهد که برای ایشان آمرزش بطلبند. ای علی، روی بَرتاب از یاری و نصرت گروهی که وقتی به آنها خبر می‌رسد و می‌شنوند که من تو را دوست می‌دارم؛ پس به خاطر محبّت من نسبت به تو، تو را دوست می‌دارند و بدین وسیله دینداری خدای بزرگ را می‌نمایند و محبت قلبی و خالصانهٔ خویش را به تو ارزانی می‌دارند و تو را بر پدران، برادران و فرزندان خویش برمی‌گزینند و راه تو را می‌روند و در راه دوستی و محبت ما سختیها و ناگواریها به آنها تحمیل می‌شود، ولی آنان جز نصرت و یاری ما

وَبَذْلَ الْمُهَجِ فِينَا مَعَ الْأَذَى وَسُوءِ الْقَوْلِ وَمَا يُقَاسُونَهُ مِنْ مَضَاضَةِ[۱] ذٰلِكَ فَكُنْ بِهِمْ رَحِيمًا وَاقْنَعْ بِهِمْ فَإِنَّ اللّٰهَ اخْتَارَهُمْ بِعِلْمِهِ لَنَا مِنْ بَيْنِ الْخَلْقِ وَخَلَقَهُمْ مِنْ طِينَتِنَا وَاسْتَوْدَعَهُمْ سِرَّنَا وَأَلْزَمَ قُلُوبَهُمْ مَعْرِفَةَ حَقِّنَا وَشَرَحَ صُدُورَهُمْ وَجَعَلَهُمْ مُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا لَا يُؤْثِرُونَ عَلَيْنَا مَنْ خَالَفَنَا مَعَ مَا يَزُولُ مِنَ الدُّنْيَا عَنْهُمْ وَمَيْلِ السُّلْطَانِ[۲] بِالْمَكَارِهِ عَلَيْهِمْ وَأَيَّدَهُمُ اللّٰهُ وَسَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ الْهُدَى فَاعْتَصَمُوا بِهِ وَالنَّاسُ فِي غَمْرَةِ[۳] الضَّلَالَةِ[۴] مُتَحَيِّرُونَ فِي الْأَهْوَاءِ عَمُوا عَنِ الْحُجَّةِ وَمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ فَهُمْ يُمْسُونَ وَيُصْبِحُونَ فِي سَخَطِ اللّٰهِ، وَشِيعَتُكَ عَلَى مِنْهَاجِ الْحَقِّ وَالْاِسْتِقَامَةِ لَا يَسْتَأْنِسُونَ إِلَى مَنْ خَالَفَهُمْ لَيْسَتِ الدُّنْيَا مِنْهُمْ وَلَيْسُوا مِنْهَا أُولٰئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، أُولٰئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، أُولٰئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى.[۵]

---

۱ - عبارات سطر اول این صفحه را مطابق با نقل « بحارالانوار » آورده ایم ، زیرا هم از نظر معنی و هم از لحاظ رعایت قواعد زبان عربی صحیحتر به نظر رسید .

۲ - در « ن - د » ، « ن - م » و « ن - مر » ، « الشّيطان » آمده‌است .

۳ - در بحارالانوار و « ن - مر » ، « عمه » آمده‌است .

۴ - در « ن - د » ، « ن - م » و « ن - مر » ، « الضّلال » آمده‌است .

۵ - مرحوم علامهٔ مجلسی این حدیث را در بحارالانوار ، ج۶۵ ، ص۴۵ ، ح۹۱ به نقل از « بشارة المصطفی » آورده و در خاتمه فرموده : شیخ صدوق در « فضائل الشیعة » باسناد خودش از ابابصیر از امام صادق (ع) متن این حدیث را نقل فرموده‌است .

و ایثار خونشان در راه ما [از هر کار دیگری] سر باز می‌زنند با وجود آزار و اذیّتها[یی که می‌کشند] و سخنان بد[ی که می‌شنوند] و رنج و مشقّتهایی که از درد این مصیبت می‌کشند. پس نسبت به آنها مهربان باش و به [دوستی] آنها قناعت کن؛ زیرا خداوند آنها را با علم و آگاهی‌اش، از بین مردم برگزیده، ایشان را از سرشت ما آفریده، اسرار ما را نزد آنها به ودیعه نهاده، شناخت حقِّ ما را در قلبشان ثابت و استوار ساخته، سینه‌هایشان را فراخ نموده و آنها را متمسّک به ریسمان ولایت ما قرار داده است. ایشان، مخالفین ما را علیه ما برنمی‌گزینند؛ هرچند این‌گونه اعمال، باعث می‌شود منافع دنیا را از دست بدهند و پادشاهان به اذیّت و آزار آنها متمایل شوند. خداوند آنها را تأیید فرماید و به راه هدایت واردشان کند. [همان راه هدایتی] که به آن چنگ زدند؛ در حالی که مردم در گمراهی بسر می‌بردند و در مسیر هواهای نفسانی حیران بودند و از دیدن راه [حقّ] و آنچه از نزد خدا آمده بود، کور بودند. پس مردم در خشم و ناخشنودی خداوند، صبح را به شب و شب را به روز می‌آورند و حال آن که شیعیان تو، در راه روشن حقّ و پایداری بر آن، ثابت و استوارند و به کسانی که با آنها مخالفند، اُنس نمی‌گیرند. دنیا از آنِ آنها نیست و آنها نیز از آنِ دنیا نیستند. اینان چراغهای [فروزان در] تاریکی‌اند، اینان چراغهای [فروزان در] تاریکی‌اند، اینان چراغهای [فروزان در] تاریکی‌اند.

(اَلْحَدِيثُ الثّامِنَ عَشَرَ)

حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ اَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللّهُ. قالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفّارُ قالَ حَدَّثَنِي عَبّادُ بْنُ سُلَيْمانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمانَ عَنْ اَبِيهِ سُلَيْمانَ الدَّيْلَمِيِّ قالَ:

كُنْتُ عِنْدَ اَبِي عَبْدِاللّهِ عليه السلام اِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ اَبُو بَصِيرٍ وَقَدْ حَضَرَهُ[1] النَّفَسُ فَلَمّا اَنْ اَخَذَ مَجْلِسَهُ قالَ اَبُو عَبْدِاللّهِ عليه السلام: يا اَبا مُحَمَّدٍ ما هذَا النَّفَسُ الْعالِي؟ قالَ: جُعِلْتُ فِداكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ كَبُرَ سِنِّي وَدَقَّ عَظْمِي وَاقْتَرَبَ اَجَلِي مَعَ ما اَنِّي لَسْتُ اَدْرِي عَلى ما اَرِدُ عَلَيْهِ فِي آخِرَتِي، قالَ لَهُ اَبُو عَبْدِاللّهِ عليه السلام: يا اَبا مُحَمَّدٍ، وَاِنَّكَ لَتَقُولُ هذا؟ قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ فَكَيْفَ لا اَقُولُ؟ قالَ: يا اَبا مُحَمَّدٍ، اَما عَلِمْتَ اَنَّ اللّهَ تَبارَكَ وَتَعالى يُكْرِمُ الشَّبابَ مِنْكُمْ اَنْ يُعَذِّبَهُمْ، وَيَسْتَحْيِي مِنَ الْكُهُولِ اَنْ يُحاسِبَهُمْ؟ قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ هذا لَنا خاصٌّ اَمْ لِاَهْلِ التَّوْحِيدِ؟ قالَ: فَقالَ: لا وَاللّهِ اِلّا لَكُمْ خاصَّةً دُونَ الْعامَّةِ «وَ فِي الْخَبَرِ اِنَّ اللّهَ تَعالى يَقُولُ: شَيْبُ الْمُؤْمِنِينَ نُورِي وَاَنَا اَسْتَحْيِي اَنْ اُحْرِقَ

---

۱ - در بحارالانوار «وَ قَدْ حَفَزَهُ النَّفَسُ» آمده است.

حدیث هجدهم

سلیمان دیلمی گفت:

نزد امام صادق ﷺ بودم که ابو بصیر، در حالی که نَفَسهای عمیقی می‌کشید، بر آن حضرت وارد شد. هنگامی که نشست، امام صادق ﷺ رو به او کرد و فرمود: ای ابامحمّد، چرا این‌گونه نفس عمیق می‌کشی؟

ابوبصیر گفت: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا، پیر و ناتوان شده‌ام و زمان مرگم نزدیک شده؛ با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت! امام ﷺ فرمود: ای ابا محمّد، تو هم، چنین می‌گویی؟ ابوبصیر گفت: قربانت گردم، چرا نگویم؟ امام ﷺ فرمود: ای ابامحمّد، مگر نمی‌دانی که خداوندِ تعالی، جوانان «شما» (شیعیان) را گرامی داشته از اینکه کیفرشان نماید و از پیران «شما» شرم می‌کند که از آنها حساب بکشد. ابوبصیر گفت: فدایت شوم، آیا این مقام، ویژهٔ ما (شیعیان) است یا برای عموم اهل توحید و یکتاپرستان است؟ حضرت ﷺ فرمود: به خدا سوگند فقط مخصوص شما [شیعیان] است و سایر مردم را شامل نمی‌شود. در حدیث آمده است که خداوند می‌فرماید: «سفیدی محاسن مؤمنین از نور من است و من شرم دارم

نُوري بِنارِي، وَقَدْ قِيلَ الشَّيْبُ حِلْيَةُ العَقْلِ وَسِمَةُ الْوَقارِ[1] قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ فَإِنّا قَدْ رُمِينا بِشَيْءٍ[2] انْكَسَرَتْ لَهُ ظُهُورُنا وَماتَتْ لَهُ أَفْئِدَتُنا وَاسْتَحَلَّتْ بِهِ الْوُلاةُ دِماءَنا في حَدِيثٍ رَواهُ لَهُمْ فُقَهاؤُهُمْ قالَ: وَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الرّافِضَةُ، قالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، قالَ: لا وَاللهِ ماهُمْ سَمَّوكُمْ بِهِ بَلْ إِنَّ اللهَ سَمّاكُمْ بِهِ، أَما عَلِمْتَ يا أَبا مُحَمَّدٍ أَنَّ سَبْعِينَ رَجُلاً مِنْ بَنِي إِسْرائِيلَ رَفَضُوا فِرْعَوْنَ إِذِ اسْتَبانَ لَهُمْ ضَلالَتُهُ وَلَحِقُوا بِمُوسى إِذِ اسْتَبانَ لَهُمْ هُداهُ فَسُمُّوا فِي عَسْكَرِ مُوسَى الرّافِضَةَ، لِأَنَّهُمْ رَفَضُوا فِرْعَوْنَ وَكانُوا أَشَدَّ ذلِكَ الْعَسْكَرِ عِبادَةً وَأَشَدَّهُمْ حُبّاً لِمُوسى وَهارُونَ وَذُرِّيَّتِهِما، فَأَوْحَى اللهُ إِلى مُوسى أَنْ أَثْبِتْ لَهُمْ هذَا الاِسْمَ فِي التَّوْراةِ فَإِنِّي قَدْ سَمَّيْتُهُمْ بِهِ وَنَحَلْتُهُمْ إِيّاهُ، فَأَثْبَتَ مُوسَى الاِسْمَ لَهُمْ ثُمَّ ادَّخَرَ اللهُ هذَا الاِسْمَ حَتّى نَحَلَكُمُوهُ يا أَبا مُحَمَّدٍ رَفَضُوا الْخَيْرَ وَرَفَضْتُمُ الشَّرَّ بِالْخَيْرِ، تَفَرَّقَ النّاسُ كُلَّ فِرْقَةٍ وَتَشَعَّبُوا

---

۱ - ظاهراً عبارات داخل گیومه به متن حدیث اضافه شده و در اصطلاح به اینگونه احادیث «احادیث مُدْرَج» گفته می‌شود. شاهد ما بر این مدّعا غیراز سیاق کلام روایت «روضهٔ کافی» است که فاقد این قسمت است.

۲ - در بحارالانوار «نُبِزْنا نَبْزاً» آمده‌است.

از اینکه نورم را با آتشم بسوزانم». همچنین نقل شده است: «سفیدی محاسن، زیور عقل و نشانهٔ وقار و سنگینی است.»

ابوبصیر گفت: فدایت شوم، [مخالفین شما] به ما لقبی داده‌اند که پشت ما را شکسته و دلهایمان را میرانده است، و زمامداران و والیان، به خاطر همین لقب ـ و بنابر حدیثی که فقهایشان روایت می‌کنند ـ خون ما را حلال می‌شمرند.

امام ﷺ فرمود: مقصودت لقب «رافضی» است؟

ابوبصیر گفت: آری. امام ﷺ فرمود: نه، به خدا سوگند، اینان شما را به این نام نخوانده‌اند؛ بلکه خداوند شما را بدان نامیده است. ای ابامحمّد، مگر نمی‌دانی که هفتاد نفر از بنی‌اسرائیل، وقتی گمراهی فرعون و قومش، و هدایت موسی را تشخیص دادند، فرعون را رها کردند و به موسی پیوستند؛ به همین سبب، در میان لشکر موسی ﷺ به «رافضی» خوانده می‌شدند. اینها در بین لشکر موسی ﷺ بیش از دیگران عبادت می‌کردند و نسبت به موسی و هارون و فرزندانشان ﷺ محبت بیشتری داشتند و خداوند به موسی ﷺ وحی فرمود: این نام را در تورات برای آنها ثبت کن؛ زیرا من آنان را به این اسم نامیده‌ام و این نام را بدانها بخشیده‌ام.

موسی ﷺ نیز این نام را برای آنها ثبت فرمود و پس از آن، خداوند، این نام را برای شما ذخیره کرد و به شما عطا فرمود.

ای ابامحمّد، اینان خوبی را رها کردند و شما به کمکِ خوبی، بدی را رها کردید. مردم به دسته‌ها و گروه‌های مختلفی تقسیم شدند

كُلَّ شُعْبَةٍ فَانْشَعَبْتُمْ مَعَ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ (صلّى الله عليه وآله وسلّم) فَذَهَبْتُمْ حَيْثُ ذَهَبَ اللهُ، وَاخْتَرْتُمْ مَنِ اخْتارَهُ اللهُ وَاَرَدْتُمْ مَنْ اَرادَهُ اللهُ، فَاَبْشِرُوا ثُمَّ اَبْشِرُوا فَاَنْتُمْ وَاللهِ الْمَرْحُومُونَ، الْمُتَقَبَّلُ مِنْ مُحْسِنِكُمْ، اَلْمُتَجاوَزُ عَنْ مُسيئِكُمْ، مَنْ لَمْ يَأْتِ اللهَ بِما اَنْتُمْ عَلَيْهِ لَمْ يَتَقَبَّلْ مِنْهُ حَسَنَةً وَلَمْ يَتَجاوَزْ عَنْهُ سَيِّئَةً. يا اَبا مُحَمَّدٍ فَهَلْ سَرَرْتُكَ؟ قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ زِدْني. قالَ: يا اَبا مُحَمَّدٍ اِنَّ لِلّهِ مَلائِكَةً تُسْقِطُ الذُّنُوبَ مِنْ ظُهُورِ شيعَتِنا كَما تُسْقِطُ الرّيحُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ في اَوانِ سُقُوطِهِ، وَذٰلِكَ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالْمَلائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذينَ آمَنُوا» فَاسْتِغْفارُهُمْ وَاللهِ لَكُمْ دُونَ هٰذَا الْخَلْقِ يا اَبا مُحَمَّدٍ فَهَلْ سَرَرْتُكَ؟ قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ زِدْني. قالَ: يا اَبا مُحَمَّدٍ مَا اسْتَثْنَى اللهُ اَحَداً مِنْ اَوْصِياءِ الْاَنْبِياءِ وَلا اَتْباعِهِمْ ما خَلا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَشيعَتَهُ. فَقالَ في كِتابِهِ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ: «يَوْمَ لا يُغْني مَوْلىً عَنْ مَوْلىً شَيْئاً وَلا هُمْ يُنْصَرُونَ. اِلّا مَنْ اَتَى اللهَ بِقَلْبٍ سَليمٍ» يَعْني بِذٰلِكَ عَلِيّاً وَشيعَتَهُ. يا اَبا مُحَمَّدٍ فَهَلْ

و شما در گروه خاندان پیامبرتان محمد ﷺ درآمدید و به راهی رفتید که خداوند به آن امر فرموده است. شما همان راهی را که خدا برایتان برگزیده بود، انتخاب کردید و کسی را که خدا اراده کرده بود، اختیار نمودید. پس مژده باد بر شما و باز هم مژده باد بر شما. به خدا سوگند، شمایید که مورد رحمت حقّ قرار گرفته‌اید؛ کردار نیک نیکوکارانتان پذیرفته می‌شود و از کردار زشت بدکارانتان چشم‌پوشی می‌شود. هر کس روز قیامت بدون آن عقیده‌ای که شما دارید به پیشگاه پروردگار درآید، خداوند نه کردار نیکش را می‌پذیرد و نه از کردار بدش در می‌گذرد. ای ابامحمّد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابوبصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بگویید. امام ؑ فرمود: ای ابامحمّد، خداوند فرشتگانی دارد که گناهان را از دوش شیعیان ما می‌ریزند؛ همان‌گونه که باد خزان، برگهای درختان را در فصل پاییز می‌ریزد و این است معنی کلام خداوند عزّوجلّ: «و فرشتگان پروردگارشان را سپاس و ستایش می‌کنند و برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند» به خدا سوگند آمرزش خواهی آنان، تنها برای شما است، نه برای سایر مردم. ای ابامحمّد، آیا خوشحالت کردم؟ ابوبصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بگویید. امام ؑ فرمود: ای ابامحمّد، به خدا سوگند، خداوند عزّوجلّ در این آیه [آیه‌ای که بعداً تلاوت می‌فرماید]، هیچ یک از اوصیای پیامبران و پیروانشان را جدا نکرده؛ جز امیر مؤمنان علی ؑ و شیعیانش را، آنجا که در قرآن کریم، که سخنش حقّ است، می‌فرماید: «[روز قیامت] روزی [است] که هیچ دوستی برای دوست خود کاری انجام نمی‌دهد و آنها یاری نمی‌شوند، مگر کسانی که با قلبی پاک و سالم [از پلیدیها] به نزد خداوند بیایند» و مقصود خدای بزرگ از این آیه، علی ؑ و شیعیان او هستند.

سَرَرْتُكَ؟ قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ زِدْني، قالَ: لَقَدْ ذَكَرَكُمُ اللهُ[1] إذْ يَقولُ: «يا عِبادِيَ الَّذينَ أَسْرَفوا عَلى أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنوبَ جَميعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفورُ الرَّحيمُ» وَاللهِ ما أَرادَ بِهذا غَيْرَكُمْ، يا أَبا مُحَمَّدٍ فَهَلْ سَرَرْتُكَ؟ قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ زِدْني، قالَ: لَقَدْ ذَكَرَكُمُ اللهُ في كِتابِهِ فَقالَ: «إِنَّ عِبادي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطانٌ» وَاللهِ ما أَرادَ بِهذا إِلَّا الأَئِمَّةَ وَشيعَتَهُمْ، يا أَبا مُحَمَّدٍ فَهَلْ سَرَرْتُكَ؟ قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ زِدْني، قالَ: لَقَدْ ذَكَرَكُمُ اللهُ في كِتابِهِ فَقالَ: «أُولئِكَ مَعَ الَّذينَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ أُولئِكَ رَفيقاً» وَرَسولُ اللهِ (صلّى الله عليه وآله) في هذِهِ الآيَةِ مِنَ النَّبِيّينَ وَنَحْنُ في هذَا الْمَوْضِعِ الصِّدّيقونَ وَالشُّهَداءُ وَأَنْتُمُ الصّالِحونَ فَتَسَمَّوْا بِالصَّلاحِ كَما سَمّاكُمُ اللهُ، يا أَبا مُحَمَّدٍ فَهَلْ سَرَرْتُكَ؟ قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ زِدْني، قالَ: لَقَدْ

---

۱ - در بحارالانوار «لَقَدْ ذَكَرَكُمُ اللهُ في كِتابِهِ» آمده است.

ای ابامحمّد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابوبصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم، مطالب بیشتری بفرمایید. حضرت فرمود: ای ابامحمّد، همانا خدای تعالی شما را در قرآن یاد کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «ای بندگان من که در مورد نفس خویش زیاده‌روی کرده‌اید، از رحمت الهی ناامید نشوید؛ زیرا خداوند همهٔ گناهان شما را می‌آمرزد، به راستی او آمرزنده و مهربان است» (زمر ـ ۵۳) به خدا سوگند در این آیه جز شما، قصد کس دیگری را نداشته است. ای ابامحمّد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابوبصیر گفت: عرض کردم: فدای شما گردم، مطالب بیشتری بفرمایید. حضرت فرمود: ای ابامحمّد، همانا خداوند شما را در قرآن یاد کرده و فرموده: «[ای شیطان] به راستی تو بر بندگان [خاص] من تسلطی نداری» (حجر ـ ۴۲) به خدا سوگند، در این آیه جز امامان ﷺ و شیعیانشان را قصد نداشته است. ای ابا محمّد، آیا خوشحالت کردم؟ ابوبصیر گفت: عرض کردم: فدای شما گردم، مطالب بیشتری بفرمایید. حضرت فرمود:

ای ابامحمّد، همانا خداوند شما را در قرآن یاد کرده و فرموده: «آنان همدم کسانی هستند که خدا نعمتشان داده؛ از پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران و چه نیکو رفیقانی هستند» (نساء ـ ۶۹) در این آیه، مقصود از پیامبران، رسول خدا خدا ﷺ است و راستگویان و شهیدان ما هستیم و صالحین شمایید. پس به شایستگی و صلاح معروف شوید؛ همان‌گونه که خداوند شما را چنین نامیده است. ای ابامحمّد،

ذَكَرَكُمُ اللهُ اِذْ حَكىٰ عَنْ عَدُوِّكُمْ فِي النّارِ اِذْ يَقُولُ: «ما لَنا لا نَرىٰ رِجالاً كُنّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الاَشْرارِ، اَتَّخَذْناهُمْ سِخْرِيّاً اَمْ زاغَتْ عَنْهُمُ الاَبْصارُ» وَاللهِ ما عَنىٰ وَلا اَرادَ بِهٰذا غَيْرَكُمْ اِذْ صِرْتُمْ فِي هٰذَا الْعالَمِ شِرارَ النّاسِ، فَاَنْتُمْ وَاللهِ فِي الْجَنَّةِ تُحْبَرُونَ وَاَنْتُمْ فِي النّارِ تُطْلَبُونَ يا اَبا مُحَمَّدٍ فَهَلْ سَرَرْتُكَ؟ قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ زِدْني، قالَ: يا اَبا مُحَمَّدٍ ما مِنْ آيَةٍ نَزَلَتْ تَقُودُ اِلَى الْجَنَّةِ وَتَذْكُرُ اَهْلَها بِخَيْرٍ اِلّا وَهِيَ فينا وَفي شيعَتِنا، وَما مِنْ آيَةٍ نَزَلَتْ تَذْكُرُ اَهْلَها بِسُوءٍ وَتَسُوقُ اِلَى النّارِ اِلّا وَهِيَ في عَدُوِّنا وَمَنْ خالَفَنا. قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ زِدْني، فَقالَ: يا اَبا مُحَمَّدٍ لَيْسَ عَلىٰ مِلَّةِ اِبْراهيمَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ اِلّا نَحْنُ وَشيعَتُنا، وَسائِرُ النّاسِ مِنْ ذٰلِكَ بُراءٌ، يا اَبا مُحَمَّدٍ فَهَلْ سَرَرْتُكَ؟[1]

(اَلْحَديثُ التّاسِعَ عَشَرَ)

اَبي رَحِمَهُ اللهُ قالَ: حَدَّثَني سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ قالَ: حَدَّثَني عَبّادُ بْنُ سُلَيْمانَ... عَنْ اَبانِ بْنِ تَغْلِبَ

عَنْ اَبي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ «فَلَا اقْتَحَمَ

---

۱ - مرحوم علامهٔ مجلسی این حدیث را در بحار الانوار، ج۶۵، ص۴۸، ح۹۳، از «روضهٔ کافی» نقل کرده و در ادامه فرموده: شیخ مفید در «اختصاص» با اندک تفاوتی و شیخ صدوق در «فضائل الشیعه» همین حدیث را نقل فرموده‌اند.

آیا تو را خوشحال کردم؟ ابوبصیر گفت: فدایت شوم، بیشتر بفرمایید. حضرت فرمود: ای ابامحمّد، همانا خدا شما را یاد کرده در آنجا که از زبان دشمنِ شما در دوزخ چنین حکایت می‌کند: «و گویند چرا ما [در اینجا] مردانی را که از اشرار می‌شمردیم و تمسخرشان می‌کردیم نمی‌بینیم یا شاید دیدگان ما [از دیدنشان] خیره گشته است» (ص- ۶۲) به خدا سوگند، مقصود و منظور از این آیه، کسی جز شما نیست؛ زیرا شما در نزد مردم این جهان، اشرار محسوب شده‌اید. به خدا سوگند، هنگامی که در بهشت در ناز و نعمت خواهید بود، آنان در دوزخ شما را می‌جویند. ای ابامحمّد، آیا خوشحالت کردم؟ ابوبصیر گفت: عرض کردم فدایت شوم، بیشتر بفرمایید. امام ﷺ فرمود: ای ابا محمد، [همین اندازه بدان که] هیچ آیه‌ای نیست که به بهشت رهبری کند و بهشتیان را به نیکی یاد کند؛ جز اینکه دربارهٔ ما و شیعیان ما نازل شده و هیچ آیه‌ای نیست که اهل آن را به بدی یاد کند و به سوی دوزخ براند مگر اینکه دربارهٔ دشمن ما و مخالف ما نازل شده است. ای ابامحمد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابوبصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بفرمایید. حضرت فرمود: کسی بر آیین ابراهیم، جز ما و شیعیان ما نیست و سایر مردم از آن برکنارند. ای ابامحمّد، آیا خوشحالت کردم؟ [و در روایت دیگری نقل شده که ابوبصیر گفت: مرا بس است.]

❁ حدیث نوزدهم

ابان بن تغلب گفت: از امام صادق ﷺ در مورد آیهٔ شریفه: «وارد گردنه نشد» سؤال کردم:

اَلْعَقَبَةَ»، قالَ: فَقالَ: مَنْ أَكْرَمَهُ اللهُ بِوِلايَتِنا فَقَدْ جازَ الْعَقَبَةَ وَنَحْنُ تِلْكَ الْعَقَبَةُ مَنِ اقْتَحَمَها نَجا، قالَ فَسَكَتَ ثُمَّ قالَ: هَلّا أُفيدُكَ حَرْفاً فيها خَيْراً مِنَ الدُّنْيا وَما فيها؟ قالَ: قُلْتُ بَلى جُعِلْتُ فِداكَ، قالَ: قَوْلُهُ تَعالى: «فَكُّ رَقَبَةٍ» اَلنّاسُ كُلُّهُمْ عَبيدُ النّارِ غَيْرَكَ وَ أَصْحابِكَ، فَإِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ فَكَّ رِقابَكُمْ[1] مِنَ النّارِ بِوِلايَتِنا أَهْلَ الْبَيْتِ.[2]

(اَلْحَديثُ الْعِشْرُونَ)

وَبِهٰذَا الْإِسْنادِ عَنْ سُلَيْمانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبي بَصيرٍ عَنْ أَبي عَبْدِ اللهِ (عليه السلام) قالَ: قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ (عليه السلام):

أَنَا الرّاعي، راعِي الْأَنامِ، أَفَتَرَى الرّاعِيَ لا يَعْرِفُ غَنَمَهُ؟ قالَ: فَقامَ إِلَيْهِ جُوَيْرِيَةُ وَقالَ: يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ فَمَنْ غَنَمُكَ؟ قالَ: صُفْرُ الْوُجُوهِ، ذُبُلُ الشِّفاهِ مِنْ ذِكْرِ اللهِ.[3]

---

۱ - در بحارالانوار «رِقابَهُمْ» آمده است.

۲ - بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۴۳، ح ۹۰ به نقل از «فضائل الشيعة».

۳ - بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۷۶، ح ۳۲ به نقل از «فضائل الشيعة».

فرمود:

هرکه را خدا به برکت ولایت ما گرامی بدارد، از عَقَبه (گردنه) گذشته است. و ما آن گذرگاهی هستیم که هر کس داخل آن شود، نجات می‌یابد. سپس اندکی سکوت کرد و در ادامه فرمود: آیا برای تو سخنی بگویم که خیرِ آن، از دنیا و آنچه در آن است بیشتر باشد؟ عرض کردم: آری، فدایت شوم. فرمود: [آن سخن] قول خدای تعالی است که فرمود: «آزاد کردن بندگان از آتش است»؛ زیرا تمام مردم اسیر آتشند، جز تو و یارانت. همانا خداوند به برکت ولایت ما اهل بیت، شما را از آتش دوزخ رهایی بخشیده است.



● حدیث بیستم

ابا بصیر از امام صادق ﷺ نقل کرد که آن حضرت فرمود: امیرالمؤمنین ﷺ فرمود:

من چوپانم، چوپانِ مردم. آیا گمان داری که چوپان، گوسفندان خویش را نمی‌شناسد؟ در این هنگام، جویریه برخاست و به آن حضرت گفت: ای امیرالمؤمنین، گوسفندان تو چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: کسانی که [در اثر شب بیداری] رنگ چهره‌هایشان به زردی گراییده و بر اثر بسیاریِ ذکر خدا، لبهایشان خشکیده است.

(اَلْحَدِيثُ الْحادي وَالْعِشْرُونَ)

وَبِهٰذَا الْإِسْنادِ عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ عَنْتَمَةَ ابْنِ اَسْلَمَةَ عَنْ مُعاوِيَةَ الدُّهْنِيِّ قالَ:

قُلْتُ لِاَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِداكَ هٰذَا الْحَدِيثُ الَّذِي سَمِعْتُهُ مِنْكَ ماتَفْسِيرُهُ؟ قالَ: وَماهُوَ؟ قُلْتُ: اِنَّ الْمُؤْمِنَ يَنْظُرُ بِنُورِ اللهِ. فَقالَ: يامُعاوِيَةُ، اِنَّ اللهَ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ نُورِهِ وَصَنَعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَاتَّخَذَ ميثاقَهُمْ لَنا فِي الْوِلايَةِ عَلى مَعْرِفَتِهِ يَوْمَ عَرَّفَهُمْ نَفْسَهُ، فَالْمُؤْمِنُ اَخُو الْمُؤْمِنِ لِاَبِيهِ وَاُمِّهِ، اَبُوهُ النُّورُ وَاُمُّهُ الرَّحْمَةُ، وَ اِنَّما يَنْظُرُ بِذٰلِكَ النُّورِ الَّذِي خُلِقَ مِنْهُ.[1]

(اَلْحَدِيثُ الثّانِي وَالْعِشْرُونَ)

وَبِهٰذَا الْإِسْنادِ عَنْ سُلَيْمانَ عَنْ داوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ قالَ:

دَخَلْتُ عَلى اَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ، قَوْلُهُ تَعالى: «وَاِنِّي لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدى»، فَما هٰذَا

---

۱ - اين حديث در « اصول كافى » و « بحارالانوار » نيامده‌است.

● حدیث بیست و یکم

معاویه دُهْنی گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم، تفسیر این حدیثی که از شما شنیده‌ام چیست؟

حضرت فرمود: کدام حدیث؟ گفتم: **اینکه «مؤمن به نور خدا می‌نگرد»؟**

فرمود:

ای معاویه، خداوند مؤمنین را از نور خود آفرید و از رحمتش ایشان را ساخت و روزی که خودش را به آنان شناساند، برای ما از آنها عهد و پیمان گرفت. پس مؤمن، برادر مؤمن است و از یک پدر و مادر هستند. پدرش نور و مادرش رحمت است و مؤمن، به وسیله این نوری که از آن خلق شده می‌بیند.

● حدیث بیست و دوم

داود بن کثیر رَقّی گفت: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم:

فدایت شوم، در آیهٔ شریفه: «به راستی من نسبت به کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و سپس هدایت یابد، بسیار آمرزنده‌ام»

اَلْهُدىٰ بَعْدَ اَلتَّوْبَةِ وَاَلْايمانِ وَاَلْعَمَلِ اَلصّالِحِ؟ قالَ: فَقالَ: مَعْرِفَةُ اَلْائِمَّةِ وَاللّٰهِ اِمامٌ بَعْدَ اِمامٍ.[1]

(اَلْحَديثُ اَلثّالِثُ وَاَلْعِشْرُونَ)

اَبي رَحِمَهُ اللّٰهُ قالَ: حَدَّثَني سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ عَنْ عَبّادِ بْنِ سُلَيْمانَ... عَنْ سَديرٍ اَلصَّيْرَفِيِّ

عَنْ اَبي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام قالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَعِنْدَهُ اَبُو بَصيرٍ وَ مَيَسَّرَةُ وَعِدَّةٌ مِنْ جُلَسائِهِ فَلَمّا اَنْ اَخَذْتُ مَجْلِسي اَقْبَلَ عَلَيَّ بِوَجْهِهِ وَقالَ: يا سَديرُ، اَما اِنَّ وَلِيَّنا لَيَعْبُدُ اللّٰهَ قائِماً وَقاعِداً وَنائِماً وَحَيّاً وَ مَيِّتاً، قالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِداكَ اَمّا عِبادَتُهُ قائِماً وَقاعِداً وَحَيّاً فَقَدْ عَرَفْنا، كَيْفَ يَعْبُدُ اللّٰهَ نائِماً وَمَيِّتاً؟ قالَ: اِنَّ وَلِيَّنا لَيَضَعُ رَأْسَهُ فَيَرْقُدُ فَاِذا كانَ وَقْتُ الصَّلٰوةِ وَكَّلَ بِهِ مَلَكَيْنِ خُلِقا فِي[2] اَلْاَرْضِ لَمْ يَصْعَدا اِلَى اَلسَّماءِ وَلَمْ يَرَيا مَلَكُوتَها فَيُصَلِّيانِ عِنْدَهُ حَتّىٰ يَنْتَبِهَ فَيَكْتُبُ اللّٰهُ ثَوابَ صَلاتِهِما لَهُ وَاَلرَّكْعَةُ مِنْ صَلاتِهِما تَعْدِلُ اَلْفَ صَلاةٍ مِنْ صَلاةِ اَلْآدَمِيّينَ، وَاِنَّ وَلِيَّنا لَيَقْبِضُهُ اللّٰهُ اِلَيْهِ فَيَصْعَدُ مَلَكاهُ

---

١ - بحارالانوار، ج ٢٧، ص ١٩٨، ح ۶۴ به نقل از «فضائل الشيعة».

٢ - در بحارالانوار «مِنَ الأرض» آمده است.

منظور از هدایت، بعد از توبه و ایمان و عملِ صالح، چیست؟

فرمود:

معرفت و شناخت ائمّه هدیٰ است. به خدا سوگند امامی بعد از امام دیگر است.

حدیث بیست و سوم

سدیر صیرفی گفت:

بر امام صادق علیه السلام در حالی وارد شدم که ابو بصیر، میسره، و عده‌ای از همنشینانش، نزد آنجناب بودند. وقتی نشستم، روی به من کرد و فرمود: ای سدیر، آگاه باش، دوستدار ما همواره در حال عبادت خداست؛ چه ایستاده، چه نشسته، چه خوابیده، چه در زمان حیات و چه پس از مرگ.

سدیر گفت: عرض کردم: عبادت او را در حالی که ایستاده و نشسته، و یا در ایّام حیات، دانستیم، امّا چگونه در حالی که خوابیده و یا از دنیا رفته خدا را عبادت می‌کند؟ فرمود: هنگامی که ولیّ ما سر بر زمین می‌گذارد و می‌خوابد، و وقت نماز فرا می‌رسد، خداوند دو فرشته را که در زمین آفریده شده‌اند و به آسمان بالا نرفته و ملکوت آسمانها را ندیده‌اند، بر او می‌گمارد که در کنارش به نماز بایستند تا زمانی که از خواب بیدار شود و خداوند، ثواب نماز آن دو فرشته را به حساب او منظور می‌دارد و هر رکعت از نمازشان معادلِ هزار رکعت نماز، از نمازهای انسانها است. وقتی خداوند، دوستدار ما را قبض روح می‌فرماید، دو فرشته موکّلِ بر او

إِلَى السَّمَاءِ فَيَقُولاَنِ: يَا رَبَّنَا عَبْدُكَ فُلاَنُ ابْنُ فُلاَنٍ انْقَطَعَ وَاسْتَوْفَى أَجَلَهُ وَلَأَنْتَ أَعْلَمُ مِنَّا بِذَلِكَ فَأْذَنْ لَنَا نَعْبُدْكَ فِي آفَاقِ سَمَائِكَ وَأَطْرَافِ أَرْضِكَ. قَالَ فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِمَا: «أَنَّ فِي سَمَائِي لَمَنْ يَعْبُدُنِي وَمَا لِي فِي عِبَادَتِهِ مِنْ حَاجَةٍ بَلْ هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهَا وَأَنَّ فِي أَرْضِي لَمَنْ يَعْبُدُنِي حَقَّ عِبَادَتِي وَمَا خَلَقْتُ خَلْقاً أَحْوَجَ إِلَيَّ مِنْهُ» «فَاهْبِطَا إِلَى قَبْرِ وَلِيِّي»[1] فَيَقُولاَنِ: يَا رَبَّنَا مَنْ هَذَا يَسْعَدُ بِحُبِّكَ إِيَّاهُ؟ قَالَ: فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِمَا: ذَلِكَ مَنْ أُخِذَ مِيثَاقُهُ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِي وَوَصِيِّهِ وَذُرِّيَّتِهِمَا بِالْوَلاَيَةِ، اهْبِطَا إِلَى قَبْرِ فُلاَنِ ابْنِ فُلاَنٍ فَصَلِّيَا عِنْدَهُ إِلَى أَنْ أَبْعَثَهُ فِي الْقِيَامَةِ. قَالَ فَيَهْبِطُ الْمَلَكَانِ فَيُصَلِّيَانِ عِنْدَ الْقَبْرِ إِلَى أَنْ يَبْعَثَهُ اللَّهُ فَيَكْتُبُ ثَوَابَ صَلاَتِهِمَا لَهُ وَالرَّكْعَةُ مِنْ صَلاَتِهِمَا تَعْدِلُ أَلْفَ صَلاَةٍ مِنْ صَلاَةِ الْآدَمِيِّينَ. قَالَ سَدِيرٌ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَإِذاً وَلِيُّكُمْ نَائِماً وَمَيِّتاً أَعْبَدُ مِنْهُ حَيّاً وَقَائِماً. قَالَ: فَقَالَ: هَيْهَاتَ يَا سَدِيرُ، إِنَّ وَلِيَّنَا لَيُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُجِيزُ أَمَانَهُ.[2]

---

۱ – عبارات داخل گیومه در بحارالانوار آمده ولی در سایر نسخ ذکر نگردیده‌است.

۲ – مرحوم علامهٔ مجلسی این حدیث را در بحارالانوار ج۵، ص۳۲۷، ح۲۳ از «فضائل الشیعة» و در ج۶۵، ص۶۷، ح۱۲۱ اشتباهاً از «صفات الشیعة» نقل فرموده‌است، با این تفاوت که در ج۵ بجای «تَعْدِلُ»، «تُعادِلُ» آمده‌است.

به آسمان بالا می‌روند و به پیشگاه الهی عرضه می‌دارند: بارالها، بندهٔ تو، فلانی پسر فلانی، مدت عمرش تمام شد و اَجَلش فرا رسید و تو به این موضوع از ما داناتری. پس به ما اجازه بده در اطراف آسمانها و زمین، تو را عبادت نماییم. خداوند به آنها وحی می‌فرماید: «در آسمانم کسی هست که مرا عبادت می‌کند و حال آن که هیچ نیازی به عبادتش ندارم؛ بلکه او محتاج عبادت و بندگی است. و در زمینم نیز کسی هست که آن‌گونه که سزاوار من است، مرا عبادت می‌کند و هیچ بنده‌ای را نیازمندتر از او به خودم نیافریده‌ام. پس به سوی قبر ولیّ من فرود آیید.» سپس آن دو فرشته عرضه می‌دارند: پروردگارا، این چه کسی است که به سبب محبّت و دوستی تو نسبت به او سعادتمند شده است؟ خداوند به آن دو ملک وحی می‌فرماید: «او کسی است که برای نبوّت بنده‌ام محمّد مصطفی ﷺ و ولایت جانشینش (علیّ مرتضی ؑ) و فرزندان آن دو، از او عهد و پیمان گرفته شده است. پس به سوی قبر ولیّ من، فلانی پسر فلانی فرود آیید و نزد قبرِ او نماز گزارید تا زمانی که او را [از قبرش] برانگیزم.» پس آن دو فرشته فرود می‌آیند و در کنار قبر آن ولیّ خدا نماز می‌گزارند تا زمانی که خداوند او را از قبر برانگیزد و [خدای بزرگ] ثواب نماز آن دو فرشته را برای آن ولیّ خدا قرار می‌دهد که هر رکعت از نمازشان با هزار رکعت از نماز انسانها برابری می‌کند. سدیر گفت: فدایت شوم ای پسر رسول خدا ﷺ، پس در هنگامی که ولیّ شما خوابیده و یا از دنیا رفته، خداوند را بیشتر عبادت می‌کند از وقتی که زنده است و به نماز ایستاده؟ حضرت فرمود: هیهات ای سدیر، ولیّ ما در روز قیامت، از خدا برای دیگران امان می‌طلبد (شفاعت می‌کند) و خداوند اجازهٔ این کار را به او می‌دهد (شفاعتش را می‌پذیرد).

(اَلْحَدِيثُ اَلرّابِعُ وَاَلْعِشْرُونَ)

وَبِهٰذَا الْإِسْنادِ عَنْ سَدِيرٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِداكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، هَلْ يَكْرَهُ الْمُؤْمِنُ عَلىٰ قَبْضِ رُوحِهِ؟ قالَ: لا، إِذا أَتاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَهُ جَزَعَ عِنْدَ ذٰلِكَ فَيَقُولُ لَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ: يا وَلِيَّ اللّٰهِ لا تَجْزَعْ فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ لَأَنَا أَبَرُّ بِكَ وَأَشْفَقُ عَلَيْكَ مِنَ الْوالِدِ الرَّحِيمِ لِوَلَدِهِ حِينَ حَضَرَهُ، اِفْتَحْ عَيْنَيْكَ وَانْظُرْ، قالَ: وَيُمَثَّلُ لَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صلّى الله عليه وآله وسلّم وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَفاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَئِمَّةُ هُمْ رُفَقاؤُكَ قالَ: فَيَفْتَحُ عَيْنَيْهِ وَيَنْظُرُ وَتُنادِي رُوحَهُ مِنْ قِبَلِ الْعَرْشِ: يا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَادْخُلِي جَنَّتِي قالَ: فَما مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ انْسِلالِ رُوحِهِ وَاللُّحُوقِ بِالْمُنادِي.

(اَلْحَدِيثُ اَلْخامِسُ وَاَلْعِشْرُونَ)

أَبِي رَحِمَهُ اللّٰهُ قالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ... عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (عليهم السلام) قالَ:

حدیث بیست و چهارم

سدیر گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم ای پسر رسول خدا، آیا مؤمن از مردن (قبض روحش) کراهت دارد؟ فرمود:

نه، [بلکه] آن زمان که ملک الموت برای قبض روح مؤمن می‌آید، مؤمن بی‌تابی می‌کند. ملک الموت به او می‌گوید: ای ولیّ خدا، بی‌تابی مکن. سوگند به آن خدایی که محمّد صلی الله علیه و آله را به حقّ به پیامبری مبعوث فرمود، من نسبت به تو، از پدری مهربان نسبت به فرزندش، دلسوزتر و نیکوکارترم. چشمهایت را باز کن و ببین. [در این هنگام] وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السلام و سایر ائمه هدی علیهم السلام برایش نمایان می‌شوند و به او گفته می‌شود اینها دوستان تو هستند. پس چشمهایش را می‌گشاید و می‌نگرد و به روحش از جانب عرش ندا داده می‌شود: «ای [صاحب] نفس مطمئنّه، به سوی محمّد و اهل بیت آن حضرت صلوات الله علیهم بازگرد و به بهشتم داخل شو». [در این لحظه] برای مؤمن، چیزی خوشایندتر از این نیست که روح از بدنش خارج شود و به آن منادی بپیوندد.

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ (صلّى اللّه عليه وآله وسلّم):

اِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُؤْتَى بِأَقْوَامٍ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ تَتَلَأْلَؤُ وُجُوهُهُمْ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ يَغْبِطُهُمُ الْاَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، ثُمَّ سَكَتَ ثُمَّ اَعَادَ الْكَلَامَ ثَلَاثاً فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي، هُمُ الشُّهَدَاءُ؟ قَالَ: هُمُ الشُّهَدَاءُ وَلَيْسَ هُمُ الشُّهَدَاءَ الَّذِينَ تَظُنُّونَ.[1] قَالَ: هُمُ الْاَوْصِيَاءُ؟ قَالَ: هُمُ الْاَوْصِيَاءُ وَلَيْسَ هُمُ الْاَوْصِيَاءَ الَّذِينَ تَظُنُّونَ قَالَ: فَمِنْ اَهْلِ السَّمَاءِ اَوْ مِنْ اَهْلِ الْاَرْضِ؟ قَالَ: هُمْ مِنْ اَهْلِ الْاَرْضِ، قَالَ: فَاَخْبِرْنِي مَنْ هُمْ، قَالَ: فَاَوْمَأَ بِيَدِهِ اِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ: هٰذَا وَشِيعَتُهُ، مَا يُبْغِضُهُ مِنْ قُرَيْشٍ اِلَّا سِفَاحِيٌّ وَلَا مِنَ الْاَنْصَارِ اِلَّا يَهُودِيٌّ وَلَا مِنَ الْعَرَبِ اِلَّا دَعِيٌّ وَلَا مِنْ سَائِرِ النَّاسِ اِلَّا شَقِيٌّ، يَا عُمَرُ، كَذَبَ مَنْ زَعَمَ اَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُ عَلِيّاً.[2]

(الْحَدِيثُ السَّادِسُ وَالْعِشْرُونَ)

---

۱ – در بحارالانوار این عبارات: «قالَ: هُمُ الأنبياءُ؟ قالَ: هُمُ الأنبياءُ وَ لَيْسَ هُمُ الأنبياءَ الَّذينَ تَظُنُّونَ» بعد از «اَلَّذينَ تَظُنُّونَ» آمده‌است ولی در سایر نسخ ذکر نشده‌است.

۲ – بحارالانوار ج ۶۵، ص ۶۸، ح ۱۲۲ به نقل از «فضائل الشيعة» كه اشتباهاً «صفات الشيعة» ضبط شده‌است.

حدیث بیست و پنجم

معاویة بن عمّار از امام صادق ﷺ و ایشان از پدران گرامی خود ﷺ نقل کرد که رسول خدا ﷺ فرمود:

هنگامی که روز قیامت فرا رسد، گروهی را بر منبرهایی از نور می‌آورند که چهره‌هایشان همچون ماه شب چهارده می‌درخشد و اوّلین و آخرین [آفریدگان] به حال آنها غبطه می‌خورند. در این لحظه، رسول خدا ﷺ سکوتی کرد و در ادامه، سه بار همین عبارت را تکرار فرمود. عمر بن خطاب عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت، آیا اینها شهدا هستند؟

پیامبر ﷺ فرمود: اینها شهدا هستند؛ اما نه آن شهدایی که شما گمان می‌کنید. گفت: اوصیا هستند؟ حضرت فرمود: اینها اوصیا هستند، اما نه اوصیایی که شما خیال می‌کنید. گفت: آیا از اهل آسمانند یا اهل زمینند؟ پیامبر ﷺ فرمود: از اهل زمینند. گفت: پس به من بگو اینها چه کسانی هستند؟ رسول خدا ﷺ با دستش به علی ﷺ اشاره کرد و فرمود: این و شیعیانش هستند. هیچکس نسبت به او بغض و کینه نمی‌ورزد؛ مگر از قریش، آن که حرامزاده است و از انصار، آن که یهودی است و از عرب، آن که حرامزاده باشد و از سایر مردم، آن که کسی که اهل شقاوت و بدبختی است. ای عمر، دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌برد دوستدار من است، در حالی که نسبت به علی ﷺ بغض و کینه دارد.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ.. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ وَعَامِرِ بْنِ السِّمْطِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَوْمٌ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ مِنْ نُورٍ، عَلَى وُجُوهِهِمْ نُورٌ يُعْرَفُونَ بِآثَارِ السُّجُودِ، يَتَخَطَّوْنَ صَفّاً بَعْدَ صَفٍّ حَتَّى يَصِيرُوا بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَغْبِطُهُمُ النَّبِيُّونَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ قَالَ لَهُ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: مَنْ هٰؤُلَاءِ يَا رَسُولَ اللهِ الَّذِينَ يَغْبِطُهُمُ النَّبِيُّونَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ؟ قَالَ: أُولٰئِكَ شِيعَتُنَا وَعَلِيٌّ إِمَامُهُمْ[1].

(الْحَدِيثُ السَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ)

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ.. عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (عليهم السلام) قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيٍّ:

---

۱ - بحارالانوار ج ۶۵، ص ۶۸، ح ۱۲۳ به نقل از « فضائل الشیعه » که اشتباهاً « صفات الشیعه » ضبط شده است.

حدیث بیست و ششم

امام باقر ﷷ از رسول خدا ﷺ نقل کرد که آن حضرت فرمود:

روز قیامت گروهی می‌آیند که لباسهایی از نور در بر دارند و چهره‌هایشان نورانی است و به آثار و علائم سجده‌هایشان شناخته می‌شوند. صفها را یکی پس از دیگری می‌شکافند تا اینکه در پیشگاه خداوند عالم قرار می‌گیرند، و در آن حال، پیامبران الهی، فرشتگان، شهدا و صالحین به حال آنها غبطه می‌خورند. عمر بن خطّاب به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا، اینها چه کسانی هستند که پیامبران، فرشتگان، شهیدان و نیکوکاران بر آنها غبطه می‌خورند؟ فرمود: اینها شیعیان ما هستند و علی ﷷ امام آنهاست.

حدیث بیست و هفتم

معاویة بن عمّار از امام صادق ﷷ نقل کرد که آن حضرت از پدرانش ﷷ از رسول خدا ﷺ نقل کرد که آن حضرت خطاب به علی ﷷ فرمود:

يَا عَلِيُّ، لَقَدْ مُثِّلَتْ لِي أُمَّتِي فِي الطِّينِ حِينَ رَأَيْتُ صَغِيرَهُمْ وَ كَبِيرَهُمْ أَرْوَاحاً قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ[۱] أَجْسَادُهُمْ وَإِنِّي مَرَرْتُ بِكَ وَبِشِيعَتِكَ فَاسْتَغْفَرْتُ لَكُمْ. فَقَالَ عَلِيٌّ: يَا نَبِيَّ اللهِ زِدْنِي فِيهِمْ. قَالَ: نَعَمْ يَا عَلِيُّ، تَخْرُجُ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ مِنْ قُبُورِكُمْ وَوُجُوهُكُمْ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَقَدْ فُرِجَتْ[۲] عَنْكُمُ الشَّدَائِدُ وَذَهَبَتْ عَنْكُمُ الْأَحْزَانُ تَسْتَظِلُّونَ تَحْتَ الْعَرْشِ، تَخَافُ النَّاسُ وَلَا تَخَافُونَ وَتَحْزَنُ النَّاسُ وَلَا تَحْزَنُونَ، وَتُوضَعُ لَكُمْ مَائِدَةٌ وَالنَّاسُ فِي الْمُحَاسَبَةِ.[۳]

(اَلْحَدِيثُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ)

أَبِي رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ... عَنْ مُحَمَّدٍ الْقِبْطِيِّ قَالَ سَمِعْتُ

أَبَا عَبْدِ اللهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ:

اَلنَّاسُ أَغْفَلُوا قَوْلَ رَسُولِ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي عَلِيٍّ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ كَمَا أَغْفَلُوا قَوْلَهُ يَوْمَ مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ. أَتَى النَّاسُ يَعُودُونَهُ فَجَاءَ عَلِيٌّ (عليه السلام) لِيَدْنُوَ مِنْ رَسُولِ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَلَمْ يَجِدْ مَكَاناً، فَلَمَّا رَأَى

---

۱ و ۲ - در بحارالانوار «أَنْ يُخْلَقَ الْأَجْسَادُ» و «خُرِجَتْ» آمده‌است.

۳ - این حدیث را مرحوم علامهٔ‌مجلسی در بحارالانوار ج۶۵، ص۲۷، ح۵۰ از «بصائرالدرجات» نقل کرده و فرموده صدوق نیز مثل همین را در «فضائل‌الشیعة» نقل فرموده‌است.

ای علی، امّتم را [در عالم ذرّ] به من نشان دادند؛ بطوری که کوچک و بزرگ آنها را مشاهده کردم. ایشان ارواحی بودند که هنوز اجسامشان آفریده نشده بود. من بر تو و شیعیانت گذشتم و برای شما طلب آمرزش کردم. سپس علی عليه‌السلام عرض کرد: ای رسول خدا، در مورد آنها (شیعیانم) بیشتر برایم سخن بگویید. پیامبر پذیرفت و فرمود: ای علی، تو و شیعیانت از قبر بیرون می‌آیید؛ در حالی که چهره‌هایتان همچون ماه شب چهارده می‌درخشد و سختیها از شما برداشته شده و ناراحتیهایتان از بین رفته و در زیر سایهٔ عرش الهی آسوده خاطرید. مردم می‌ترسند و شما هراسی ندارید. مردم اندوهناک هستند و شما حزن و اندوهی ندارید. برای شما خوان کریمانهٔ حضرت حق را می‌گسترانند؛ در حالی که مردم گرفتار حساب و کتاب اعمال خویشند.

حدیث بیست و هشتم

محمّد قبطی گفت: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که فرمود:

مردم فرمایش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را دربارهٔ علی عليه‌السلام در روز غدیر خُمّ فراموش کردند؛ همان گونه که سخن آن حضرت را در روز مشربهٔ امّ ابراهیم از یاد بردند. [قضیهٔ آن چنین بود که] مردم به عیادت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله می‌آمدند و در این هنگام، علی عليه‌السلام نیز تشریف آورد و خواست نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله برود؛ ولی جای خالی نیافت.

رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اَنَّهُمْ لا يَفْرَجُونَ لِعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلامُ) قالَ: يا مَعْشَرَ النّاسِ هٰؤُلاءِ اَهْلُ بَيْتِي تَسْتَخِفُّونَ بِهِمْ وَاَنَا حَيٌّ بَيْنَ ظَهْرانَيْكُمْ، اَما وَاللهِ لَئِنْ غِبْتُ فَاِنَّ اللهَ لا يَغيبُ عَنْكُمْ، اِنَّ الرَّوْحَ وَالرّاحَةَ وَالرِّضْوانَ وَالْبُشْرىٰ وَالْحُبَّ وَالْمَحَبَّةَ لِمَنِ ائْتَمَّ بِعَلِيٍّ وَتَوَلّاهُ وَسَلَّمَ لَهُ وَلِلْاَوْصِياءِ مِنْ بَعْدِهِ، حَقٌّ عَلَيَّ اَنْ اُدْخِلَهُمْ فِي شَفاعَتِي لِاَنَّهُمْ اَتْباعِي، فَمَنْ تَبِعَنِي فَاِنَّهُ مِنِّي مَثَلٌ جَرىٰ فِي اِبْراهيمَ لِاَنِّي مِنْ اِبْراهيمَ وَاِبْراهيمُ مِنِّي، وَدينِي دينُهُ وَسُنَّتِي سُنَّتُهُ، وَفَضْلُهُ فَضْلِي وَاَنَا اَفْضَلُ مِنْهُ وَفَضْلِي لَهُ فَضْلٌ، تَصْديقُ قَوْلِ رَبِّي: «ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَاللهُ سَميعٌ عَليمٌ»[1] وَكانَ رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَقَدْ وَثِئَتْ رِجْلُهُ فِي مَشْرَبَةِ[2] اُمِّ اِبْراهيمَ حينَ عادَهُ النّاسُ.

(اَلْحَديثُ التّاسِعُ وَالْعِشْرُونَ)

اَبي رَحِمَهُ اللهُ قالَ: حَدَّثَنا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ... عَنْ اَبي داوُدَ الْاَعْمىٰ عَنْ اَبي عَبْدِ اللهِ الْجَدَلِيِّ قالَ:

قالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلامُ):

---

۱ - بحارالانوار ج۲۳، ص ۱۵۴ به نقل از «فضائل الشيعة»، در اين نقل بعد از آية فوق چيزی نيامده، ولی در ج۲۸، ص۹۵، ح۱۲ به نقل از «بصائرالدرجات» بعداز آية مذكور عبارت فوق آمده‌است.

۲ - مشربه = بمعنی اطاق و غرفه است، و مشربة امّ ابراهيم حجره و اطاقی بوده كه ابراهيم پسر رسول خدا (ص) در آن متولد شده‌است.

وقتی پیامبر ﷺ دید که اهل مجلس، راه را برای علی ؑ باز نمی‌کنند، فرمود: ای مردم، اینها (علی ؑ و همسر و فرزندانش) اهل بیت منند و شما در حالی که من هنوز در میانتان هستم، اهل بیتم را سبک می‌شمارید! به خدا سوگند، اگر من از بین شما رخت بربندم (رحلت نمایم)، خداوند از شما پنهان نمی‌گردد [و ناظر بر اعمال شماست]. به راستی که آسایش، راحتی، خشنودی، بشارت، محبّت و دوستی برای کسی است که از علی ؑ پیروی کند و او را دوست بدارد و تسلیم فرمان او و اوصیای بعد از او باشد. بر من [واجب] است که آنها را شفاعت کنم؛ زیرا ایشان، پیروان منند و هر کس مرا پیروی نماید، از من است. این موضوع، همان گونه است که دربارهٔ ابراهیم بوده؛ زیرا من از ابراهیم هستم و ابراهیم از من است. دین من دین او و سنّت من، سنّت او و فضل من فضل او است و من از او برترم و برتری من برای او، باعث فضل و برتری است به مصداق قول خداوند که می‌فرماید: «[اینها] فرزندانی هستند که بعضی از نسل بعض دیگرند و خدا شنوای داناست» (آل‌عمران ـ ۳۴). رسول خدا ﷺ [این مطالب را زمانی بیان فرمود که] پاهای مبارکش متورم شده بود و در مشربهٔ امّ ابراهیم، مردم به عیادت آن حضرت می‌آمدند.

● حدیث بیست و نهم

ابو عبدالله جَدَلی گفت: امیرالمؤمنین ؑ به من فرمود:

يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ، اَلا اُحَدِّثُكَ بِالْحَسَنَةِ اَلَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا أَمِنَ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ اَلْقِيَامَةِ، وَالسَّيِّئَةِ اَلَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا اَكَبَّهُ اللهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي اَلنَّارِ، قَالَ: قُلْتُ بَلَى، قَالَ: اَلْحَسَنَةُ حُبُّنَا وَالسَّيِّئَةُ بُغْضُنَا[1].

(اَلْحَدِيثُ اَلثَّلاثُونَ)

وَبِهَذَا اَلْاِسْنَادِ عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ اَبِي اِسْحَاقَ اَلنَّحْوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللهِ (عَلَيْهِ اَلسَّلامُ) يَقُولُ:

اِنَّ اللهَ اَدَّبَ نَبِيَّهُ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَلَى مَحَبَّتِهِ فَقَالَ: «اِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»، ثُمَّ فَوَّضَ اِلَيْهِ فَقَالَ: «مَا آتَاكُمُ اَلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» وَقَالَ: «مَنْ يُطِعِ اَلرَّسُولَ فَقَدْ اَطَاعَ اللهَ» وَاِنَّ رَسُولَ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَوَّضَ اِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) فَأْتَمَنَهُ فَسَلَّمْتُمْ وَجَحَدَ اَلنَّاسُ فَوَاللهِ لَنُحِبُّكُمْ اَنْ تَقُولُوا اِذَا قُلْنَا وَتَصْمُتُوا اِذَا صَمَتْنَا وَنَحْنُ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللهِ، وَاللهِ مَا جَعَلَ اللهُ لِاَحَدٍ مِنْ خَيْرٍ فِي خِلافِ اَمْرِهِ[2].

---

۱ - بحارالانوار ج ۶۵، ص ۱۴۳، بدنبال حديث ۹۰.

۲ - مرحوم علامهٔ مجلسی این حدیث را با اندک تفاوتی در بحارالانوار ج۲۵، ص۳۳۴، ح۱۳ از «بصائرالدرجات» و ج۲، ص۹۵، ح۳۷ از «محاسن برقی» و ج۱۷، ص۳، ح۱ از «کافی» نقل فرموده‌است، قابل ذکر است که در «کافی» و «بصائرالدرجات» عبارت آخر حدیث بصورت «في خِلافِ أمْرِنا» آمده‌است.

ای اباعبدالله، آیا به تو خبر بدهم از خوبی (حسنه)ای که هرکس آن را با خود همراه داشته باشد، از ترسِ روز قیامت در امان خواهد بود؟ و [آیا به تو خبر بدهم] از بدی (سیّئه)ای که هر کس با خود همراه داشته باشد، خداوند او را با صورت در آتش جهنم می‌اندازد؟ ابو عبدالله جدلی گفت: عرض کردم: آری [خبر دهید]. حضرت فرمود: «حسنه»، دوستی ما (اهل بیت) و «سیّئه»، دشمنی ما (آل محمّد) است.

● حدیث سی‌ام

ابو اسحاق نحوی گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

خداوند، پیامبرش را بر محبّت و دوستی خودش ادب کرد [و از اخلاق پیامبر به نیکی یاد کرده است؛ آنجا که فرموده:] «ای پیامبر، تو صاحب اخلاق بزرگی هستی». سپس [امر دین را] به آن حضرت تفویض کرد و فرمود: «آنچه پیامبر برای شما آورده، بپذیرید و از آنچه شما را نهی کرده پرهیز نمایید». و [در آیهٔ دیگری] فرمود: «هر کس از رسول خدا اطاعت نماید، از خدا اطاعت کرده است» و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز امر دین را به علی علیه السلام سپرد و او را امین شمرد. پس شما (شیعیان) تسلیم شدید و مردم انکار کردند. به خدا سوگند، ما دوست داریم هرگاه سخن می‌گوییم، شما هم سخن بگویید و هر زمان سکوت کردیم، شما نیز سکوت کنید. ما واسطه بین شما و خدا هستیم. به خدا سوگند، خداوند در مخالفت با امرش برای هیچکس خیری قرار نداده است.

(اَلْحَدیثُ الْحادِی وَالثَّلاثُونَ)

وَبِهٰذَا الْاِسْنادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ الْعَلاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ اَبی جَعْفَرٍ (عَلَیْهِ السَّلامُ) قالَ:

اِنَّ ذُنُوبَ الْمُؤْمِنِ مَغْفُورَةٌ لَهُ فَلْیَعْمَلِ الْمُؤْمِنُ لِما یَسْتَأْنِفُ اَما اِنَّها لَیْسَتْ اِلّا لِاَهْلِ الْایمانِ[۱].

(اَلْحَدیثُ الثّانی وَالثَّلاثُونَ)

وَبِهٰذَا الْاِسْنادِ عَنْ اَبی جَعْفَرٍ (عَلَیْهِ السَّلامُ) قالَ:

اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ یُعْطِی الدُّنْیا مَنْ یُحِبُّ وَ یُبْغِضُ وَلا یُعْطِی الْآخِرَةَ اِلّا مَنْ اَحَبَّ. وَاِنَّ الْمُؤْمِنَ لَیَسْأَلُ رَبَّهُ مَوْضِعَ سَوْطٍ مِنَ الدُّنْیا فَلا یُعْطیهِ وَیَسْأَلُهُ الْآخِرَةَ فَیُعْطیهِ ما شاءَ، وَیُعْطِی الْکافِرَ فِی الدُّنْیا قَبْلَ اَنْ یَسْأَلَهُ ما شاءَ[۲] وَیَسْأَلُهُ مَوْضِعَ سَوْطٍ فِی الْآخِرَةِ فَلا یُعْطیهِ اِیّاهُ[۳].

(اَلْحَدیثُ الثّالِثُ وَالثَّلاثُونَ)

وَبِهٰذَا الْاِسْنادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ اَبی حَمْزَةَ قالَ سَمِعْتُ

---

۱ - این حدیث در بحارالانوار ج ۶۴، ص ۶۷، ح ۲۵ از «کتاب المؤمن» روایت شده، همچنین در ج ۶، ص ۴۰، ح ۷۱ نیز بطور کامل و با اضافات قابل توجهی از کتاب شریف «کافی» نقل شده‌است.

۲ - در بحارالانوار «یشاء» آمده‌است.

۳ - بحارالانوار ج ۹۳، ص ۳۶۸، ح ۲ به نقل از «فضائل الشیعة».

● حدیث سی و یکم

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

گناهان مؤمن آمرزیده می‌شود، پس مؤمن باید عمل خویش را از سر گیرد [زیرا پروندهٔ اعمال او از گناه پاک شده و چیزی در آن نوشته نشده است]. آگاه باشید که این ویژگی، تنها به اهل ایمان (شیعیان) اختصاص دارد.



● حدیث سی و دوم

محمّد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

خداوند به هر کس که دوست دارد و یا دشمن می‌دارد، [نعمتهای] دنیا را می‌دهد؛ ولی [نعمتهای] آخرت را تنها به کسانی می‌دهد که دوستشان دارد. مؤمن، اندکی از [مال] دنیا را از خدا می‌خواهد و خداوند به او نمی‌دهد. اما وقتی [نعمتهای] آخرت را از او درخواست می‌کند، خداوند، هر چه بخواهد، به او می‌بخشد. در مقابل، خداوند در دنیا به کافر هر چه بخواهد می‌بخشد، قبل از آن که از او درخواست نماید. ولی اگر اندکی از [نعمتهای] آخرت را بخواهد، به او نمی‌دهد.

اَبا عَبْدِ اللّهِ (عَلَيْهِ اَلسَّلامُ) يَقُولُ :

اَنْتُمْ لِلْجَنَّةِ وَاَلْجَنَّةُ لَكُمْ، اَسماؤُكُمُ اَلصّالِحُونَ وَاَلْمُصْلِحُونَ، وَاَنْتُمْ اَهْلُ اَلرِّضا عَنِ اللّهِ بِرِضاهُ عَنْكُمْ، وَاَلْمَلائِكَةُ اِخْوانُكُمْ فِي اَلْخَيْرِ اِذَا اَجْتَهَدُوا.[1]

(اَلْحَديثُ اَلرّابِعُ وَاَلثَّلاثُونَ)

وَبِهذَا اَلاِسْنادِ قالَ اَبُو عَبْدِ اللّهِ (عَلَيْهِ اَلسَّلامُ) :

دِيارُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَقُبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ، لِلْجَنَّةِ خُلِقْتُمْ وَاِلَى اَلْجَنَّةِ تَصيرُونَ.[2]

(اَلْحَديثُ اَلْخامِسُ وَاَلثَّلاثُونَ)

وَبِهذَا اَلاِسْنادِ قالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ :

اِذا قامَ اَلْمُؤْمِنُ فِي اَلصَّلوةِ بَعَثَ اللّهُ اَلْحُورَ اَلْعينَ حَتّى يَحْدِقْنَ بِهِ فَاِذَا اَنْصَرَفَ وَلَمْ يَسْأَلِ اللّهَ مِنْهُنَّ شَيْئاً[3] تَفَرَّقْنَ وَهُنَّ مُتَعَجِّباتٌ.[4]

(اَلْحَديثُ اَلسّادِسُ وَاَلثَّلاثُونَ)

---

۱ و ۲ - بحارالانوار ج ۶۵، ص ۱۴۴، بدنبال حديث ۹۰ به نقل از « فضائل الشيعة ».

۳ - در بحارالانوار « شيئاً » ذكر نشده‌است.

۴ - بحارالانوار ج ۸۳، ص ۱۷، ح ۱۴ به نقل از « فضائل الشيعة ».

حدیث سی و سوم

ابو حمزه گفت: از امام صادق ؑ شنیدم که فرمود:

شما (شیعیان) برای بهشت آفریده شده‌اید و بهشت نیز برای شما آفریده شده است. نامتان، نیکوکاران و اصلاح‌گران است و از خدا راضی و خشنودید، چون او از شما خشنود است. و فرشتگان برادران شما در کارهای نیکند، پس در کار خیر بکوشید.

حدیث سی و چهارم



ابو حمزه گفت: امام صادق ؑ فرمود:

سرزمینها و قبرهایتان برای شما [همچون] بهشت است. برای بهشت آفریده شده‌اید و به سوی آن می‌روید.

حدیث سی و پنجم

ابو حمزه گفت: شنیدم امام صادق ؑ فرمود:

هنگامی که مؤمن به نماز می‌ایستد، خداوند حوری‌های بهشتی را نزد او می‌فرستد تا پیرامون او جمع شوند. پس هنگامی که نمازش به پایان می‌رسد و برمی‌گردد و از درگاه ربوبی حوریه‌ای درخواست نمی‌کند، با شگفتی از دور او پراکنده می‌شوند.

حَدَّثَني مُحَمَّدُ بنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ... عَنِ الْحارِثِ بنِ مُحَمَّدٍ الأَحْوَلِ

عَنْ أَبي عَبْدِ اللهِ (عليه السلام) عَنْ أَبي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لَمّا أُسْرِيَ بِهِ قالَ لِعَلِيٍّ (عليه السلام): يا عَلِيُّ، إِنّي رَأَيْتُ فِي الْجَنَّةِ نَهَراً أَبْيَضَ مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلى مِنَ الْعَسَلِ وَأَشَدَّ اسْتِقامَةً مِنَ السَّهْمِ، فيهِ أَباريقُ عَدَدَ نُجُومِ السَّماءِ عَلى شاطِئِهِ قِبابُ الْياقُوتِ الأَحْمَرِ وَالدُّرِّ الأَبْيَضِ، فَضَرَبَ جَبْرَئِيلُ بِجَناحِهِ إِلى جانِبِهِ فَإِذا هُوَ مِسْكٌ أَذْفَرُ، ثُمَّ قالَ: وَالَّذي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَراً يَتَصَفَّقُ بِالتَّسْبيحِ بِصَوْتٍ لَمْ يَسْمَعِ الأَوَّلُونَ وَالآخِرُونَ بِأَحْسَنَ مِنْهُ يُثْمِرُ ثَمَراً كَالرُّمّانِ وَيُلْقِي الثَّمَرَةَ إِلَى الرَّجُلِ فَيَشُقُّها عَنْ تِسْعينَ حُلَّةً وَالْمُؤْمِنُونَ عَلى كَراسِيَّ مِنْ نُورٍ وَهُمُ الْغُرُّ الْمُحَجَّلُونَ أَنْتَ قائِدُهُمْ[1] يَوْمَ الْقِيامَةِ، عَلَى الرَّجُلِ نَعْلانِ شِراكُهُما مِنْ نُورٍ يُضيءُ أَمامَهُ حَيْثُ شاءَ مِنَ الْجَنَّةِ فَبَيْنا هُوَ كَذٰلِكَ إِذْ أَشْرَفَتْ عَلَيْهِ امْرَأَةٌ مِنْ فَوْقِهِ تَقُولُ: سُبْحانَ اللهِ يا عَبْدَ اللهِ ما لَكَ فينا دَوْلَةٌ؟ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتِ؟ فَتَقُولُ: أَنَا مِنَ اللَّواتي قالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ:

---

۱ - در بحارالانوار «إمامُهُمْ» آمده است.

حدیث سی و ششم

امام صادق ﷺ فرمود: از امام باقر ﷺ شنیدم که فرمود:

هنگامی که رسول خدا ﷺ به معراج رفت [و بازگشت]، به علی ﷺ فرمود: ای علی، من در بهشت نهری را دیدم که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر و از تیر راست‌تر بود. در آن، به اندازهٔ ستارگان آسمان کاسه بود و بر کنارهٔ آن، قبّه‌هایی از یاقوت سرخ و دُرّ سفید. جبرئیل با بالش به کنار آن زد [و معلوم شد] مُشک خوشبو و معطّر است. سپس [رسول خدا ﷺ] فرمود: به آن خدایی که جان محمّد به دست قدرت اوست، در بهشت درختی است که با صدای بلند، تسبیح خداوند را می‌گوید. صدای آن درخت، به گونه‌ای است که اوّلین و آخرین [آفریدگان]، زیباتر از آن صدا را نشنیده‌اند. این درخت همچون درخت انار میوه می‌دهد و میوه‌هایش را بر سر مؤمن می‌ریزد و چون آن را باز نماید، آن را از بین نود حُلّه می‌شکافد. مؤمنین بر روی تخت‌هایی از نورند؛ در حالی که پیشانی و دست و پاهای آنها درخشان و نورانی است. [ای علی] تو در قیامت، پیشوایشان هستی. هر یک از آنها کفشهایی می‌پوشد که بندهایش از نور است و جلوی خود را تا هر جا که بخواهد، روشن می‌کند. مؤمن در چنین موقعیتی است که ناگهان زنی از مقام بالاتر به او می‌نگرد و می‌گوید: ای بندهٔ خدا، تو بر ما تصرف و تملّک نداری؟ مؤمن می‌گوید: تو کیستی و او می‌گوید: من از جمله نعمتهایی هستم که خداوند عزّوجلّ درباره آنها چنین فرموده است:

«فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما اُخْفِیَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ اَعْیُنٍ جَزاءً بِما کانُوا یَعْمَلُونَ» ثُمَّ قالَ: وَالَّذی نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِیَدِهِ اِنَّهُ لَیَجیئُهُ کُلَّ یَوْمٍ سَبْعُونَ اَلْفَ مَلَكٍ یُسَمُّونَهُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ اَبیهِ[1].

(اَلْحَدیثُ السّابِعُ وَالثَّلاثُونَ)

حَدَّثَنی مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَی بْنِ الْمُتَوَکِّلِ... عَنْ مالِكِ ابْنِ الْجُهَنِیِّ عَنْ اَبی عَبْدِ اللهِ (عَلَیْهِ السَّلامُ) قالَ:

یا مالِكُ، اَما تَرْضَوْنَ اَنْ تُقیمُوا الصَّلوٰةَ وَتُؤَدُّوا الزَّکوٰةَ وَتَکُفُّوا اَیْدِیَکُمْ وَتَدْخُلُوا الْجَنَّةَ، ثُمَّ قالَ: یا مالِكُ، اِنَّهُ لَیْسَ مِنْ قَوْمٍ ائْتَمُّوا بِاِمامٍ فی دارِ الدُّنْیا اِلّا جاءَ یَوْمَ الْقِیامَةِ یَلْعَنُهُمْ وَیَلْعَنُونَهُ اِلّا اَنْتُمْ وَمَنْ کانَ بِمِثْلِ حالِکُمْ، ثُمَّ قالَ: یا مالِكُ، اِنَّ الْمَیِّتَ مِنْکُمْ عَلی هٰذَا الْاَمْرِ شَهیدٌ بِمَنْزِلَةِ الضّارِبِ بِسَیْفِهِ فی سَبیلِ اللهِ، قالَ وَقالَ مالِكُ: بَیْنَما اَنَا عِنْدَهُ ذاتَ یَوْمٍ جالِسٌ وَاَنَا اُحَدِّثُ نَفْسی بِشَیْءٍ مِنْ فَضْلِهِمْ فَقالَ لی: اَنْتُمْ وَاللهِ شیعَتُنا، لا تَظُنَّنَّ اَنَّكَ مُفْرِطٌ فی اَمْرِنا، یا مالِكُ

---

۱ - بحارالانوار ج۸، ص۱۳۸، ح ۵۰ به نقل از «محاسن برقی» و ج۲۷، ص ۱۲۷، ح۱۱۷ به نقل از «کتاب فرج الکرب».

«هیچکس نمی‌داند چه نعمتهایی که باعث روشنی چشم اوست، برایش مهیا شده است. این [نعمتها] پاداش کردار [نیک] آنهاست». و در ادامه، رسول خدا ﷺ فرمود: سوگند به آن کسی که جان محمّد به دست قدرت اوست، هر روز هفتاد هزار ملک نزد او (مؤمن) می‌آیند و او را به نامش و نام پدرش می‌خوانند.

حدیث سی و هفتم

مالک بن جُهَنی گفت: امام صادق ؑ فرمود:

ای مالک، آیا راضی نیستید که نماز به پا دارید، زکات دهید، دست [از اذیت و آزار دیگران] باز دارید و به بهشت وارد شوید؟ سپس فرمود: ای مالک، هیچ گروهی در دنیا از امام و پیشوایی پیروی نمی‌کند مگر اینکه روز قیامت، او پیروان خود را و پیروانش، او را لعنت می‌کنند؛ جز شما و کسانی که همچون شما هستند.

ای مالک، هرکدام از شما با عقیده به امر ولایت [ما اهل‌بیت ؑ] از دنیا برود، شهید است و همچون کسی است که با شمشیرش در راه خدا جهاد کرده است. مالک گفت: روزی در خدمت آن حضرت نشسته بودم و نزد خود، اندکی از فضایل اهل بیت ؑ را بازگو می‌کردم. در این هنگام آن حضرت به من فرمود: به‌خدا سوگند، شما شیعهٔ ما هستید. گمان مکن که دربارهٔ امر ما زیاده‌روی می‌کنی.

إِنَّهُ لا يُقْدَرُ عَلى صِفَةِ اللهِ فَكَما لا يُقْدَرُ عَلى صِفَةِ اللهِ فَكَذٰلِكَ لا يُقْدَرُ عَلى صِفَةِ الرَّسُولِ (صلّى الله عليه وآله وسلّم)، وَكَما لا يُقْدَرُ عَلى صِفَةِ الرَّسُولِ فَكَذٰلِكَ لا يُقْدَرُ عَلى صِفَتِنا. وَكَذٰلِكَ لا يُقْدَرُ عَلى صِفَةِ الْمُؤْمِنِ، يا مالِكُ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَلْقى أَخاهُ فَيُصافِحُهُ فَلا يَزالُ اللهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِما وَالذُّنُوبُ تَتَحاتُّ عَنْ وُجُوهِهِما حَتّى يَتَفَرَّقا. وَإِنَّهُ لا يُقْدَرُ عَلى صِفَةِ مَنْ هُوَ هٰكَذا وَقالَ: إِنَّ أَبي (عليه السلام) كانَ يَقُولُ: لَنْ تَطْعَمَ النّارُ مَنْ يَصِفُ هٰذَا الْأَمْرَ.[1]

(الْحَديثُ الثّامِنُ وَالثَّلاثُونَ)

حَدَّثَني مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ماجيلَوَيْهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقاسِمِ عَنْ... عَنْ عُمَرَ الْكَلْبِيِّ قالَ:

قالَ لي[2] أَبُو عَبْدِ اللهِ (عَلَيْهِ السَّلامُ):

ما أَكْثَرَ السَّوادَ، «قُلْتُ: أَجَلْ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ»[3]. فَقالَ: أَما وَاللهِ ما يَحُجُّ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ غَيْرُكُمْ، وَلا يُصَلِّي الصَّلاتَيْنِ غَيْرُكُمْ، وَ

---

۱ - بحارالانوار ج۶۵، ص۶۸، ح۱۲۴ به نقل از «فضائل الشيعة» كه اشتباهاً «صفات الشيعة» ضبط شده است.

۲ و ۳ - كلمات «لي» و «قُلْتُ: أَجَلْ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ» را از بحارالانوار اضافه نموديم تا معنى حديث كامل گردد.

ای مالک، هیچکس نمی‌تواند خدا را وصف نماید، و همان گونه که نمی‌تواند خدا را وصف کند، نمی‌تواند رسول خدا ﷺ را هم وصف کند و همان گونه که نمی‌تواند رسول خدا ﷺ را وصف کند، نمی‌تواند ما را نیز وصف نماید و همان گونه که نمی‌تواند ما را وصف کند، نمی‌تواند مؤمن را هم وصف نماید. ای مالک، مؤمن با برادر دینی‌اش برخورد می‌کند و با او دست می‌دهد و خداوند پیوسته به آن دو با نظر رحمت می‌نگرد و گناهانشان را فرو می‌ریزد تا زمانی که از یکدیگر جدا می‌شوند. و البته کسانی را که این گونه هستند، کسی نمی‌تواند [آن گونه که سزاوار آنهاست] وصف نماید و امام ششم ؑ فرمود: پدرم (امام باقر ؑ) فرمود: هرگز کسی که اعتقاد به ولایت ما (آل محمّد ؑ) داشته باشد، طعمهٔ آتش جهنّم نخواهد شد.

● حدیث سی و هشتم

عمر بن ابان کلبی گفت: امام صادق ؑ [در هنگام طواف خانه خدا] به من فرمود:

چقدر سیاهی [لشکر] زیاد است؟! گفتم: آری ای پسر رسول خدا. سپس آن حضرت فرمود: به خدا سوگند، جز شما (شیعیان) کسی برای خدا حجّ بجا نمی‌آورد و هر دو نماز (فرائض و نوافل) را برپا نمی‌دارد

لا يُؤتى اَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ غَيْرُكُمْ، وَاِنَّكُمْ لَدُعاةُ[1] الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ وَاَهْلُ الدِّينِ[2]، وَلَكُمْ يُغْفَرُ، وَمِنْكُمْ يُتَقَبَّلُ.[3]

(اَلْحَديثُ التّاسِعُ وَالثَّلاثُونَ)

حَدَّثَنا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللهُ قالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عامِرٍ عَنِ الصَّبّاحِ بْنِ سَيابَةَ عَنْ

اَبِي عَبْدِ اللهِ (عَلَيْهِ السَّلامُ) قالَ:

اِنَّ الرَّجُلَ لَيُحِبُّكُمْ وَما يَدْرِي ما تَقُولُونَ فَيُدْخِلُهُ اللهُ الْجَنَّةَ، وَاِنَّ الرَّجُلَ لَيُبْغِضُكُمْ وَما يَدْرِي ما تَقُولُونَ فَيُدْخِلُهُ اللهُ النّارَ، وَ اِنَّ الرَّجُلَ لَيَمْلَأُ صَحِيفَتَهُ مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ، قُلْتُ: فَكَيْفَ؟ قالَ: يَمُرُّ بِالْقَوْمِ يَنالُونَ مِنّا وَاِذا رَأَوْهُ قالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ اِنَّ هٰذَا الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِهِمْ، وَيَمُرُّ بِهِمُ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنا فَيَرْمُونَهُ وَيَقُولُونَ فِيهِ، فَيَكْتُبُ

---

۱ - در بحارالانوار «لَرُعاةُ» آمده‌است و مرحوم علامهٔ مجلسی در توضیح آن فرموده: «رُعاةُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَالنُّجُومِ، اَیْ تَرْعَوْنَها وَ تُراقِبُونَها لِاَوْقاتِ الصَّلَواتِ وَالْعِباداتِ، وَ قالَ الْفَيْرُوزآبادِيُّ: راعِی النُّجُومِ: راقَبَها وَ انْتَظَرَ مَغيبَها، كَرَعاها».

۲ - کلمهٔ «الدِّین» را از بحارالانوار اضافه نمودیم تا معنی حدیث کامل گردد.

۳ - این حدیث را مرحوم علامهٔ‌مجلسی در بحارالانوار ج۲۷، ص۱۸۴، ح۴۰ و در ج۲۷، ص ۱۸۳، ح۳۵ با مختصر تفاوتی از «محاسن برقی» نقل فرموده‌است.

و پاداش مضاعف به او داده نمی‌شود. شما دعوت کنندگان به خورشید [رسول خدا]، ماه [امیرالمؤمنین] و ستارگان [سایر ائمه هدی ﷺ] هستید و به راستی، شما اهل دین و دیانتید و گناهان شما آمرزیده می‌شود و کردار نیکتان پذیرفته می‌گردد.

حدیث سی و نهم

صبّاح بن سیابه گفت: امام صادق ﷺ فرمود:

چه بسا مردی، شما (شیعیان) را دوست می‌دارد، ولی با مقالهٔ شما آشنا نیست. [عقیدهٔ شما را نسبت به اهل بیت ﷺ نمی‌داند] اما خداوند او را [به خاطر دوستی با شما] به بهشت می‌برد. و چه بسا مردی، نسبت به شما کینه ورزد و حال آن که مقالهٔ شما را هم نمی‌داند و خداوند او را [به خاطر این بغضش] به جهنم می‌برد. و چه بسا مردی، نامهٔ عملش را پر [از خیرات] کند بدون آن که کار خیری انجام داده باشد. صبّاح گفت: عرض کردم: چگونه؟ فرمود: از کنار جماعتی که به ما (آل محمّد) ناسزا می‌گویند می‌گذرد، پس هنگامی که او را می‌بینند، بعضی به بعض دیگر می‌گویند این مرد از شیعیان آنهاست، [ساکت باشید و سخنی نگویید] و همین که از کنار آنها بگذرد، به او تهمت زده و ناسزا می‌گویند.

اللّٰهُ لَهُ بِذٰلِكَ حَسَنٰاتٍ حَتّیٰ يَمْلَأَ صَحيفَتَهُ مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ[1].

(اَلْحَديثُ اَلْاَرْبَعُونَ)

اَبي رَحِمَهُ اللّٰهُ قٰالَ حَدَّثَني سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ... عَنْ مَنْصُورٍ اَلصَّيْقَلِ قٰالَ:

كُنْتُ عِنْدَ اَبي عَبْدِ اللّٰهِ (عليه السلام) في فُسْطٰاطِهِ بِمِنیٰ فَنَظَرَ اِلَی النّٰاسِ فَقٰالَ: يَأْكُلُونَ الْحَرٰامَ وَيَلْبَسُونَ الْحَرٰامَ وَيَنْكِحُونَ الْحَرٰامَ وَتَأْكُلُونَ اَلْحَلاٰلَ وَتَلْبَسُونَ الْحَلاٰلَ وَتَنْكِحُونَ الْحَلاٰلَ. لاٰ وَاللّٰهِ مٰا يَحُجُّ غَيْرُكُمْ وَلاٰ يُتَقَبَّلُ اِلاّٰ مِنْكُمْ[2].

(اَلْحَديثُ اَلْحٰادي وَالْاَرْبَعُونَ)

وَبِهٰذَا الْاِسْنٰادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عٰاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قٰالَ:

قٰالَ اَبُو عَبْدِ اللّٰهِ (عَلَيْهِ السَّلاٰمُ):

يٰا عُمَرُ[3]، اِنَّ اللّٰهَ يُعْطِي الدُّنْيٰا مَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ، وَلاٰ يُعْطي هٰذَا الْاَمْرَ اِلاّٰ صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، اَنْتُمْ وَاللّٰهِ عَلیٰ ديني وَدينِ آبٰائي اِبْرٰاهيمَ وَاِسْمٰاعيلَ

---

۱ - بحار الانوار ج ۲۷، ص ۱۳۶، ح ۱۳۶ به نقل از «فضائل الشيعة».

۲ - بحار الانوار ج ۲۷، ص ۱۹۹، ح ۶۵ به نقل از «فضائل الشيعة».

۳ - در «ن - د»، «ن - م» و «ن - مر»، «يا صَخْرُ» و در بحار الانوار «يا أبا الصَّخْرُ» آمده است.

خداوند به همین علّت، حسناتی برای او می‌نویسد تا اینکه نامهٔ عملش را بدون این که کاری انجام داده باشد [از خیرات] پُر می‌کند.

● حدیث چهلم

منصور صیقل گفت: در منیٰ در خیمهٔ امام صادق علیه السلام نزد آنجناب بودم که حضرت به مردم نگریست و فرمود:

حرام می‌خورند و حرام می‌پوشند و به حرام، ازدواج می‌کنند. و شما (شیعیان) حلال می‌خورید و حلال می‌پوشید و به حلال، ازدواج می‌کنید. نه، به خدا سوگند، جز شما کسی حجّ بجای نمی‌آورد و از غیر شما، اعمال خیر پذیرفته نمی‌شود.

● حدیث چهل و یکم

عمر بن حنظله گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای عمر بن حنظله، خداوند دنیا را به دوست و دشمنش می‌دهد؛ ولی این امر (ولایت ما آل محمّد) را جز به بندگان برگزیده‌اش نمی‌دهد. به خدا سوگند، شما (شیعیان) بر دین من و دین پدرانم؛ ابراهیم و اسماعیل هستید.

لا اَعْني عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَلَا الْباقِرَ[1] وَلَوْ كانَ[2] هٰؤُلاءِ عَلىٰ دينِ هٰؤُلاءِ.[3]

(اَلْحَديثُ الثّاني وَالْاَرْبَعُونَ)

وَبِهٰذَا الْاِسْنادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى النُّمَيْرِيِّ عَنْ اَبي عَبْدِ اللّٰهِ (عَلَيْهِ السَّلامُ) قالَ:

اَتىٰ رَسُولَ اللّٰهِ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رَجُلٌ فَقالَ: يا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّي اُحِبُّكَ، فَقالَ: اِنَّكَ لَتُحِبُّني؟ فَقالَ: وَاللّٰهِ اِنّي لَاُحِبُّكَ فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): اَنْتَ مَعَ مَنْ اَحْبَبْتَ.[4]



(اَلْحَديثُ الثّالِثُ وَالْاَرْبَعُونَ)

حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ماجيلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللّٰهُ قالَ حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ عَنْ حَنْظَلَةَ عَنْ مُيَسِّرٍ قالَ سَمِعْتُ اَبَا الْحَسَنِ الرِّضا (عَلَيْهِ السَّلامُ) يَقُولُ:

لا يُرىٰ مِنْكُمْ فِي النّارِ اثْنانِ لا وَاللّٰهِ وَلا واحِدٌ. قالَ: قُلْتُ فَاَيْنَ ذا مِنْ كِتابِ اللّٰهِ؟ فَاَمْسَكَ عَنّي هُنَيَّةً. قالَ: فَاِنّي مَعَهُ ذاتَ يَوْمٍ في

۱ و ۲ - در بحارالانوار « وَلا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ » و « وَإِنْ كانَ » آمده‌است.

۳ - مرحوم علامه‌مجلسی این حدیث را در بحارالانوار ج۶۵، ص۲۰۲، ح۱ از « کافی » نقل فرموده‌است.

۴ - بحارالانوار ج۲۷، ص۱۳۷، ح۱۳۷ به نقل از « فضائل‌الشیعة ». این حدیث در نسخ خطی موجود و نسخهٔ مطبوع ناقص بودکه با نقل مرحوم علامه‌مجلسی در بحارالانوار بطور کامل ذکر گردید.

منظورم حضرت علیّ بن الحسین و امام محمّد باقر ؑ نیست؛ اگرچه اینها نیز بر دین آنها بوده‌اند.

حدیث چهل و دوم

امام صادق ؑ فرمود:

مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا، من تو را دوست دارم. پیامبر فرمود: تو مرا دوست داری؟ عرض کرد: [آری] به خدا سوگند من شما را دوست دارم. رسول خدا ﷺ به او فرمود: تو [در فردای قیامت] با کسی که دوستش داری خواهی بود.

حدیث چهل و سوم

مُیَسِّر گفت: از حضرت رضا ؑ شنیدم که فرمود:

دو نفر از شما (شیعیان) در آتش جهنم دیده نمی‌شود. نه، به خدا سوگند یک نفر هم دیده نمی‌شود. میسر گفت: عرض کردم: این موضوع در کجای قرآن است؟ حضرت برای مدّتی به سؤال من پاسخی نفرمود تا اینکه روزی با آنجناب مشغول طواف بودیم که

اَلطَّوافِ اِذْ قالَ: يا مُيَسِّرُ، اَلْيَوْمَ اُذِنَ لي في جَوابِكَ عَنْ مَسْأَلَتِكَ كَذا، قالَ: قُلْتُ فَاَيْنَ هُوَ مِنَ الْقُرْآنِ؟ قالَ: في سُورَةِ الرَّحْمٰنِ وَهُوَ قَوْلُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ: «فَيَوْمَئِذٍ لا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ مِنْكُمْ اِنْسٌ وَلا جانٌّ»[1] فَقُلْتُ لَهُ: لَيْسَ فيها مِنْكُمْ. قالَ: اِنَّ اَوَّلَ مَنْ قَدْ غَيَّرَها ابْنُ اَرْوى[2] وَذٰلِكَ اَنَّها حُجَّةٌ عَلَيْهِ وَعَلى اَصْحابِهِ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فيها مِنْكُمْ لَسَقَطَ عِقابُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ عَنْ خَلْقِهِ اِذْ لَمْ يُسْأَلْ عَنْ ذَنْبِهِ اِنْسٌ وَلا جانٌّ فَمَنْ يُعاقَبُ اِذاً يَوْمَ الْقِيامَةِ؟

(اَلْحَديثُ الرّابِعُ وَالْاَرْبَعُونَ)

حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَليدِ رَحِمَهُ اللّٰهُ قالَ حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفّارُ

...عَنِ الْعَبّاسِ بْنِ يَزيدَ قالَ:

قُلْتُ لِاَبي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام ذاتَ يَوْمٍ: جُعِلْتُ فِداكَ، قَوْلُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَاِذا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعيماً وَمُلْكاً كَبيراً» قالَ: فَقالَ لي: اِذا اَدْخَلَ اللّٰهُ اَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ اَرْسَلَ رَسُولاً اِلى وَلِيٍّ مِنْ

---

۱ - مرحوم علامهٔ مجلسی این حدیث را در بحارالانوار ج۸، ص۳۶۰، ح۲۸ از «فضائل الشیعة» تا آخر آیهٔ فوق نقل فرموده و در ادامهٔ حدیث چنین آمده‌است: «هٰكَذا نَزَلَتْ وَغَيَّرَها ابْنُ أَرْوى».

۲ - مرحوم طریحی در «مجمع البحرین» فرموده: «اِبْنُ أَرْوى» عُثْمانُ بْنُ عَفّان و «أَرْوى» أُمُّهُ.

فرمود: ای میسر، [اکنون] اجازه دارم به آن سؤالت پاسخ بگویم. عرض کردم: [پاسخ سؤالم] در کجای قرآن است؟ فرمود: در سورهٔ «الرحمن» آنجا که می‌فرماید: «پس در این روز (قیامت) از گناه انس و جنّ شما سؤال نمی‌شود» عرض کردم: این آیه در لفظ، «مِنكُم» ندارد. فرمود: اوّل کسی که آن را تغییر داد، «ابن اروی» بود و این حجّتی است بر او و بر یارانش؛ زیرا اگر «منکم» در آیه نباشد، عِقاب خدا از خلقش برداشته می‌شود و اگر از گناه انس و جنّ سؤال نشود، پس چه کسی در روز قیامت عقوبت می‌شود؟



حدیث چهل و چهارم

عباس بن یزید گفت: روزی به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم، معنی قول خدا، آنجا که فرموده: «و چون بنگری، در آنجا نعمتهای فراوان و مُلک عظیمی خواهی دید» چیست؟

به من فرمود: هنگامی که خداوند، اهل بهشت را به بهشت وارد کند، فرستاده‌ای را نزد یکی از اولیایش می‌فرستد.

اَوْلِيائِهِ فَيَجِدُ اَلْحَجَبَةَ عَلىٰ بابِهِ فَيَقُولُونَ لَهُ: قِفْ، حَتّىٰ نَسْتَأْذِنَ لَكَ، فَما يَصِلُ اِلَيْهِ رَسُولُ اللّٰهِ اِلاّٰ بِإِذْنٍ وَهُوَ قَوْلُهُ: «وَاِذا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيماً وَمُلْكاً كَبِيراً»[1].

(اَلْحَدِيثُ اَلْخامِسُ وَ اَلاَرْبَعُونَ)

حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ اَلْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللّٰهُ قالَ حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى اَلْعَطّارُ عَنْ اَحْمَدَ بْنِ اَلْعَيْصِ رَفَعَهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ اَلسَّلامُ) قالَ:

اِذا كانَ يَوْمُ اَلْقِيامَةِ نَشْفَعُ فِي اَلْمُذْنِبِينَ[2] مِنْ شِيعَتِنا فَاَمَّا اَلْمُحْسِنُونَ فَقَدْ نَجّاهُمُ اللّٰهُ[3].

---

۱ - بحارالانوار ج۸، ص۱۹۷، ح۱۸۸ به نقل از «فضائل الشيعة».

۲ - در بحارالانوار «فی اَلْمُذْنِب» آمده‌است.

۳ - بحارالانوار ج۸، ص۵۹، ح۷۷ به نقل از «فضائل الشيعة».

آن فرستاده، با نگهبانانِ در خانهٔ آن ولیِّ خدا مواجه می‌شود که به او می‌گویند: بایست تا برای ورودت اجازه بگیرم.

پس پیام‌رسانِ خدا جز به اجازهٔ ولیِّ خدا بر او وارد نمی‌شود و این است قول خدای تعالی: «و چون بنگری، در آنجا نعمتهای فراوان و مُلک عظیمی خواهی دید».

حدیث چهل و پنجم



امام باقر ؈ فرمود:

هنگامی که روز قیامت فرا رسد، ما در مورد گناهکاران از شیعیانمان شفاعت می‌کنیم؛ ولی نیکوکارانشان را خداوند نجات داده است.

کتابهایی که تاکنون توسط انتشارات زُراره منتشر شده است

۱ـ علی (ع) و المناقب، چاپ اول و دوم — تألیف دکتر عبدالعلی گویا

۲ـ علی (ع) و العوالم — تألیف دکتر عبدالعلی گویا

۳ـ علی (ع) و زیارت جامعه کبیره — تألیف دکتر عبدالعلی گویا

٤ـ علی (ع) و خطبهٔ تطنجیه — تألیف دکتر عبدالعلی گویا

۵ـ در راه سفر به کربلا — تألیف مجید مسعودی

٦ـ چهل حدیث گواه بر عظمت و حقانیت آل محمّد (ص)

۷ـ خطبهٔ غدیریه، چاپ اول و دوم — با مقدمه و ویرایش امیر توحیدی

۸ـ صفات الشیعة — تألیف شیخ صدوق، ترجمه وتصحیح امیرتوحیدی

۹ـ فضائل الشیعة — تألیف شیخ صدوق، ترجمه وتصحیح امیرتوحیدی

کتابهای در دست چاپ:

۱ـ بشارةالمصطفی لشیعةالمرتضی — تألیف عماد الدین طبری، ترجمه امیر توحیدی

۲ـ کتاب المناقب (الفضائل) — تألیف شاذان‌بن جبرائیل، ترجمه امیر توحیدی

۳ـ اخلاق درمکتب محمّدوآل محمّد — تألیف دکترعبدالعلی گویا، تصحیح امیر توحیدی

٤ـ علی (ع) و خطبة البیان — تألیف دکتر عبدالعلی گویا

۵ـ اربعین — تألیف دکترعبدالعلی گویا، تصحیح امیر توحیدی